
بامداد
بشریت
امام زمان


بسم الله الرحمن الرحیم

بامداد بشریت

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بامداد بشریت

مشخصات کتاب

سرشناسه : طبسی محمدجواد، ۱۳۳۱ - عنوان و نام پدیدآور : بامداد بشریت: مجموعه ای از پرسش ها و پاسخ ها پیرامون امام زمان(عج) / محمد جواد مروجی طبسی. مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۳. مشخصات ظاهری : ۱۶۰، ۵ ص. شابک : ۷۰۰۰ ریال ؛ ۱۱۰۰۰ ریال : چاپ چهارم : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۲۰-۵ ؛ ۱۱۰۰۰ ریال: چاپ سوم : ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۰-۱ یادداشت : چاپ قبلی: انتشارات بوستان کتاب قم،۱۳۸۱. یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۸۶. یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۶. یادداشت : کتابنامه ص [۱۵۴]-۱۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع : محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - - یاوران موضوع : محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- پرسش ها و پاسخ ها موضوع : مهدویت-- انتظار موضوع : مهدویت-- جنبه های قرآنی موضوع : موعود گرایی شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) . واحد پژوهش رده بندی کنگره : BP۲۲۴ /ط۲۳ب ۲ ۱۳۸۳ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۹۶۸۶

پیشگفتار

هر مکتب و نظامی برای تبیین اصول و مبانی اعتقادی و آرمانی خود، نیازمند تبلیغات است و از این راه، به گسترش حیطه نفوذ خود دست می یابد. در طول تاریخ، تنها اندیشه هایی به جا مانده و به دست نسل های بعد رسیده است که از بهترین، مؤثرترین و پر نفوذترین شیوه های پیام رسانی برخوردار بوده اند.

در دنیای کنونی که همه چیز در اثر پیشرفت تمدن بشری چهره خود را تغییر داده و رشد چشمگیری یافته، تبلیغات از شیوه «سنتی» خارج و به یک دانش تبدیل شده است.

امروز دانشکده ها و سازمان های بزرگ وپیچیده که دارای بودجه های عظیم هستند، در راستای کار آمدی تبلیغات در

زمینه های مختلف تجاری، سیاسی و عقیدتی، مشغول فعالیت هستند. اربابان رسانه های تبلیغاتی در جهان با استفاده از پیشرفته ترین ابزار، به تبلیغ فرهنگ استعماری خویش و حمله به باورهای کهن مخاطبان خود می پردازند.

اکنون مرزبانان مرزهای عقیدتی برای پاسداری از فرهنگ اسلامی، نیازمند استفاده از ابزارهای نوین اطلاع رسانی و آگاهی از آخرین داده های اطلاعاتی هستند.

در شرایط کنونی که مردم انقلابی ایران با الهام از مکتب رهایی بخش اسلام، جامعه ای نوین بر اساس اندیشه های اسلامی بنا نهاده اند و تلاش گسترده ای را برای احیای ارزش های دینی آغاز کرده اند، شایسته است دانشمندان مسلمان با تمام توان خویش، به پیرایش اندیشه ها بپردازند و اسلام ناب محمدی را معرفی کنند.

سوگمندانه باید بپذیریم که بسیاری از خرافه ها و باورهای غلط هنوز ریشه در ذهن مردم مسلمان دارد. وظیفه دانشمندان است که شبهات را پاسخ بگویند و چهره حقیقی دین را به تصویر بکشند.

کتاب حاضر درباره پیشوای دوازدهم شیعه، مصلح بزرگ جهان، امام مهدی (عج) است. مسئله مهدویّت از ناب ترین اندیشه های اسلامی و برگرفته از قرآن است. قرآن مجید در چند آیه، نوید داده است که نیکان و پارسایان بر سراسر جهان حاکم خواهند شد و پیشوایی جهان به مستضعفان خواهد رسید.

پیامبر اسلام و ائمّه – علیهم السلام – که مفسّران قرآن و بازگو کنندگان حقایق آن هستند، ویژگی های حکومت صالحان و مستضعفان به پیشوایی امام مهدی – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – را به تفضیل بیان داشته اند و مردم را به آمادگی برای تشکیل آن حکومت که تجسم مدینه فاضله اسلامی است، فرا خوانده اند و انتظار آن را برترین عبادات دانسته اند.

حکومت حضرت مهدی علیه السلام کاخ های ستم را نابود می سازد وعدالت را بر

جهان حاکم می کند. حکومت حضرت مهدی علیه السلام به پیرایش اندیشه ها از کفر و شرک می پردازد و امنیت و صلح را بر جهان حاکم می سازد. حضرت مهدی علیه السلام که مردم را هدایت و رهبری می کند، مظهر عبودیت خدا و نمونه اعلای انسان کامل است.

مهدی آل محمدعلیهم السلام پیشوایی از تبار پاک پیامبرصلی الله علیه وآله و از نسل پاکان و صالحان است. پدرانش نسل در نسل، از پیشوایان حق و عدالت بودند و لحظه ای در راه دفاع از حقوق مستضعفان درنگ نکرده و سرانجام هم به سبب عدالت خواهی و ظلم ستیزی، به دست جلّادان روزگار به شهادت رسیدند. مهدی موعود - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - وارث آن خون های پاک و مقدس است. او می آید تا انتقام خون های به ناحق ریخته را بگیرد.

سال ها پیش، برای بازشناسی این مرد آسمانی، دست به کار شدم و مطالبی را که در طول سالیان دراز از استادان دانشمند و پارسا، به ویژه معلّم و مربّی و پدر بزرگوارم، آیت اللّه حاج شیخ محمد رضا طبسی رحمه الله، آموخته و در جلسات گوناگون، برای جوانان بازگو کرده بودم، با بازنگری دوباره و افزودن مطالب دیگری به صورت پرسش و پاسخ درآوردم.

امید دارم این تلاش ناچیز در پیشگاه امام عصر - ارواحنا له الفداء - پذیرفته گردد.

حوزه علمیّه قم

محمّد جواد مروّجی طبسی

بخش اول: اعتقاد به مهدویت

مقدمه

یکی از باورهای پاک نهاد و مسلّم که در کتاب های مقدّس و آسمانی بدان اشاره شده، اعتقاد به ظهور مصلحی جهانی است که در سایه حکومت او، تمام مردم جهان به آرامش واقعی می رسند. همه پیروان کتاب های آسمانی در انتظار ظهور مردی هستند که به ستم ها پایان می بخشد و

صلح و صفا را در جهان حاکم می سازد.

همه مستضعفان در انتظار ظهور مصلح جهانی هستند. اعتقاد به منجی جهان اختصاص به پیروان ادیان آسمانی ندارد. انسان در فطرت خویش خواهان ظهور مصلحی است که از نیرویی غیبی و الهی برخوردار باشد و بتواند حکومتی بر پایه عدل بنا نهد. امروزه برخی از فرمانروایان ستمگر تمام تلاششان این است که خود را چنین فردی معرفی نمایند، تا به خیال خود، بر آن عقیده فطری مردم جامه عمل بپوشاند. آنان در این راستا، با لشکرکشی به کشورهای ضعیف و کشتار مردم بی دفاع، خود را مدافع حقوق بشر قلمداد می کنند. در این بخش به چند پرسش مهم درباره اعتقاد به منجی جهان پاسخ داده می شود.

پرسش ۱

آیا در کتاب های آسمانی، به مسأله ظهور منجی جهان اشاره ای شده است یا اینکه این عقیده اختصاص به مسلمانان دارد؟

پاسخ

این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه تمام ادیان و کتاب های الهی – و برخی آیین ها – مژده داده اند که منجی جهان در فرجام تاریخ خواهد رسید و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت.

در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادَی الصّالِحُونَ»(۱)؛ در زبور، بعد از ذکر نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث حکومت زمین خواهند شد.

مفسّران قرآن در تفسیر واژه «ذکر» اختلاف نظر دارند؛ برخی گفته اند به تمام کتاب های آسمانی که از سوی خداوند بر پیامبران نازل گشته است، ذکر گفته می شود.(۲)

برخی دیگر گفته اند: مراد از ذکر، تورات است.(۳) بنابراین، کتاب های آسمانی مژده داده اند که سرانجام صالحان و بندگان شایسته خداوند، به فرمانروایی جهان خواهند رسید.

استاد حکیمی می نویسد: «از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح

در آخر الزمان، اصلی اساسی بوده است. پیشینیان بشر، پیوسته آنها به یادها می آورند. اکنون نیز پس از گذشت قرن ها، در خلال یادگارهای انسان های قدیم، آثاری هست که ما را به گفته بالا رهنمون می کند».(۴)

یکی از دانشمندان معاصر می نویسد: «اصولاً فتوریسم، یعنی اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده ای است که در کیش های آسمانی یهودیت، زردشتی و مسیحیت در سه مذهب عمده آن: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس. و مدّعیان نبوّت عموماً، و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلّم قبول شده است و درباره آن در مباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکال کاملاً شرح و بسط داده شده است».(۵)

استاد حکیمی می نویسد: «در کتاب ها و آثار زردشت و زردشتی درباره آخر الزمان و ظهور موعود مطالب بسیاری آمده، از جمله در این کتاب ها: کتاب اوستا، کتاب زند، کتاب جاماسب نامه، داتستان دینیک، کتاب زرتشت نامه.

و نیز در کتاب های تحریف شده یهودیت و عهد عتیق همانند: کتاب دانیال پیامبر. کتاب حجی پیامبر، کتاب صفنیای پیامبر، همچنین در کتاب های مسیحیت همانند: انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا و مکاشفات یوحنّا، ضمن توجّه به تحریف شدن آنها، از منجی موعود سخن به میان آمده است».(۶)

بدون تردید، اگر این کتاب ها تحریف نشده بود، مطالب روشن تر و بیشتری درباره مصلح جهانی در آنها دیده می شد، این در حالی است که اگر در کتاب های آسمانی گذشته، هیچ نام و نشانی از موعود نبود، باز هم می گفتیم: خداوند در تمام کتاب ها از مهدی موعود سخن گفته است، زیرا در قرآن مجید تصریح کرده که در کتاب های آسمانی از منجی بشر سخن گفته است.

پرسش ۲

آیا مهدویت

در قرآن کریم مطرح شده است؟

پاسخ ۱ – قرآن، منبع اصلی همه معارف و قوانین اسلامی است و در حقیقت، به منزله قانون اساسی همه قوانین اسلامی است. همان گونه که در قانون اساسی هر کشور، اصول و اهداف و مسؤولیت های ارگان ها و نهادها به صورت کلّی و بدون شرح و توضیح کامل ثبت شده و شرح و تبیین آن به عهده قانون های عادی است، در قرآن نیز برخی از معارف اسلامی به صورت کلّی و مجمل بیان شده و تفسیر و توضیح آن برعهده پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نهاده شده است. در مورد مهدویت نیز چنین است.

ریشه اصلی این تفکّر، قرآن است که در چند آیه، نابودی ستم را پیش بینی کرده و پیروزی پارسایان، صالحان و مستضعفان را نوید داده و فرجام کار را از آن پرهیزکاران دانسته و بشارت داده که در پایان جهان، نیکوکاران حاکم خواهند شد. در تفسیر این آیات، روایات فراونی از پیامبر و ائمّه – علیهم السلام – نقل شده است که بنابر آنها، حکومت امام مهدی علیه السلام در آخر الزمان همان حکومت مستضعفان و صالحان است که در قرآن، بشارت به آن داده شده است.

خداوند در سیصد و شصت و پنج آیه که در هشتاد سوره آمده است، به صورت کلّی درباره مهدویت سخن گفته است. بیش از پانصد روایت از پیامبر و ائمّه – علیهم السلام – در تفسیر این آیات(۷) نقل شده است. از باب نمونه، به چند آیه و روایت بسنده می کنیم:

الف) «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِينَ»(۸)؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان

و وارثان روی زمین قرار دهیم.

سلمان فارسی رحمه الله گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «خداوند هیچ پیامبر و رسولی را نفرستاد، مگر آنکه برای او دوازده نقیب قرار داد. پس نام یازده امام را شمرد و فرمود: سپس فرزندش، محمد بن الحسن المهدی – عجّل اللَّه فرجه الشریف – است که به امر پروردگار قیام می کند».(۹)

ب) «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث حکومت زمین خواهند شد.

در تفسیر این آیه، محمّد بن عبد اللَّه بن حسن از امام باقرعلیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «مراد از آیه، قائم آل محمّدعلیهم السلام و یارانش می باشند».(۱۰)

ج) «أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ وَیَجْعَلُکُمْ خُلَفاءَ الأَرْضِ...»(۱۱) و یا کسی که دعای مضطرّ و گرفتار را اجابت می کند هنگامی که او را می خواند، و بلا و سختی را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد... .

امام باقرعلیه السلام در تفسیر این آیه، ضمن حدیث مفصّلی، سخنرانی امام عصر – ارواحنا له الفداء – را در موقع ظهور در مکّه بیان می فرماید: «اوّلین کسی که با او بیعت می کند، جبرئیل است و سپس بیش از سیصد نفر با او بیعت خواهند نمود». (۱۲)

۲ – این پرسش اختصاص به مهدویت ندارد بلکه درباره خصوصیات و جزئیات بیشتر احکام اسلامی همانند نماز ، روزه و زکات نیز مطرح است، چون در هیچ جای قرآن از شمار رکعات نمازهای پنج گانه یا شرایط وجوب زکات و روزه، سخن به میان نیامده است.

پرسش ۳

آیا اعتقاد به مهدویت اختصاص به شیعه دارد؟

پاسخ

همان گونه که در مقدمه

گذشت، اعتقاد به ظهور مصلح جهانی، اعتقادی است قرآنی و بدین جهت، همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، معتقدند که منجی جهان در فرجام تاریخ، ظهور خواهد کرد. اعتقاد به ظهور مصلح گیتی جزو اندیشه های اساسی مسلمانان به شمار می رود.

شیعیان بنابر روایات بسیاری که از پیامبر و امامان معصوم – علیهم السلام – نقل شده است، مهدی علیه السلام را دوازدهمین پیشوای خود می دانند. آنها معتقدند که او از سلاله پاک فاطمه زهراعلیها السلام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است. به جهت این باور عمیق است که شیعه در راه حفظ و بزرگداشت این اصل، تلاش های فراوانی کرده است.

دانشمندان شیعه در طول تاریخ، به مرز بانی این باور پاک برخاستند و از جنبه های گوناگون علمی، روایی، تفسیری و کلامی، به تحلیل آن پرداختند و کتاب های بسیار ارزشمندی نوشتند. این تلاش ها پیش از آن که امام مهدی علیه السلام متولّد شود، آغاز شد و تاکنون ادامه دارد.

فرهیختگان سُنّی نیز از دیرباز توجّه خاصّی به این مسئله داشته اند و در کتاب های خود فصلی را به آن اختصاص داده و روایات نبوی را همراه اسناد و مدارک آن ذکر کرده اند. اهل تسنّن حدود چهارصد روایت از رسول خداصلی الله علیه وآله درباره مهدی موعود – عجّل اللّه فرجه الشریف – نقل کرده اند. روایاتی که شیعه و سنّی از پیامبر و سایر معصومین – علیهم السلام – نقل کرده اند، حدود شش هزار حدیث است.(۱۳)

اسامی تعدادی از کتاب های علمای سنّی که بخشی از مباحث خود را به مهدویت اختصاص داده اند، چنین است:

۱. مسند احمد ۳۶/۳

۲. مسند ابویعلی ۲۷۴/۲

۳. سنن ترمذی ۵۰۵/۴

۴. سنن ابوداود ۱۰۷/۴

۵. سنن ابن ماجه ۱۳۶۸/۲

۶. حاکم نیشابوری

در المستدرک علی الصحیحین ۵۷۷/۴

۷. ابن الصباغ مالکی در الفصول المهمّه ص ۲۷۳

۸. قندوزی حنفی در ینابیع المودّه ص ۲۴۱

۹. شبلنجی در نور الأبصار ص ۱۸۶

۱۰. ابن الصبان مصری در اسعاف الراغبین ص ۱۴۰

۱۱. نگری در دستور العلماء ۲۹۱/۳

۱۲. ابن خلکان در تاریخ خود ۴۵۱/۲

۱۳. ابن الاثیر در نهایه ۱۷۴/۱

۱۴. محمّد بن طلحه در مطالب السؤل، باب ۱۲

۱۵. سبط ابن جوزی در تذکره الخواص ص ۳۷۸

۱۶. سید احمد زینی دحلان در فتوحات ص ۳۲۲

۱۷. ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقه ص ۲۰۵

۱۸. طبری در ذخائر العقبی ص ۱۳۶

و صدها تن از نویسندگان اهل سنّت به ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام و چگونگی ظهور آن حضرت پرداخته اند. (۱۴)

برخی از علمای اهل تسنّن کتاب های مستقلّی درباره حضرت مهدی علیه السلام نوشته اند که به نام برخی از کتاب ها بسنده می کنیم:

۱. البرهان؛ علّامه متقی هندی ۲. تحدیق النظر؛ محمّد بن عبد العزیز

۳. تلخیص البیان؛ ابن کمال باشا

۴. العرف الوردی؛ جلال الدین سیوطی ۵. العطر الوردی؛ محمّد بن محمّد حسینی ۶. عقد الدرر؛ یوسف بن یحیی شافعی ۷. علامات المهدی؛ جلال الدین سیوطی ۸. فرائد (فوائد) الفکر؛ مرعی بن یوسف حنبلی ۹. القطر الشهدی؛ شهاب الدین حلوانی

۱۰. القول المختصر؛ احمد بن علی هیثمی ۱۱. المشرب الوردی؛ ملّا سلطان حنفی ۱۲. مناقب المهدی؛ ابونعیم اصفهانی ۱۳. نعت المهدی؛ ابونعیم اصفهانی ۱۴. البیان؛ محمّد بن یوسف گنجی شافعی بدین سان، روشن شد که باورداشت قیام مردی از سلاله فاطمه علیها السلام در آخر الزمان و نابودی ستم به دست توانای او، تنها خاصّ شیعه نیست، بلکه باوری است عمومی که همه مسلمانان به آن اعتراف دارند، حتی یک باور و اعتقاد جهانی و عمومی است

که در میان همه مذاهب و مکتب های جهان بوده و تاکنون نیز باقی است. همه مکتب های بشری، ظهور مصلح بزرگ در آخر الزمان را به پیروان خود بشارت داده اند، حتی مکتب های الحادی، رسیدن به جامعه بی طبقه که در آن آثاری از نابرابری اجتماعی وجود نداشته باشد، را نوید داده اند. با این همه، اصالت و والایی این اندیشه، آن گونه که در اسلام، به ویژه در مذهب شیعه، شرح و تبیین شده و فلسفه آن بیان گشته، در هیچ مکتبی انجام نشده است.

پرسش ۴

آیا نامی از امام مهدی علیه السلام در صحاح ستّه آمده است؟

پاسخ

الف) در تمام صحاح ستّه، به جز صحیح بخاری، نام امام مهدی علیه السلام وجود داشت، نام حضرت مهدی علیه السلام و سخنان پیامبرصلی الله علیه وآله درباره آن حضرت در کتاب های صحیح ترمذی(۱۵)، سنن ابن ماجه(۱۶) وسنن ابوداود(۱۷) که الان در دسترس است، موجود می باشد؛ ولی در کتاب های صحیح مسلم و سنن نسائی حذف گردیده است.

شاهد بر اینکه این احادیث قبلاً در صحیح مسلم بوده، آن است که ابن حجر عسقلایی در الصواعق المحرقه(۱۸)، ابن الصبان در اسعاف الراغبین(۱۹)، متّقی هندی در کنز العمال(۲۰)، و حمزاوی در مشارق الأنوار(۲۱)، حدیث «المهدیّ حقّ وهو من ولد فاطمهعلیها السلام» را از کتاب صحیح مسلم نقل کرده اند، امّا چنین حدیثی در نسخه فعلی صحیح مسلم که در دسترس همگان است، موجود نمی باشد.

و شاهد بر اینکه سخنان پیامبرصلی الله علیه وآله درباره حضرت مهدی علیه السلام در سنن نسائی هم وجود داشت، این است که سلّمی در عقد الدرر(۲۲)، حدیث «المهدی منّی...» را از کتاب سنن نسائی نقل کرده است و ابن الصبّان(۲۳) عبد المحسن عبّاد(۲۴)، ابن حجر عسقلانی(۲۵)،

حمزاوی(۲۶) و شیخ منصور علی ناصف(۲۷)، حدیث «المهدی حقّ وهو من ولد فاطمه علیها السلام» را از نسائی نقل کرده اند. حال، خود قضاوت کنید: یا این چند نفر، به دروغ مطلبی را از صحیح مسلم و سنن نسائی نقل کرده اند و یا این دو کتاب دستخوش حذف گردیده است.

ب) در نسخه های فعلی صحیح مسلم، گرچه نامی از امام مهدی علیه السلام برده نشده است، امّا دو حدیث در مورد آمدن خلیفه ای در آخر الزمان(۲۸) و نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان(۲۹) و نماز خواندش پشت سر آن خلیفه، ذکر شده است. که باید پرسید: این خلیفه کیست که پیامبر اولوا العزم پشت سر او نماز می خواند؟ آیا او غیر از مهدی علیه السلام است؟!

ج) اشکال عمده ای که بر بخاری و مسلم وارد است، این است که آنها مبنایی را که برای نقل روایت از یک راوی پذیرفته اند و بنابر آن مبنا به نقل حدیث راویان در کتاب های خود پرداخته اند، در همه جا رعایت نکرده اند و بسیاری از روایات را که نقل آنها سازگار با آن مبنا بود، نیاورده اند.

حاکم نیشابوری - م ۴۰۵ ه.ق - در کتاب خود، احادیثی که مبنای بخاری و مسلم برای نقل حدیث، در آنها وجود داشت، اما آنان آن احادیث را ذکر نکرده بودند، گرد آورده و در پایان هر حدیث، این اصطلاح را به کار برده است: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه؛ این حدیث بر مبنای شیخین (بخاری و مسلم) صحیح است، ولی آنان این حدیث را نقل نکرده اند».

از جمله احادیثی که بر مبنای بخاری و مسلم در حدیث، صحیح بود و باید آنان بر مبنای خویش در نقل حدیث،

آن را نقل می کردند، مربوط به امام مهدی علیه السلام می باشد که از باب نمونه به پنج روایت اشاره می کنیم:

۱. «المهدیّ منّا رجلٌ من أهل البیت».(۳۰)

۲. «نحن ولد عبد المطلب... والمهدیّ».(۳۱)

۳. «المهدیّ منّی أجلی الجبهه أقنی الأنف».(۳۲)

۴. «... ثمّ یخرج رجل من عترتی».(۳۳)

۵. «إذا رأیتم الرایات السود فإنّ فیها خلیفه اللّه المهدی».(۳۴)

د) بنابر نظر اهل سنت: صحیح ترمذی، سنن ابن ماجه و سنن ابوداود از صحاح ستّه اند. حال که احادیث مهدی علیه السلام در این کتاب ها آمده است، بنابراین، احادیث حضرت مهدی علیه السلام در صحاح اهل سنّت آمده است. لزومی ندارد که حدیث حضرت مهدی علیه السلام در بقیه صحاح موجود باشد. مگر احادیث دیگر در همه کتاب های صحاح موجود است. ابن تیمّیه که گستاخی های فراوانی نسبت به شیعه نموده است، درباره احادیث حضرت مهدی علیه السلام می نویسد: «إنّ الأحادیث الّتی یحتّج بها علی خروج المهدیّ أحادیث صحیحه رواه أبوداود والترمذی وأحمد وغیرهم من حدیث ابن مسعود وغیره(۳۵)؛ روایاتی که بر خروج امام مهدی علیه السلام استدلال می شود، احادیثی هستند صحیح که ابوداود و ترمذی و احمد و غیر آنها از طریق ابن مسعود و دیگران آنها را نقل کرده اند».

بخاری گرچه در صحیح خود، احادیث مهدی را نیاورده، اما در تاریخ خود، در چند مورد نام امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده است. او در تاریخ خود، این حدیث را از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده است: «المهدیّ منّا أهل البیت»(۳۶). وی در همان کتاب به حدیث: «المهدی حقٌّ من ولد فاطمه» اشاره می کند.(۳۷)

پرسش ۵

چرا امام مهدی علیه السلام را بشناسیم؟

پاسخ به روایات بسیاری در کتاب های شیعه و اهل تسنّن برخورد می کنیم که در آنها مسلمانان موظّف شده اند تا امام

زمان خود را بشناسند و از او پیروی بنمایند. بیشتر دانشمندان اهل سنت منظور از امام زمان در این روایات را خلفا و زمامداران دانسته اند.

شیعه بر این باور است که منظور از امام زمان در روایات، امامان معصوم علیهم السلام هستند. بدین جهت شیعه لزوم شناخت مهدی را جزئی از همین شناخت کلّی نسبت به دوازده امام می داند.

سلمان فارسی گوید: پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: امامان پس از من، دوازده نفر هستند. همه آنها از قریش می باشند... بدانید که اینان عترت من هستند و از گوشت و خون من می باشند. چرا برخی از مردم مرا درباره آنان آزار می دهند؟ خداوند شفاعت مرا نصیب آنها نکند.(۳۸)

امام حسن علیه السلام فرمود: امامان پس از رسول خدا، دوازده نفر هستند. نُه نفر از آنها از نسل برادرم، حسین می باشند، مهدی این امّت از آنهاست.(۳۹)

پس از بیان اصل ضرورت وجود امامان، به بیان وظیفه مسلمانان در برابر آنها و اینکه چرا باید مسلمانان امام خویش را در هر زمانی بشناسند، می پردازیم. به چند دلیل باید امام مهدی علیه السلام را بشناسیم:

الف. جلوگیری از انحراف و گمراهی ضرورت شناخت حضرت مهدی - ارواحنا فداه - وقتی احساس می شود که انسان ها در اثر فاصله گرفتن از امام خود، به فساد و گمراهی کشیده شوند که برای رهایی از این دام خطرناک، راهی جز پیروی از امام نخواهد بود.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «امام، حجّت بندگان است، هر که او را رها کند، گمراه می شود و هر که همراه او باشد، نجات می یابد و رستگار می شود».(۴۰)

ابوجعفر عمری، اوّلین نایب امام زمان علیه السلام به ابوعلی محمّد بن همام این گونه نوشته است: «اللّهمّ عرّفنی نفسک، فإنّک إن لم

تعرّفنی نفسک لم أعرف رسولک. اللّهمّ عرّفنی رسولک، فإنّک إن لم تعرّفنی رسولک لم أعرف حجّتک، اللّهمّ عرّفنی حجّتک، فإنّک إن لم تعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی؛ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. خدایا! رسولت را به من بشناسان و گرنه حجتّت را نخواهم شناخت. خدایا! حجتّت را به من بشناسان و گرنه، از دین خود گمراه خواهم شد».(۴۱)

ب. جلوگیری از بطلان عمل (قبولی اعمال)

پذیرش و قبولی اعمال و جلوگیری از بطلان عمل، در گرو پذیرفتن ولایت امامان معصوم علیهم السلام است.

امام باقرعلیه السلام به زراره فرمود: «اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده : نماز، زکات، حج، روزه و ولایت». زراره می گوید عرض کردم: کدام یک از آنها برتر است؟ امام علیه السلام فرمود: «ولایت؛ زیرا کلید و حاکم و راهنمای آنها است. اگر مردی شب تا صبح را به نماز و روز خود را به روزه سپری کند و تمام ثروت خود را صدقه بدهد و همه ساله به حج برود، امّا ولیّ خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی نماید، و تمام کارهایش به راهنمایی او نباشد، هرگز نزد خداوند اجر و ثوابی ندارد و از اهل ایمان نخواهد بود».(۴۲)

ج. رسیدن به حیات معنوی پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «ای مردم! هرکه بخواهد در زندگی همانند من باشد و مانند من بمیرد، ولایت علی علیه السلام را بپذیرد و از امامان پس از او پیروی کند».(۴۳)

د. برای فرار از مرگ جاهلیت در روایاتی که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت است، تصریح شده که هر کس امام زمان خود را نشناسد، به مرگ

جاهلیت از دنیا می رود. امام باقرعلیه السلام نیز فرمود: «هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد، مرگ او مرگ جاهلیت است و هیچ کس در این جهت معذور نیست تا امام خود را بشناسد».(۴۴)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من أنکر من القآئم ولدی فی زمان غیبته فمات، فقد مات میته جاهلیّه(۴۵)؛ هرکس منکر قائم از فرزندانم در زمان غیبتش بشود و در همان حال بمیرد، قطعاً به مرگ جاهلیت مرده است».

منظور از مرگ جاهلیت این است که آنها نیز همانند افرادی که پیش از اسلام در حال شرک و کفر مُردند، می میرند.

بخش دوم: میلاد منجی بشریت

مقدمه

خلفای عبّاسی همانند فرعونیان، برای جلوگیری از ولادت منجی جهان، به تلاش های گسترده ای دست زدند، از جمله اینکه امام حسن عسکری علیه السلام را به زندان انداختند. آن حضرت بیشترین روزهای دوران امامت خویش را در زندان خلفای جور عبّاسی به سر برد. گاهی خلفای بنی عبّاس دست به اقدام های خطرناکی علیه امام حسن عسکری علیه السلام می زدند، اما حوادثی پیش می آمد که آنها را از کشتن امام منصرف می کرد. تمام تلاش های مذبوحانه آنان بی نتیجه ماند و سرانجام منجی جهان در روز نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در شرایطی بسیار حساس پا به صحنه گیتی نهاد و دنیا را به نور جمالش روشن ساخت.

نامش، نام مبارک حضرت محمّدصلی الله علیه وآله و کنیه اش هم کنیه اوست. بقیّه اللَّه، حجّه اللَّه، مهدی و قائم آل محمّد از لقب های منجی جهان است.

امام حسن عسکری علیه السلام برای حفظ جان فرزندش، او را از دید جاسوسان حکومت پنهان نگه می داشت. گاهی حضرت مهدی علیه السلام به دستور پدر در جلسات وی حاضر می گشت و لب به سخن می گشود، تا شیعیان

بدانند که دوازدهمین امام به دنیا آمده است.

به اعتقاد تمام دانشـمندان شیعه و بسیاری از دانشمندان سنّی، حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمده و هم اکنون در پس پرده غیبت است. این غیبت با رحلت پدر بزرگوارش در سال ۲۶۰ ه.ق آغاز گردید و هم اکنون ادامه دارد.

پرسش ۶

آیا به نظر اهل سنّت، امام مهدی علیه السلام متولّد شده است؟

پاسخ

در مورد ولادت امام عصـر – ارواحنا له الفداء – بین اهل سـنّت اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از آنها با نظر شیعه موافقند و اعتقاد دارند که امام مهدی علیه السـلام فرزند امام عسـکری علیه السلام است و سال ۲۵۵ ه.ق در سامرّاء متولّد شده است. این گروه از علمای سنّی که تعداد آنها کم نیست، تصریح کرده اند که حضرت مهدی علیه السلام متولّد شده است. چون ذکر نام آنها و ایراد بخشـی از گفته هایشان در این باره، از حوصـله این کتاب بیرون است، به ذکر چند نمونه از سخنان آنان بسنده می کنیم:

۱. ابن الصـباغ مالکی در الفصول المهمّه می نویسد: «ابوالقاسم محمّد بن الحسن در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در شهر «سرّ من رأی» به دنیا آمد».(۴۶) او درباره علّت پنهان نگه داشـتن تولّـد امام از عموم مردم، می نویسـد: «ابومحمّد، فرزندش حجّت قائم منتظر را برای بنیـان گـذاری حکومت حق جانشـین خویش سـاخت و میلادش را از مردمان مخفی و امرش را پوشـیده ساخت؛ چون شرایط زمان و ترس از سلطان و دستگیری شیعیان و حبس و زجر آنان، چنین اقتضا می کرد».(۴۷)

۲. گنجی شافعی در البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السـلام، ضـمن آنکه تولّد امام مهدی علیه السلام را مسلّم دانسته است، برای پاسخ گویی به شبهات کسانی که منکر زنده بودن

آن حضرت شده اند، در کتاب خود فصلی گشوده است با عنوان (مهدی از هنگام غیبتش تاکنون زنده است) و با دلیل های شیوا، سخنان افرادی که منکر زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام هستند، را رد کرده است.

وی می نویسد: «چه امتناعی از زنده بودن مهدی وجود دارد، در حالی که عیسی و الیاس و خضر که از اولیای خدا هستند، هنوز زنده می باشند و دجّال و ابلیس که از دشمنان خدا می باشند، هنوز زنده می باشند؟! چه شده است که بر زنده بودن آنها اتّفاق نظر دارند، اما زنده بودن مهدی را منکرند؟! من به گونه ای زنده بودن هر یک از آنان را بیان می کنم که برای هیچ عاقلی جای انکار زنده بودن مهدی باقی نماند».(۴۸)

۳. سبط ابن الجوزی حنفی در تذکره الخواص می نویسد: «ازجمله اولاد او (امام حسن عسکری علیه السلام) محمّد است، او محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب - علیهم السلام - و کنیه اش ابوعبد اللّه و ابوالقاسم است و او جانشین امام، صاحب الزمان علیه السلام، قائم و آخر است و او آخر امامان می باشد».(۴۹)

مرحوم آیت اللّه شیخ محمّد رضا طبسی - پدر نگارنده - پس از آنکه نام چهل نفر از بزرگان اهل سنّت را بنابر نقل کشف الأستار - نوشته محدث نوری رحمه الله - یادآوری می کند، می فرماید: «من نیز پس از تتبع در کتاب های آنها، بر نام بیست نفر دیگر دست یافتم که همه آنها قائل به ولادت امام مهدی علیه السلام هستند. این افراد عبارتند از:

۱. مولی حسین کاشفی در روضه الأحباب ۲. ابن خلکان در

تاریخ خود

۳. حافظ بیهقی شافعی در شعب الإیمان ۴. سیّد احمد زینی دحلان در الفتوحات الإسلامیه ۵. ابن حجر در الصواعق المحرقه ۶. ابن الاثیر در الکامل فی التاریخ ۷. ابوالفداء در تاریخ خود

۸. احمد نگری در دستور العلماء

۹. یاقوت حموی در معجم البلدان ۱۰. شبراوی در الاتّحاف بحبّ الأشراف ۱۱. حمزاوی در مشارق الأنوار

۱۲. ذهبی در دول الإسلام ۱۳. یافعی در مرآه الجنان ۱۴. شیخ عبد الوهاب در کشف الغمّه ۱۵. ابن سعد در الطبقات الکبری ۱۶. شمس الدین قاضی مالکی در تاریخ الخمیس ۱۷. ملّا علی متقی در البرهان ۱۸. جمال الدین در روضه الأحباب ۱۹. قرمانی در اخبار الدول ۲۰. علامه ابن الصبان در اسعاف الراغبین.(۵۰)

با این بیان، روشن شد که ولادت مهدی آل محمّدعلیهم السلام از قطعیات تاریخ است، و شیعه و سنّی تاریخ دقیق میلاد مسعود آن حضرت را بیان کرده اند».

گروهی از دانشمندان اهل سنّت بر این باورند که امام مهدی علیه السلام هنوز متولّد نشده است و در آخر الزمان به دنیا می آید. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خویش در شرح فرمایش علی علیه السلام که می فرماید: «بأبی ابن خیره الإماء» می نویسد: «امامیه گمان می برند منظور کلام حضرت، امام دوازدهم آنهاست که فرزند کنیزی به نام نرگس است، ولی اصحاب ما گمان دارند که وی مردی فاطمی است و در آینده از کنیزی متولّد می شود. او خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، پس از آنکه پر از ستم شده باشد. او از ستمگران انتقام می گیرد و آنها را به شدیدترین عقوبت ها می رساند».(۵۱)

گرچه این اوّلین و آخرین لغزشی نیست که از ابن ابی

الحدید سر زده است؛ زیرا وی در بسیاری از مسائل دچار شک و تردید گشته و بر خلاف واقع و نظر اکثر دانشمندان، اظهار نظر کرده است، کجاست آن کنیزی که حضرت مهدی علیه السلام از او متولّد می شود؟! در حال حاضر کنیز از کجا پیدا می شود، چه رسد به زمان آینده؟! از سوی دیگر، چگونه ممکن است آن همه روایات که به اتّفاق شیعه و سنّی، درباره مهدی علیه السلام وارد شده است، به شخص گمنامی که معلوم نیست فرزند کیست و در چه زمانی متولّد می شود، منطبق کنیم و به گفته گنجی شافعی: «به سبب اینکه از طول عمر آن حضرت فرار کرده باشیم، اصل ولادت امام را منکر شویم؟!».

پرسش ۷

آیا کسی امام زمان علیه السلام را در دوران کودکی اش دیده؟

پاسخ

افراد زیادی امام زمان علیه السلام را پیش از غیبت آن حضرت، دیده اند. این عدّه به حدّی زیاد هستند که مرحوم سید هاشم بحرانی را واداشت تا کتابی در این باره به نام «تبصره الولیّ فیمن رأی القائم المهدیّ» بنگارد. در اینجا به ذکر نام برخی از آنان بسنده می کنیم:

۱ - حکیمه حکیمه دختر امام جواد و عمّه امام حسن عسکری علیهما السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق در خانه امام بود و هنگام تولّد حضرت مهدی علیه السلام حضور داشت و چشمش به جمال دلربای او افتاد.(۵۲)

۲ - احمد بن اسحاق وی می گوید: روزی به خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، قصد داشتم از جانشینش بپرسم. آن حضرت پیش از آنکه در این باره از او سؤال کنم، فرمود: «ای احمد بن اسحاق! خداوند متعال از هنگامی که آدم را آفرید تا روز قیامت، هرگز زمین

را از حجّت خالی نگذاشته و نمی گذارد. به برکت وجود مقدّس امام و حجّت است که بلاها از زمین بیرون می رود و باران می بارد...».

احمد بن اسحاق می گوید: عرض کردم: یابن رسول اللَّه! امام و جانشین شما کیست؟ آن حضرت داخل اتاق شد، سپس در حالی که کودک سه ساله ای را که همانند ماه شب چهارده بود و او را بر شانه گرفته بود، خارج شد و فرمود: «احمد! اگر تو نزد خدا و امامان، گرامی نبودی، هرگز فرزندم را به تو نشان نمی دادم».(۵۳)

۳ - یعقوب بن منقوش وی می گوید: خدمت ابومحمّد حسن بن علی عسکری علیه السلام رسیدم. آن حضرت بر سکوی خانه نشسته بود و در سمت راست وی اتاقی بود که پرده ای آن را پوشانده بود. به حضرت عرض کردم: مولای من! وارث امامت شما کیست؟ امام فرمود: پرده را کنار بزن. یعقوب بن منقوش می گوید: «آن را کنار زدم. نوجوانی به قامت پنج وجب که حدود هشت یا ده سال بود، بیرون آمد. او پیشانی درخشان، چهره ای نورانی، چشمانی براق، کتف های ستبر، زانوهایی برگشته، خالی بر گونه راست و گیسوانی مجعد داشت. کودک آمد و روی زانوی ابومحمد نشست. آن حضرت به من فرمود: این پیشوا و امام شماست...».(۵۴)

۴ - نسیم، خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام ۵ - ماریه، خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام ۶ - ابوغانم، پیشکار امام حسن عسکری علیه السلام ۷ - ابوعلی خیزرانی ۸ - حسن بن منذر

۹ - معاویه بن حکیم ۱۰ - کامل بن ابراهیم ۱۱ - سعد بن عبد اللَّه اشعری(۵۵)/

امام حسن عسکری علیه السلام در یکی از روزهای ملاقات با مردم، فرزند خود را به چهل نفر

که به دیدارش آمده بودند، نشان داد.(۵۶)

پرسش ۸

چرا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را از مردم پنهان کرد؟

پاسخ

خلفای عبّاسی، به ویژه معتز و مهتدی و معتمد، از میلاد فرزندی که بنیان ستم را ویران خواهد کرد، بر حکومت خود بیمناک و هراسان بودند. آنان به شدّت امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر قرار داده بودند. از این رو، همان کاری را کردند که فرعون برای جلوگیری از تولّد موسی علیه السلام انجام داد.آنان مزدوران خود را می گماردند تا خانه های بنی هاشم، به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر داشته باشند.

خلفای عبّاسی تلاش فراوان نمودند تا امام حسن عسکری علیه السلام را به قتل برسانند. خلفای عبّاسی بارها سعی کردند حضرت مهدی علیه السلام را پیدا کنند و به قتل برسانند. اینک به چند نمونه از این اقدامات اشاره می کنیم:

۱ - تلاش برای کشتن امام حسن عسکری علیه السلام هنگامی که حضرت حجّت علیه السلام متولّد گردید، امام عسکری علیه السلام فرمود: «ستمکاران پنداشتند مرا می کشند و نسل امامت را قطع می کنند. آنها قدرت خداوند را چگونه یافته اند؟!». (۵۷)

۲ - بازرسی خانه امام حسن عسکری علیه السلام هنوز لحظاتی از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام نگذشته بود که خانه آن حضرت از طرف معتمد عبّاسی به محاصره درآمد. مأموران حکومت به بازرسی دقیق خانه امام علیه السلام و جستجوی فرزندش پرداختند. آنان زنان قابله را احضار نمودند تا کنیزان باردار را بیابند. قابله ای گفت: فلان کنیز باردار است. کنیز را در اتاقی بازداشت کردند و نگهبانان مسلح از زنان را مأمور کردند تا هنگام زایمان آن کنیز، مراقب او باشند.(۵۸)

۳ - گزارش جعفر و دستگیری صیقل پس از گزارش جعفر،

مبنی بر اینکه فرزند خردسالی در خانه امام حسن عسکری علیه السلام وجود دارد. بار دیگر معتمد برآشفت و خدمت گزاران خود را فرستاد که صیقل، کنیز امام حسن عسکری علیه السلام را پیدا کنند و از او بخواهند تا طفل را به آنها نشان دهد.

صیقل وجود چنان فرزندی را انکار کرد. او برای آنکه وجود مقدّس امام عصر - ارواحنا فداه - را از گزند خطر برهاند، به آنان گفت: من از امام حسن عسکری علیه السلام باردارم. آنان تصمیم گرفتند صیقل را در خانه ای زندانی کنند تا فرزندش را به دنیا بیاورد، تا پس از ولادت او را بکشند، ناگاه با مرگ عبد اللّه بن یحیی، وزیر خلیفه مواجه شدند. از طرفی، صاحب الزنج در بصره خروج کرد و اوضاع مملکت برآشفت. صیقل از این موقعیت استفاده کرد و به خانه خود بازگشت.(۵۹)

۴ - اعزام نیرو برای کشتن امام زمان علیه السلام رشیق می گوید: معتضد، خلیفه عبّاسی مرا همراه دو نفر دیگر احضار کرد و به ما دستور داد تا هر یک، دو اسب با خود برداریم و به سرعت، به سامّرا برویم. او نشانی خانه امام حسن عسکری علیه السلام را به ما داد و گفت: وقتی که به در خانه می رسید، غلام سیاهی آنجا نشسته است. داخل خانه شوید و هر که را در آنجا دیدید، سر او را برای من بیاورید.

رشیق می گوید: به دنبال دستور او، راهی شهر سامرا شدیم. چون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم، غلام سیاهی در دهلیز خانه نشسته بود. از او پرسیدم: آیا کسی در این خانه هست؟ گفت: صاحبش، و دیگر هیچ اعتنایی به ما ننمود.

چون داخل خانه شدیم،

از تمیز بودن آن بسیار در شگفت ماندیم و به روی خود، پرده ای را آویزان دیدیم که هرگز شبیه و مانندش تاکنون ندیده بودیم، پرده را کنار زدیم. حجره بزرگی در نظرمان جلوه کرد. دریایی آبی در میان حجره نمایان بود و در منتهای حجره، حصیری روی آب گسترده و بر روی آن حصیر، مردی مشغول نماز بود و هیچ توجّهی به ما نمی کرد.

احمد بن عبد اللَّه به قصد انجام مأموریت، پا در حجره گذاشت که در آب فرو رفت و پس از دست و پا زدن زیاد، دست دراز کرد و ما او را از آب بیرون کشیدیم که ناگاه از هوش رفت و پس از ساعتی به هوش آمد. همسفر ما تصمیم گرفت پیش رود، که حالش همانند احمد بن عبد اللَّه شد. به ناچار، زبان عذرخواهی را گشوده، گفتم: از خدا و از تو ای مقرّب درگاه خدا! معذرت می خواهم، به خدا سوگند! نمی دانستیم که نزد چه کسی می آییم و اکنون توبه می کنیم.

او به سخنان ما توجّهی ننمود و مشغول خواندن نماز شد. چون چنین دیدیم، به طرف معتضد برگشتیم. معتضد به نگهبانان سپرده بود که هر وقت ما برگشتیم، از ورودمان جلوگیری نکنند.

نیمه شب بود که نزد معتضد رفتیم و ماجرا را گفتیم. او از ما پرسید: آیا پیش از آنکه به اینجا برسید، با فرد دیگری در این باره صحبت کرده اید؟ گفتیم: نه. معتضد گفت: اگر کسی از این ماجرا باخبر شود، همه شما را خواهم کشت. از این رو، ما از ترس کشته شدن، تا او زنده بود، جرأت نداشتیم این ماجرا را نقل کنیم.(۶۰)

امام صادق علیه السلام به گروهی

که به ملاقاتش رفته بودند، چنین فرمود: «بنی امیّه و بنی عبّاس وقتی فهمیدند زوال ملکشان به دست توانای قائم ما خواهد بود، با ما دشمنی نموده و شمشیرهای خود را برای کشتن ما به کار بردند».(۶۱)

پرسش ۹

آیا در زمان غیبت می توان حضرت مهدی علیه السلام را دید؟

پاسخ

آری... امام زمان علیه السلام روی همین کره خاکی زندگی می کند و در بین همین مردم است. مردم او را می بینند، اما او را نمی شناسند. تنها پارسایان می توانند امام زمان علیه السلام را بشناسند. گاه نیز حضرت مهدی علیه السلام خود را به کسی که او را دیده است، معرفی می کند.

علی بن مهزیار، اسماعیل هرقلی، محمّد بن عیسی بحرینی، مقدّس اردبیلی، علّامه بحر العلوم و ده ها نفر دیگر از پارسایان، به صراحت گفته اند، که به خدمت امام زمان علیه السلام رسیده اند. آنان مطالبی نیز از آن حضرت نقل کرده اند.(۶۲) اگر فرضاً در بخشی از این ملاقات ها تردید کنیم. در همه آنها که نمی توان تردید کرد.

امام زمان علیه السلام در پایان غیبت صغری، نامه ای به آخرین نایب خود، علی بن محمّد سمری نوشت و او را از سپری شدن روزهای آخر عمرش باخبر ساخت و به وی دستور داد که هرگز فردی را پس از خود به عنوان نایب تعیین نکند؛ زیرا غیبت کبری شروع خواهد شد. در بخشی از آن نامه آمده است: «وسیأتی من شیعتی من یدّعی المشاهده، ألا فمن ادّعی المشاهده قبل خروج السفیانی والصیحه، فهو کذّاب مفترٍ(۶۳)؛ و به زودی برخی از شیعیان من می آیند که ادّعای مشاهده مرا می نمایند. آگاه باشید! هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن به صیحه آسمانی، ادّعای مشاهده نماید، دروغگو و افترا زننده است».

علّامه مجلسی رحمه

الله می نویسد: «شاید مراد امام زمان علیه السلام این باشد که کسی نمی تواند به عنوان نایب خاص، آن حضرت را ملاقات کند».(۶۴)

شاید حضرت مهدی علیه السلام با این نامه می خواسته جلوی توطئه دشمنان را بگیرد که بعدها افرادی بازی خورده به بهانه اینکه خدمت امام زمان علیه السلام رسیده اند و آن حضرت دستورهایی به آنان داده و معارفی برای آنان گفته است، احکام خدا را نابود کنند.

پرسش ۱۰

آیا می توان امام زمان علیه السلام را در خواب دید؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت که نه تنها چنین چیزی ممکن است، بلکه واقعیت هم دارد؛ چرا که شیطان هرگز به صورت پیامبر و معصومان - علیهم السلام - در نمی آید. و دلیل آن وجود روایات و خواب هایی است که یاران پیامبر و معصومان - علیهم السلام - پس از شهادتشان آنها را در خواب دیده اند و پس از بازگویی خدمت امام دیگر، مورد تأیید قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام در تأیید این گونه خواب ها فرموده است: «پدرم از جدّم از پدرش از رسول خدا - علیهم السلام - نقل کرده که فرمود: من رآنی فی منامه، فقد رآنی، فإنّ الشیطان لا یتمثّل فی صورتی ولا فی صوره أحدٍ من أوصیائی ولا فی صوره أحدٍ من شیعتهم؛ هرکس مرا در خواب ببیند، به یقین مرا دیده است؛ زیرا شیطان نه بصورت من و نه به صورت یکی از اوصیای من و نه به صورت یکی از پیروان آنان ظاهر می شود».(۶۵)

علّامه مجلسی رحمه الله در شرح و تفسیر این حدیث می فرماید: «و این خبر دلالت دارد که هرگز شیطان به صورت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، بلکه در صورت و شکل آنها ظاهر نمی گردد. سپس اضافه می کند

که شاید مراد از شیعیان همان شیعیان و پیروان خالص آنها، همانند، سلمان و ابوذر و... باشد».(۶۶)

شیخ صدوق رحمه الله می نویسد: «در اخبار صحیحه از ائمّه ما - علیهم السلام - روایت شده هر فردی پیامبر یا یکی از امامان را در خواب ببیند که وارد شهر یا روستایی شده است، ورود آنها امنیّت آن شهر و روستا را از آنچه که از آن می ترسند، در پی خواهد داشت، و همچنین به آرزوهایشان خواهند رسید».(۶۷)

آیا خواب غیر معصوم حجّت است؟

در پرسش و پاسخ پیشین روشن شد که امکان دیدن رسول خدا و یا یکی از معصومین علیهم السلام در خواب وجود دارد، با این بیان اگر کسی پیامبر یا امام را در خواب دید و سخنی و یا حکم و یا دستوری به او داد، آیا لازم الاجرا است یا نه؟

پاسخ می دهیم: این احکام نسبت به خود پیامبر و امام لازم الاجرا است اما نسبت به غیر معصوم حجّت نیست و لازم الاجرا نبوده است. از باب مثال عرض می کنیم: قرآن مجید خواب حضرت ابراهیم علیه السلام را بیان می کند که وی خواب دیده فرزند خود اسماعیل را ذبح می کند، به فردای آن روز دست به چنین کاری می زند، که خداوند قوچ بزرگی را برای پیامبرش فرستاده تا آن قوچ را به جای فرزندش ذبح کند.

و یا اینکه امام حسین علیه السلام به عبد اللَّه بن جعفر که تلاش زیادی برای بازگشت امام حسین علیه السلام می کرد، فرمود: «إنّی رأیت رسول اللَّه فی منامی وأمرنی بأمر لا بدّ أن أنتهی إلیه؛ همانا رسول خداصلی الله علیه وآله را در خواب دیدم، مرا دستوری داد که در حال انجام آن مأموریت هستم».

عبـد اللّه پرسـید: آن خواب چیست؟ حضـرت فرمود: «تاکنون آن را برای کسـی نگفته ام و از این پس هم برای کسـی نخواهم گفت، تا خدای را ملاقات کنم».(۶۸)

و با این بیان می توان گفت: خواب معصوم حجّت است و اگر پیامی در خواب داشـته باشد، به آن عمل خواهد کرد. امّا نسبت به غیر معصوم که هر یک از ما مردم را شامل خواهد شد، خواب حجّت نبوده و اگر پیامی در او باشد، لازم الاجرا نمی باشد.

بخش سوم: راز طول عمر

مقدمه

بر اساس روایات صحیح، امام عصر – ارواحنا له الفداء – در سال ۲۵۵ ه.ق متولّد شد. بنابراین اکنون ۱۱۶۶ سال از عمر شریف و پر برکت آن حضرت می گذرد. عمر طولانی ایشان موجب شده که سؤالاتی در ذهن برخی به وجود بیاید که آیا چنین عمر طولانی ای ممکن است؟ و آیا در بین پیامبران و سایر مردم سابقه دارد یا نه؟ این بخش به سؤالات فوق پاسخ می دهد.

پرسش ۱۱

مگر ممکن است انسانی این اندازه عمر کند؟

پاسخ

عمر طولانـی محـال نیست، غیر عـادی است. غیر عادی به حوادثی گفته می شود که وقوعش مُحال نیست، اما بسـیار کم اتّفاق می افتد. شـفای بیماران صـعب العلاج به وسـیله دعا و توسّل به امام معصوم، یا سـقوط یک انسان از نقطه بسـیار بلند و آسـیب ندیـدن وی را نمی توان محال پنـداشت. طولانی بودن عمر امام زمان علیه السـلام نیز محال نیست، ولی غیر عادی است؛ همان گونه که معجزات پیامبران و کرامات امامان معصوم علیهم السلام غیر عادی اند.

علم پزشـکی هنوز نتوانسته است راز مرگ را کشف کند و یا عمر طولانی را نفی کند. عقل بشری نمی تواند زمانی برای عمر انسان معین کند. امروز دانشمندان غرب به این نکته پی برده اند که بشر ممکن است صدها سال عمر کند.

دکتر گیلورد امریکـایی می نویسـد: «امروز علم پزشـکی به کمک علم تغـذیه، قیود و حـدود عمر را از سـر راه بشـر برداشـته و امروز برخلاف اجداد و پدرانمان، می توانیم امیدوار باشیم که می توانیم عمر طولانی بکنیم»(۶۹)

همچنین دکتر ژرژ– که از اساتید دانشـگاه هال در آلمان است – یک گیاه را – که آن را در زبان لاتین «ساپرولنیا مسـکتا» می نامند و این گیاه بر پشت مگس های آبی

می روید و بیش از دو هفته عمر نمی کند. - مورد آزمایش قرار داد و آن را در شـرایط خاصّی پرورش داد تا بالاخره عمر این گیاه را که دو هفته بیش نبود، به شش سال رسانید. این آزمایش مانند آن است که ما عمر انسانی را از وضع کنونی به ۱۰۹۲۰ سال برسانیم.(۷۰) اکنون به محضر قرآن می رویم و آیاتی از آن را درباره عمر طولانی ذکر می کنیم:

۰۱ خداوند به شیطان فرمود: «فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ * إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم»(۷۱)؛ تو از مهلت یافته گانی تا روز و وقت معیّنی.

بنابراین شیطان که پیش از انسان آفریده شد، اکنون زنده است.

۰۲ قرآن درباره حضـرت نوح علیه السـلام می فرماید: «فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلّا خَمْسِینَ عاماً»(۷۲)؛ و او در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد.

حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال به ارشاد قوم خود پرداخت. بنابراین، عمر او بیش از این است.

۰۳ قرآن مجیـد دربـاره حضـرت یونس علیه السـلام می فرمایـد: «فَلَوْلا أَنَّهُ کانَ مِنَ الْمُسَبِّحِینَ * لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ» (۷۳)؛ اگر یونس از جمله تسبیح کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم آن ماهی گرفتار می شد.

با توجه به اینکه زمان روز قیامت برای کسی روشن نیست، معلوم می شود که مسئله طول عمر از نظر قرآن پذیرفته شده است.

پرسش ۱۲

آیا طول عمر، پیش از امام زمان علیه السلام سابقه داشت؟

پاسخ

مسئله طول عمر یکی از مسلّمات تاریخ بشـری است. در کتاب ها به نام های افراد بسـیاری برخورد می کنیم که عمری بسـیار طولانی داشته اند. طول عمر اختصاص به نیکان ندارد. بسیاری از ستمگران نیز عمر طولانی داشته اند. شدّاد بن عاد حدود ۹۰۰ سال عمر کرد. عمر بن عامر، زهیر بن عباب،

ابن هبل بن عبد اللّه، مستوعر بن ربیعه، درید بن زید، و قسّ بن ساعده، به ترتیب ۸۰۰، ۳۰۰، ۶۰۰، ۳۳۰، ۴۵۰ و ۶۰۰ سال عمر کردند.(۷۴) در بین صالحان پیش از اسلام، لقمان بن عاد ۳۵۰۰ سال عمر کرد.(۷۵) و در بین صالحان پس از اسلام، علی بن عثمان (ابن ابی الدنیا) ۳۰۹ سال عمر کرد.

مسئله طول عمر در بین پیامبران آسمانی، امری طبیعی و بسیار عادی بود، چنان که در بسیاری از روایات بدان اشاره شده است. حضرت نوح علیه السلام ۱۰۰۰ - ۱۴۰۰ یا ۱۴۵۰ یا ۱۴۷۰ یا ۲۳۰۰ و یا ۲۵۰۰ - سال عمر کرد. قرآن تصریح کرده است که آن حضرت ۹۵۰ سال به ارشاد قوم خود مشغول بود. این عمر طولانی برای پیامبران دیگر نیز به اثبات رسیده است، مثلاً حضرت آدم ۹۳۰ سال، حضرت سلیمان ۷۱۲ - یا ۱۰۰۰ سال - شیث ۹۲۰ سال و هود ۶۷۰ سال عمر کرد - صلوات اللّه علیهم أجمعین - .

برخی پیامبران مانند الیاس، ادریس، عیسی و خضر - علیهم السلام - تاکنون زنده هستند و هزاران سال از عمر شریفشان می گذرد.(۷۶)

بنابراین، مسئله طول عمر انسان ها امری طبیعی است و اختصاص به گروهی خاص ندارد. برخی از بزرگان از جمله آیت اللّه شیخ محمّد رضا طبسی (پدر نگارنده) کتاب هایی در این باره نوشته اند.

بخش چهارم: فلسفه غیبت

مقدمه

خداوند بنابر علّت ها و مصلحت هایی که خود می داند وبسیاری از آنها بر ما پوشیده است، آخرین ذخیره خود را در پسِ پرده غیبت نگه داشته است، تا روزی حکومت این جهان را در اختیارش قرار دهد و او را وارث زمین گرداند.

برخی می پرسند: علل این غیبت چیست؟ آیا پیش از امام زمان علیه

السـلام، چنین اتفّاقـاتی رخ داده است؟ معنـای انتظار فرج که در روایات به آن اشاره شـده است، چیست؟ آثار آن چیست؟ در این بخش، به این پرسش ها پاسخ می دهیم:

پرسش ۱۳

آ یا چنین غیبتی پیش از امام زمان علیه السلام وجود داشته؟

پاسخ مسـئله غیبت یکی از اسـرار الهی است و اختصاص به حضـرت حجّت علیه السـلام نـدارد. برخی از پیامبران آسـمانی نیز غیبت داشتند. آدم ابوالبشر، نوح، ادریس، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، اسماعیل، الیاس، سلیمان، لوط، دانیال، عزیر، عیسـی، و پیامبر بزرگوار اسـلام – صـلوات اللّه علیهم اجمعین – غیبت های کوتاه مـدّتی داشـتند. برخی نیز اکنون در پسِ پرده غیبت به سر می برند.

صالح علیه السـلام مدّتی از قوم خود غایب شد. پس از بازگشت آن حضرت، مردم سه دسته شدند: گروهی منکر (پیامبری) او شدند. گروهی در شك و تردید به سر بردند. گروهی نیز به عهد و پیمان خود وفادار ماندند.

ادریس علیه السـلام پس از بیست سال مبارزه با طاغوت زمان خود، از دیـد پیروان خود غایب شـد. او پیش از غیبت، به ده نفر که پیرو او بودند، فرمود: «نفرین کرده ام که بر این شهر باران نبارد. شما از اینجا بیرون بروید».

الیاس علیه السـلام هفت سال به بیابان ها ودشت ها رفت و از قوم خود پنهان شد. موسـی علیه السـلام بیست و هشت سال و نیز دانیال علیه السلام نود سال غایب گشتند.(۷۷)

پرسش ۱۴

فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ مسئله غیبت امام زمان علیه السلام یکی از اسرار الهی است که تاکنون کسی جز معصومین علیهم السلام نتوانسته است به راز آن پی بـبرد. دانش بشـر تـوان پی بردن به رازهـای آفرینش هسـتی را نـدارد. از این رو از هنگـامی که مسـئله غیبت مطرح گردیـد، با اینکه هنوز حضـرت مهدی علیه السـلام متولّد نشده بود، مردم در این باره سؤال های زیادی از پیامبر و معصومین – علیهم السلام – نمودند، امّا هرگز به علّت آن پی

نبردند؛ چون آنها اجازه افشای این راز را نداشتند.

عبد اللّٰه بن فضل هاشـمی می گوید: از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود: «به ناچار، برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود که هر انسان بی ایمانی به شک و تردید خواهد افتاد».

عرض کردم: فدایت گردم! برای چه؟

حضرت فرمود: «به جهت امری که اجازه افشای آن را ندارم».

عرض کردم: حکمت این غیبت چیست؟

فرمـود: «حکمت غیبت همـان است که در غیبت هـای گذشـته رخ داده است». سـپس افزود: «این راز هرگز روشن نمی گردد، مگر پس از ظهـور؛ همـان گـونه که حکمت سـوراخ شـدن کشـتی و کشـته شـدن آن کودک و سـاخته شـدن دیوار به دست خضرعلیه السلام برای موسی علیه السلام روشن نشد، مگر پس از جدایی آن دو یار همسفر.

ای فضل! این امری از سوی خـدا، سرّی از اسـرار الهی و رازی است از رازهای پنهان پروردگار. اگر خداوند را حکیم بدانیم، گواهی می دهیم که تمام کارهایش از روی حکمت است؛ اگر چه حکمتش برای ما روشن نباشد».(۷۸)

با اینکه معصومین علیهم السـلام مأمور نبودند که مردم را به علّت اصـلی غیبت آگاه سازند. اما گاهی به برخی از حکمت های غیبت اشاره نموده اند، که به چند نمونه بسنده می کنیم:

۱ - جاری شدن سنّت های پیامبران در او

خداوند نسبت به پیامبران، سنّت هایی برقرار کرده بود که می بایست شبیه آنها در مورد قائم آل محمّدعلیهم السلام نیز جاری شود. یکی از سـنّت ها، مسئله غیبت پیامبران بود. می بایست پیامبران به امر خداونـد، بنابر علّت ها و مصـلحت هایی، مـدّتی از مردم فاصـله بگیرند. این غیبت ها گاهی کوتاه مدّت و گاهی طولانی بود، در امّت اسـلامی این مسئله به امام زمان علیه السلام اختصاص یافت.

سدیر صیرفی می گوید: امام صادق علیه

السلام به من فرمود: «برای قائم ما دو غیبت می باشد که زمانش به طول می انجامد».

صیرفی می گوید: عرض کردم: چرا؟ آن حضرت فرمود: «خواست خدا چنین است که سنّت های سایر پیامبران نسبت به غیبتشان درباره او اجرا شود... خداوند می فرماید: «لترکبّن طبقاً عن طبق»(۷۹)؛ همه شما پیوسته از حالی به حالی دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید). آنچه که بر سر امّت های پیشین آمده است، بر سر این امت نیز خواهد آمد و این سنّت تغییرناپذیر است».(۸۰)

۲ - امتحان شیعیان شاید یکی از مهم ترین حکمت های غیبت امام عصر - ارواحنا له الفداء - این باشد که شیعیان می بایست در دوران غیبت امامشان، مورد آزمایش قرار گیرند، آزمایشی بسیار سخت و دشوار که خالص را از ناخالص و خوب را از بد جدا می کند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «به خدا سوگند! آنچه گردن های خود را به سوی او کشیده اید، نخواهید دید تااینکه مورد آزمایش قرار بگیرید و از هم جدا شوید».(۸۱)

امام باقرعلیه السلام در جواب جابر جعفی که پرسیده بود: چه وقت فرج شما خواهد رسید؟ فرمود: «هیهات! فرج ما نخواهد بود تا آنکه تصفیه شوید. پس تصفیه شوید، - و سه مرتبه این جمله را تکرار کرد و فرمود: - تا آنکه خوب و بد از هم جدا شوند».(۸۲)

۳ - تنبیه مردم بسیاری از مردم، قدرشناس نعمت های خداوند نیستند، بلکه کفران نعمت هم می کنند. سنّت خدا این است که اگر مردم ناسپاسی می کردند و به نعمت های او کفر می ورزیدند، آنها را تنبیه می کند.

بهترین راه تأدیب این افراد گرفتن نعمت از آنهاست که موجب می شود بیدار شوند و با تغییر راه و روش خود،

آن نعمت از دست رفته را از خداوند درخواست کنند و چه نعمتی عظیم تر و بابرکت تر از وجود پیامبر و معصومین - علیهم السلام - بود که در طول ۲۷۳ سال از آغاز بعثت نبی اکرم صلی الله علیه وآله تا شهادت امام عسکری علیه السلام بین مردم بودند، ولی مردم قدر آن را ندانستند و خداوند این نعمت را از آنان گرفت.

حکومت های ستمگر با آنها جنگیدند، آنها را به زندان انداختند، توهین کردند و یکی را پس از دیگری به شهادت رساندند. اگر مردم آن روز، قدرشناس این نعمت ها بودند، امروز ما در هجران امام عزیزمان نمی سوختیم. حال که چنین شده است، باید شب و روز به دنبال این نعمت بزرگ الهی باشیم، تا خداوند این هدیه را بار دیگر به ما برگرداند و از نعمت وجودش، در ایّام ظهور بهره مند شویم.

مروان انباری گوید: حضرت ابوجعفرعلیه السلام فرمود: «اگر خداوند حضور ما را در نزد مردمی کراهت داشته باشد، ما را از آنها جدا می سازد».(۸۳)

۴ - بیعت کسی به عهده اش نباشد

حدود ده روایت از معصومین علیهم السلام صادر شده است که حکمت غیبت امام عصر - ارواحنا له الفداء - را این می داند که بیعتی از سوی مردم بر عهده آن حضرت نباشد. اگر آن حضرت بدون آماده بودن شرایط ظهور کند، یا باید تابع دولتی باشد و یا کشته خواهد شد. بدین جهت آن حضرت قدرتمندانه ظهور خواهد کرد و در برابر هیچ دولتی خضوع و خشوع نخواهد کرد، بلکه با قدرت بر تمام قدرت های غاصب و فاسد غلبه پیدا کند.

علی بن حسن فضال گوید: امام رضاعلیه السلام به من فرمود: «گویا می بینم که شیعیان پس از

مفقود شـدن سومین فرزندم، به دنبال او خواهند گشت، امّا او را پیدا نمی کنند». عرض کردم: برای چه؟ ای فرزند رسول خدا! فرمود: «چون امامشان از آنها غایب می شود». گفتم: برای چه؟ فرمود: «تا بیعت کسی هنگام ظهور به عهده اش نباشد».(۸۴)

۵ - بیم کشته شدن در چند روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است که یکی از حکمت های غیبت امام زمان علیه السلام، بیم کشته شدن آن حضرت است.

زراره گویـد: امـام باقرعلیه السـلام فرمود: «برای آن جوان - حضـرت مهـدی علیه السـلام - غیبتی پیش از ظهورش می باشـد». گفتم: برای چه؟ فرمود: «می ترسد و سپس به شکم مبارک خود اشاره فرمود». زراره گفت: یعنی از کشته شدن.(۸۵)

سؤال: مگر سایر امامان معصوم علیهم السـلام با اینکه در معرض خطر کشـته شدن بودند، بدون هیچ ترس و وحشتی، بین مردم زندگی نمی کردند؟!

پاسـخ: برای امامان معصوم علیهم السـلام چون شـرایط قیام فراهم نبود، در انـدیشه قیام علیه خلیفه وقت نبودنـد، بلکه در انتظار دولت حضـرت مهـدی علیه السـلام بودنـد. این عقیـده بـا اینکه ضـرری به فرمانروایان وقت نمی رسانیـد، موجب شـد که آنان امامان را زندانی کنند و سرانجام آنها را به شهادت برسانند. ولی وضعیت حضرت صاحب الزمان علیه السلام چنین نیست؛ زیرا آن حضـرت با شمشیر قیام می کند و صاحبان قدرت را از اریکه قدرت به زیر می کشاند و با برچیدن بساط ظلم و جور، زمین را پر از عدل و داد می کند. پس ممکن نیست که آن حضرت آزادانه در بین مردم زندگی کند و هیچ قدرتی مزاحم او نشود. از سوی دیگر، اگر امامی کشته می شد، امام دیگری جانشین او می شد، اما اگر امام زمان علیه السلام کشته می شد

جانشینی نداشت. از این رو، غیبت او امری است لازم و واجب.

شهادت و کشته شدن در راه خدا، یکی از افتخارات معصومین است و امام زمان علیه السلام نیز سرانجام به شهادت خواهد رسید و در این بحثی نیست، اما باید دید علّت ترس او چیست؟

۱. اگر آن حضرت کشته می شد، زمین خالی از حجّت می ماند.

۲. اگر آن حضرت کشته می شد، حکومت عدل جهانی بدون رهبر می ماند. دشمن برای کشتن امام زمان علیه السلام تلاش فراوانی کرد.

ابوخالد کابلی می گوید: از امام باقرعلیه السلام درخواست کردم نام امام زمان علیه السلام را به من بگوید، تا او را بشناسم. آن حضرت فرمود: «ای ابوخالد! اگر فرزندان فاطمه او را بشناسند، بر کشتن و قطعه قطعه شدن او حریص خواهند بود».(۸۶)

امام صادق علیه السلام به جمعی که در خدمتش بودند، به همین مطلب اشاره کرد و فرمود: «بنی امیّه و بنی عبّاس وقتی فهمیدند زوال ملکشان بر دست توانای قائم ما - عجّل اللّه فرجه الشریف - خواهد بود، با ما دشمنی کردند و شمشیرهایشان را برای کشتن ما به کار بردند تا نسل ما را قطع نمایند، به این امید که قائم ما را کشته باشند».(۸۷)

۶ - خالی شدن صلب کافران از مؤمنان امام مهدی علیه السلام با دشمنان خدا هیچ گونه سازشی نخواهد کرد، بلکه همه آنها را به قتل خواهد رساند. از این رو، اراده خدا بر این است که غیبت آن حضرت طول بکشد تا تمام مؤمنانی که می باید متولّد شوند، به دنیا بیایند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا امیر المؤمنین علی علیه السلام با مخالفان اول خود جنگ نکرد؟ آن حضرت فرمود: «به جهت یک آیه در کتاب خدا

که می فرمایـد: «لَوْ تَزَیَّلُوا لَعَـذَّبْنَا الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَـذاباً أَلِیمـاً»(۸۸)؛اگر مؤمنـان و کـافران (در مکّه) از هم جـدا می شدنـد، کافران را عذاب دردناکی می کردیم».

راوی گویـد: عرض کردم: مقصود از تزایـل چیست؟ آن حضـرت فرمود: «ودیعه های مؤمنانی است که در اصـلاب کفار بوده انـد. قـائم علیه السـلام نیز چنین می کنـد. او ظهور نمی کنـد تا اینکه تمام ودیعه های خداونـد در صـلب ها بیرون بیاینـد. پس هرگاه تمام آن ودیعه ها خارج شدنـد، آن حضـرت ظهور می کند، بر دشـمنان خدا مسلّط می گردد و همه آنها را به قتل می رساند».(۸۹)

پرسش ۱۵

چرا باید برای ظهور امام زمان علیه السلام زمینه سازی کرد؟

پاسخ

این روشن است که هر انقلاب که ابعـاد آن شـناخته شود و یا با شـکست روبرو نشود، نیاز به زمینه سازی دارد، قیام و انقلاب مهـدی علیه السـلام اگرچه محکوم به شـکست نمی باشـد، امـا برای اینکه ابعاد آن برای همگان روشن شود، بـدین جهت باید پیشاپیش برای آن زمینه سازی کرد.

البته این زمینه سازی از قرآن شروع شده سپس پیامبر و ائمّه معصومین – علیهم السلام – به ابعاد آن پرداخته اند. قرآن مجید در چنـد آیه وراثت صالحـان را نسـبت به زمین نویـد داده و همچنین حکومت روی زمین را که در آینـده به آنها واگـذار خواهد کرد، و فرموده: «وَلَقَـدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْـدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۹۰)؛ پس از تورات، در زبور نوشـتیم که وارث نهایی زمین بندگان نیکوکار من خواهند بود.

و فرمـوده: «وَنُرِیـدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْـعِفُوا فِی الأَـرْضِ وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ»(۹۱)؛ مـا می خواهیم بر مستضـعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

و فرموده: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَما اسْتَخْلَفَ

الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً...»(۹۲)؛ خداوند به مؤمنان و شایسته کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد، دینی که برای آنها آن پسندیده است و مستقر سازد، و دوران خوف آنان را تبدیل به امنیت نماید و بدون ترس و واهمه ای خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن ننهند.

بدین جهت مردم را به فکر واداشته که این صالحان کیانند که هم وارث زمین خواهند بود و هم حکومت را به دست می گیرند و اسلام را فراگیر و جهانی نموده و بدون ترس و وحشت، در امنیت کامل به عبادت پردازند. بدین جهت در این فکر خواهند بود که آیا تاکنون چنین حادثه ای رخ داده یا نه، و آیا چنین حکومتی روی کره زمین برقرار شده است یا نه؟

و به دنبال طرح این آیات از سوی خداوند، پیامبرصلی الله علیه وآله از همان نخست مسلمانان را به حکومتی جهانی به رهبری یکی از فرزندانش که همنام و هم کینه اش بوده، خبر داده است.(۹۳) و روایات فراوانی که از وی نقل شده، مردم و مسلمانان را به این چهره مقدّس و این حکومت الهی آشنا ساخته و معصومان با تبیین مسائل بیشتری به تمام ابعاد آن پرداخته اند، به گونه ای که تمام احادیث اسلامی درباره امام مهدی علیه السلام با زمینه سازی حکومت آن حضرت کاملاً مرتبط است.

چگونه زمینه سازی می کنیم؟

و ما نیز وظیفه داریم که زمینه ظهور را فراهم کنیم و این زمینه ها فراوان است که به برخی از آنها بسنده می کنیم:

۱ - شناختن و شناساندن ولی عصرعلیه السلام مسئله

شناخت امام زمان علیه السلام از مسائل ارزشمند است که به تعبیر روایات، اگر کسی امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.(۹۴) و شناخت بقیّه اللَّه بدین جهت است که اگر او را نشناسیم، نه تنها عمل ما باطل است، بلکه منحرف و گمراه خواهیم شد.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «امام، حجّت بندگان است، هرکس او را رها کند، گمراه می شود و هرکس با او باشد، نجات می یابد و رستگار می شود».(۹۵)

بدین جهت در دعا می خوانیم: «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. خدایا! رسولت را به من بشناسان، و گرنه حجّتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجّتت را به من بشناسان، و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد».

۲ – مبارزه با انحرافات و کجروی ها

پیش از این گفتیم که یکی از حکمت های غیبت امام علیه السلام وجود گناهانی است که به آن در جامعه دامن زده می شود و مبارزه با گناهان زمینه سازی برای ظهور امام عصر – ارواحنا له الفداء – می باشد؛ چرا که یکی از اهداف بسیار مهمّ امام، مبارزه با انحرافات و کجروی ها و نابودی مفاسد است. امام می آید تا به ظلم و ستم پایان داده و عدل و داد را روی زمین بگستراند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «یملأ اللَّه به الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً».(۹۶)

بنابراین، اگر بخواهیم زمینه ظهور را فراهم کرده باشیم، باید به کمک امام شتافته و در این کار، با او همگام شویم. ممکن است برخی با سکوت و بی تفاوتی خود، در برابر انحرافات و مفاسد اجتماعی، چنین فکر کنند که باید به مفاسد دامن زد

و یا حدّاقل سکوت کرد تا مفاسد در جامعه صد چندان شود، تا بر اثر زیاد شدن آن، امام ظهور کند، در حالی که این نظریه و اندیشه – چنانکه عرض شد – کاملاً غلط و بی اساس است، زیرا حضرت پس از آمدن زمین را پُر از عدل و داد می کند، نه اینکه تا زمین پر از جور و ظلم نشده، امام نخواهد آمد. و دلیلش این است که زمین به اندازه کافی پُر از ظلم و جور شده است، بنابراین چرا امام نمی آید؟!

۳ – تبیین اهداف امام مسئله دیگری که زمینه ساز ظهور امام زمان علیه السلام می باشد، اینکه پس از شناخت و معرفت به امام عصر – ارواحنا فداه – ، اهداف آن حضرت را بررسی و مورد مطالعه قرار دهیم.

ویژگی های حکومت و امتیاز آن از سایر حکومت های پیشین، همچنین بدانیم حکومتی که در قرآن بدان اشاره شده است و خداوند از آن خبر داده و پیامبران پیشگویی کرده اند، با تمام حکومت ها تفاوت اساسی خواهد داشت، حکومت جهانی و الهی، حکومت حاکمیت دین و قرآن و اهل بیت علیهم السلام است ، حکومت برقراری امنیت جهانی، حکومت بسط عدالت و حکومت حاکمیت اخلاق و ارزش های انسانی است. امام می آید تا اهداف پیاده نشده تمام انبیای الهی را به انجام برساند. امام می آید تا عالی ترین مظاهر یک حکومت مترقّی را به نمایش بگذارد. امام می آید تا بشر را به کمال واقعی خود برساند. و خلاصه، کاری که امام می کند، تاکنون بر دست هیچ پیامبر و یا حاکمی در جهان، در طول تاریخ صورت نگرفته است. او می آید تا به تمام آن خواسته ها جامه عمل بپوشاند.

اعتقاد به این مسائل

سبب می شود که برای رسیدن به چنین حکومتی تلاش ورزیم، موانع را از سر راه برداریم و دیگران را تشویق و ترغیب کنیم و همین کارها، ایجاد زمینه ها می باشد.

۴ - انتظار فرج از دیگر موارد زمینه سازی ظهور امام زمان علیه السلام انتظار فرج است، انتظاری که پیامبر و معصومین علیهم السلام ما را به آن دعوت کرده اند، انتظاری که در روایات، از آن، به عنوان برترین اعمال و بهترین عبادت مؤمنان شمرده شده است، انتظاری که به قول امام صادق علیه السلام: «اگر شخصی درحال انتظار بمیرد، شهید خواهد بود، اگرچه در رختخواب هم مرده باشد».(۹۷)

۵ - شناخت وظایف و عمل به آن بزرگان ما بر اساس روایات و احادیث و سفارش پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - وظایفی را برای مردم در حال غیبت کبری بیان کرده اند، که هر یک از آنها، خود زمینه ساز ظهور مهدی موعودعلیه السلام خواهد بود. مرحوم محدّث قمی به چند مورد از آنها اشاره کرده است:

۱. مهموم بودن برای آن جناب در ایّام غیبت.

۲. دعا کردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر - ارواحنا له الفداء - از شرّ شیاطین انس و جنّ و طلب تعجیل فرج و نصرت و ظفر و غلبه او بر کفّار و ملحدین و منافقین.

۳. صدقه دادن در حدّ توان، برای حفظ وجود مبارک امام زمان علیه السلام.

۴. بجا آوردن حج به نیابت از امام عصر - ارواحنا له الفداء - چنانکه در گذشته میان شیعه مرسوم بوده است.

۵. برخاستن از برای تعظیم شنیدن نام مبارک آن حضرت، به ویژه نام مبارک قائم - عجّل اللّه فرجه الشریف - .

۶. تضرّع و درخواست از خداوند، برای

حفظ دین و ایمان از دستبرد شیاطین و رهایی از شبهات.

۷. استمداد و استعانت و استغاثه به آن جناب، در هنگام سختی ها و گرفتاری ها و بیماری ها و شبهات و فتنه ها.(۹۸)

پرسش ۱۶

انتظار فرج چیست؟

پاسخ

به استناد روایات، یکی از وظایف مسلّم مردم در دوران غیبت کبری، انتظار فرج است؛ انتظار برای تحقق حکومت موعود الهی.

علاّمه محمّد باقر مجلسی رحمه الله بخشی از کتاب بحار الأنوار را به همین وظیفه اختصاص داده و هفتاد روایت از معصومین علیهم السلام را در این باره ذکر کرده است. در روایات آمده است: «انتظار فرج برترین اعمال و بهترین عبادت مؤمن است. منتظران بهترین مردم زمان هستند. منتظران مانند کسانی هستند که در راه خدا شمشیر زده و در خون خود غلطیده اند. منتظران مانند کسانی هستند که در کنار امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده اند و به آنان اجر هزار شهید مانند شهدای بدر داده می شود. منتظران از برخی شهدای بدر و اُحُد بهترند و خداوند راه روزی را بر ایشان باز می نماید و آنان را در زمره اولیای الهی قرار خواهد داد که هیچ ترس و وحشتی در آنها نیست».(۹۹)

انتظار چیست؟ چرا انتظار این همه مورد سفارش اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است؟ چرا این مسأله همواره مورد تهاجم حملات ناجوانمردانه دشمنان اسلام و معارف ناب محمّدی قرار گرفته است، به طوری که گاهی آن را نتیجه و زاییده فکر عدّه ای ترسو و بی منطق دانسته و گاهی به توجیه و تفسیر آن به میل خود پرداخته اند.

برخی با برداشت غلط از مفهوم انتظار، گمان می کنند که باید به هر وسیله ممکن به ظهور امام عصرعلیه السلام سرعت بخشید، گرچه به ترویج کفر

و بی دینی و فساد و فحشا در بین مردم باشد. برخی نیز بر این باورند که در برابر انحرافات و مفاسد باید بی تفاوت بود، تا فساد همه جا را بگیرد و در نتیجه امام زمان علیه السلام ظهور کند. دامن زدن به برداشت های غلط از مفهوم انتظار، گناهی نابخشودنی است.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «هر شخصی که در حال انتظار بمیرد، شهید خواهد بود، اگر چه در رختخواب هم مرده باشد».(۱۰۰)

چگونه می توان پذیرفت که فردی به ترویج فساد کمک کند و اجر شهید را ببرد؟! چگونه ممکن است فردی نسبت به منکرات بی تفاوت باشد و اجر شهید را ببرد؟ چگونه انسان بی تفاوت و کسی که فساد و ستم را گسترش می دهد، می تواند مصداق کسی باشد که در کنار حضرت حجّت - ارواحنا له الفداء - در راه خدا شمشیر زده و در کنار رسول خداصلی الله علیه وآله جهاد و رزم نموده و در کنارش به شهادت رسیده است؟! اگر انتظار فرج عامل محرّکی برای تجدید نظر فردی و اجتماعی نبود، هرگز چنین روایاتی درباره اش صادر نمی گردید.

آیت اللّه مکارم شیرازی برای روشن شدن مفهوم انتظار و آثار سازنده آن، می فرماید: «ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد، حتماً به حالت آماده باش کامل در می آید، سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است، به دست می آورد، سلاح های موجود را اصلاح می کند، سنگرهای لازم را می سازد، آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می برد، روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق را برای چنان مبارزه ای در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد. ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست، هرگز در انتظار

به سر نمی برد و اگر بگوید، دروغ می گوید».(۱۰۱)

وی می نویسد: «کسانی که انتظار یک مصلح جهانی را می کشند، انتظار انقلاب و دگرگونی و تحوّلی را دارند که وسیع ترین و اساسی ترین انقلاب های انسانی در طول تاریخ بشر روی کره زمین است».(۱۰۲)

حقیقت انتظار از دو عنصر نفی و اثبات ترکیب یافته است، نفی یعنی از بین بردن نابسامانی های موجود و عواملی که موجب اختلاف و از هم پاشیدگی می باشد، و اثبات یعنی جانشین کردن عوامل رشد و ترقّی جای آنها. باید خود را اصلاح کنیم و اندیشه هایمان را از کج نظری، حسادت، کینه و صدها عیب دیگر برهانیم؛ چون اگر این عیب ها در ما باشد، چگونه می توانیم منتظر تحوّلی باشیم که اساس آن مبارزه با همه آن عیب هاست و سرانجام دامان ما را خواهد گرفت.

علاوه بر اصلاح خویش، باید در پی اصلاح جامعه هم باشیم. باید اصلاح جامعه را جدّی بگیریم، تا مشمول آیه مبارکه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَتَواصَوْا بِالحَقِّ وَتَواصَوْا بِالصَّبْرِ»(۱۰۳) شویم.

بخش پنجم: نشانه های ظهور

مقدمه

وجود مدّعیان مهدویت در عصر معصومین علیهم السلام و پس از آن، ضرورت پیشگویی بیان علائم و نشانه های ظهور مهدی آل محمّدعلیهم السلام را از طرف معصومین علیهم السلام صد چندان کرد، چون اگر این نشانه ها بیان نمی شد، ما هر روز شاهد مدّعیان مهدویت بودیم. مدّعیان مهدویت باعث گمراهی بسیاری از مسلمانان شدند. نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام سبب شد تا از شمار مدّعیان مهدویت کاسته شود.

نشانه های ظهور کدامند؟ آیا تاکنون آنها به وقوع پیوسته اند؟ در این بخش، به این پرسش ها پاسخ داده خواهد شد.

پرسش ۱۷

آیا اوضاع جهان پیش از ظهور، پیش بینی شده؟

پاسخ

در احادیث فراوانی، پیشگویی های بسیاری درباره اوضاع جهان پیش از ظهور امام زمان علیه السلام شده است، تمام آنها حاکی از آن است که دنیا پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به کانون وحشت و بدبختی مبدّل خواهد شد و مردم دچار سردرگمی، حیرت و گرفتاری هایی می شوند که هرگز از آنها رهایی نمی یابند. جهان پیش از ظهور آن حضرت، دچار جنگ های بسیار سخت و ویران کننده خواهد شد، به گونه ای که همه ملّت ها با یکدیگر درگیر می شوند.

بنابر روایات، در این جنگ ها از هر هفت نفر، پنج نفرشان کشته می شود، یهودیان و مسیحیان با هم به دشمنی برمی خیزند و در نابودی یکدیگر از هیچ تلاشی دست برنمی دارند. طغیان تمام شهرها و کشورها را فرا می گیرد. شورش های پی در پی بر

موج وحشت می افزاید. بیشتر دانشـمندان و پاسداران دین در اثر امر به معروف و نهی از منکر، به قتل می رسـند. شرق و غرب با هم می جنگند(۱۰۴) و عرب و عجم با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند.(۱۰۵)

از سوی دیگر، تأثیر این اختلافات و جنگ های خانمان سوز، چیزی جز قحطی

و بیچارگی و فقر و بـدبختی نخواهـد داشت. حمله ملخ ها به مزارع، رعد و برق و طوفان موجب ویرانی شـهرها و روسـتاها می شود. بیماری های بدون درمان همانند طاعون(۱۰۶) و دیگر بیماری های ناشناخته، هر روز عدّه ای را به کام مرگ می فرستد. مردم فرسنگ ها از معارف اسلامی و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام فاصله خواهند گرفت.

بنـابر روایـات، بازار دین رونق خود را از دست می دهـد، مردم نماز را به دست فراموشـی خواهنـد سپرد، در امانت خیانت می کننـد، دروغ را حلال خواهنـد شـمرد، رباخواری دامن بیشتر مردم را فرا می گیرد، رشوه خواری زیاد می شود، مردم دین را به دنیا خواهنـد فروخت، مردم به سـتم کردن افتخار می کننـد. پیش از ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام حاکمان فاجر، وزیران ظالم، سرشـناسان خائن و قاریان قرآن، فاسق هسـتند... دروغگو را تصـدیق می کننـد و خائن را امین می شـمرند، زنان خود را شبیه مردان و مردان خود را شبیه زنان می کنند.(۱۰۷)

پرسش ۱۸

با توجّه به فراگیری ظلم و ستم در سراسر جهان چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند؟

پاسخ

بسـیاری بر این باورنـد که پیامبرصـلی الله علیه وآله فرموده است: هرگاه دنیا پر از ظلم شد، مهدی علیه السـلام خواهد آمد، در حـالی که این پنـدار غلـط است و هرگز پیامبر چنین چیزی نفرموده، بلکه آن حضـرت فرموده است: «یملأ اللَّه به الأرض عـدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً»(۱۰۸)؛ خداوند به ظهور حضـرت مهدی علیه السلام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است».

بنابر حدیث فوق، هرگاه امام مهدی علیه السلام بیاید، زمین را پر از عدل و داد می کند، نه اینکه هرگاه پر از ظلم و جور شد،

امام زمان علیه السلام خواهد آمد.

بهترین دلیل بر اینکه ظهور امام زمان علیه السلام در گرو فراوانی ظلم و فساد نیست، این است که اکنون ظلم و فساد و بی عدالتی همه جا را فرا گرفته است. اگر ظهور امام زمان علیه السلام در گرو فراگیر شدن ظلم و فساد در جهان باشد، سال ها پیش باید امام زمان علیه السلام ظهور می کرد.

حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی در بحث انگیزه پیدایش مذهب که در شب های پنج شنبه ایراد می فرمود، اظهار داشت: «فساد هدف نیست. آمادگی هدف است. برخلاف آنچه بعضی تصور می کنند، آنچه برای تسریع ظهور مصلح جهانی لازم است، وجود ظلم و فساد در سراسر زمین نیست، بلکه یک آمادگی و تشنگی لازم است. البته نمی توان انکار کرد که افزایش ظلم و فساد یکی از علل آمادگی و تشنگی خواهد بود، چه اینکه وقتی مردم جهان ثمره تلخ و شوم تبعیض ها و بی عدالتی ها را بچشند، ناراحت می شوند و در جستجوی یک طریق اصلاح و یافتن یک مصلح جهانی گام برمی دارند».

در نتیجه، باید گفت: هسته اصلی زمینه برای ظهور، آمادگی و آگاهی از عواقب وضع نابسامان امروز دنیا است، نه این که وجود ظلم و فساد هدف اصلی باشد.

پرسش ۱۹

با اینکه بسیاری از علائم به وقوع پیوسته است، چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند؟

پاسخ

موارد یاد شده که از زبان معصومین علیهم السلام بیان شده است، نشانه ای بیش نیستند، آنها علائم ظهور هستند، نه علت ظهور، در روایات برخی از نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام به عنوان نشانه های حتمی معروف شده است، همانند: خروج سفیانی و کشته شدن جوانی از آل محمّد بین رکن و مقام. اگر نشانه های حتمی ظاهر شود، بدون شک

امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد، اما هنوز آن علائم به وقوع نپیوسته است.

پرسش ۲۰

نشانه های ظهور کدامند؟

پاسخ

۱ – خروج سفیانی سفیانی از فرزندان خالد بن یزید بن ابی سفیان(۱۰۹) است و در دمشق، از محلی به نام وادی یابس قیام می کند. او با رعب و وحشتی که در دل های مردم به وجود می آورد، سبب می شود هرکه پرچم آنها را از دور ببیند، پا به فرار بگذارد.(۱۱۰)

سفیانی به بسیاری از شهرها، از جمله کوفه، بصره و مدینه هجوم می برد و دست به کشتار وسیعی می زند. وی حرمت های اسلامی را یکی پس از دیگری، از بین می برد. او به کشتن دانشمندان و آتش زدن قرآنها می پردازد. مساجد را خراب می کند. حرام را حلال می شمرد، هرگز از ظلم و ستم دست برنمی دارد و روز به روز بر فسق و فجور و طغیان و تمرّد افزوده می شود.

سفیانی با کینه ای که با آل پیامبر دارد، هر فردی را که نامش محمّد، احمد، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه، امّ کلثوم و خدیجه باشد، به قتل می رساند.(۱۱۱) این وضعیت تا ظهور امام زمان علیه السلام ادامه پیدا می کند.

۲ – کشته شدن نفس زکیّه نوجوانی از آل محمّدعلیهم السلام به نام محمّد بن حسن که معروف به نفس زکیّه است، بین رکن و مقام در مسجد الحرام کشته می شود.(۱۱۲)

۳ – ندای آسمانی از سوی جبرئیل در شب جمعه بیست و سوم رمضان، فریاد جبرئیل از آسمان شنیده می شود. امام باقرعلیه السلام فرمود: «منادی از آسمان به نام حضرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – فریاد می زند که به گوش تمام اهل مشرق و مغرب خواهد رسید، به گونه ای که

هیچ انسان خفته ای در خواب نمی ماند و وحشت زده از خواب بیدار می شود و هیچ ایستاده ای نمی باشد، مگر آنکه خواهد نشست و نه نشسته ای، مگر آنکه از جای برمی خیزد».(۱۱۳)

۴ - فرو رفتگی در بیداء

امام صادق علیه السلام چهارمین علامت حتمی را «خسف» در محلی بین مکه و مدینه، به نام بیداء دانسته است. امام باقرعلیه السلام ضمن حدیث مفصّلی به جابر می فرماید: «وقتی سپاه اعزامی سفیانی به بیداء می رسد، ناگهان از آسمان ندا می رسد: ای بیداء! در خود فرو ببر آنچه از این سپاه است! پس همه به زمین فرو می روند. جز سه نفر که خداوند صورت هایشان را به پشت سر برمی گرداند».(۱۱۴)

۵ - قیام یمانی امام صادق علیه السلام فرمود: «خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، در یک ماه و در یک روز قیام می کنند و هیچ پرچمی هدایتگر از پرچم یمانی نیست، زیرا مردم را به سوی حق هدایت می کند».(۱۱۵)

۶ - اختلاف فرزندان عباس ثمالی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام باقرعلیه السلام فرمود: «خروج سفیانی از نشانه های حتمی است». امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آری، و اختلاف فرزندان عباس از علائم حتمیه می باشد».(۱۱۶)

۷ - نمایان شدن دستی در آسمان امام صادق علیه السلام فرمود: «وکفٌ تطلع من السمآء من المحتوم»(۱۱۷)؛ و دستی که در آسمان ظاهر می گردد، از جمله امور و نشانه های حتمی پیش از ظهور است».

همچنین به نشانه های دیگری برخورد می کنیم که در روایات، جزو نشانه های ظهور شمرده شده، اما هرگز از آنها تعبیر به حتمی نشده است.

محدّث قمی رحمه الله درباره این گونه علائم می نویسد: «و امّا علامات غیر حتمیه: پس آنها بسیار است، بعضی ظاهر شده و بعضی هنوز واقع نشده و ما

در اینجا به بعضی از آنها، به نحو اجمال اشاره می کنیم:

۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه ۲. جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه های کوفه ۳. آباد شدن شهر کوفه بعد از خراب شدن آن ۴. آب درآوردن دریای نجف ۵. جاری شدن نهری از فرات به غری که نجف اشرف باشد

۶. ظاهر شدن ستاره دنباله دار در نزدیکی ستاره جدی ۷. ظاهر شدن قحطی شدید پیش از ظهور

۸. وقوع زلزله و طاعون شدید در بسیاری از شهرها

۹. کشتار بیوح، یعنی کشتار بسیاری که آرام نمی گیرد.

۱۰. خراب شدن مسجد براثا

۱۱. ظاهر شدن آتش در سمت مشرق زمین که تا سه یا هفت روز، در میان آسمان دیده می شود که باعث تعجب و ترس باشد.

۱۲. ظاهر شدن سرخی شدیدی که در آسمان پهن می شود.

۱۳. آمدن باران شدید در ماه جمادی الثانی و رجب که مانند آن دیده نشده.

۱۴. طلوع ستاره ای از مشرق که مانند ماه درخشش داشته و چشم ها را خیره کند.

۱۵. فرو گرفتن ظلمت کفر و فسوق و گناهان که تمام جهان را به کام خود می گیرد».(۱۱۸)

پرسش ۲۱

آیا بین نشانه های حتمی وظهور امام، فاصله زمانی تعیین شده است؟

پاسخ

۱ – کمتر از یک سال بنابر روایات، بین آمدن سفیانی و ظهور امام یک سال فاصله نیست. امام باقرعلیه السلام فرمود: «سفیانی و قائم علیه السلام در یک سال هستند».(۱۱۹)

در روایت آمده است: «اگر سفیانی بر پنج شهر حکومت کرد، از همان روز تا نُه ماه حساب کنید، پس امام مهدی علیه السلام ظهور می کند».(۱۲۰)

۲ – پانزده شب بین کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام زمان علیه السلام، پانزده شب فاصله است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لیس بین

قیام قائم آل محمدعلیهم السلام و بین قتل النفس الزکیه إلّا خمسه عشر لیله».(۱۲۱)

۳ – دو شب پیش از ظهور

عبد الأعلی حلبی گوید: امام باقرعلیه السلام فرمود: «برای صاحب این امر غیبتی در برخی از این درّه ها می باشد. سپس دست خود را به طرف کوه ذی طوی اشاره نمود. دو شب پیش از ظهور، پیشکار آن حضرت با عدّه ای از یاران ملاقات می کند و می گوید: عدّه شما به چند نفر رسیده است؟ می گویند: چهل نفر. به آنها می گوید: چه می کنید که اگر صاحب خود را ملاقات کنید؟ پاسخ می دهند: اگر ما را به سوی کوه ها ببرد، همراه او خواهیم بود. در شب بعد، ده نفر از آنها را به انتخاب خودشان، به حضور امام مهدی علیه السلام می برد، حضرت پس از ملاقات با آنها، وعده شب آینده را می دهد».(۱۲۲)

۴ – فاصله بسیار کم امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا رأیتم علامه فی السمآء ناراً عظیمه من قبل المشرق، تطلع لیال فعندها فرج الناس وهی قدام القائم بقلیل(۱۲۳)؛ اگر علامتی در آسمان از سوی مشرق دیدید که آتشی بسیار عظیم و در چند شب پیاپی در طرف مشرق پدیدار خواهد شد. پس از آن فرج مردم خواهد بود و این آتش بیش از آمدن حضرت قائم علیه السلام خواهد بود، به فاصله بسیارکم.

پرسش ۲۲

آیا ایرانیان در دوران غیبت و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام نقشی دارند؟

پاسخ

از دیگر نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تلاش گسترده ایرانیان مسلمان در دوران غیبت کبری است.

در روایات، از تلاش گسترده ایرانیان برای تشکیل حکومت حضرت مهدی علیه السلام بسیار تجلیل شده است، این تلاش ها عبارتند از:

۱ – حمایت همه جانبه از اسلام در روایات آمده

است: «ایرانیان تنها گروهی هستند که در زمان غربت اسلام، از دین و قرآن پاسداری می کنند».

عبایه بن عبد اللَّه اسدی گوید: روز جمعه ای در محضر علی علیه السلام نشسته بودم و ایشان بر فراز منبر نشسته بود و خطبه می خواند، ابن صوحان نیز حضور داشت. اشعث آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! این سرخ پوستان - مقصودش ایرانیانی بود که ساکن کوفه بودند و به حمراء شهرت داشتند - از توجّه ویژه ای که به آنها می کنی، بر ما مسلّط گشته اند.

امیر مؤمنان علیه السلام که از سخنان اشعث به خشم آمده بود، فرمود: «امروز درباره عرب چیزی را روشن کنم که پیش از این پنهان بود». پس فرمود: «چه کسی سخن ما را درباره ظلم این انسان های راحت طلب و سبک مغز، منصفانه می پذیرد که شب ها را تا صبح روی فرش های خود می غلتند، آن گاه بیش من آمده و درباره گروهی که پیوسته به یاد خدا بوده و هستند، طعنه می زنند و دستور داده تا آنها را از کنار خود برانم و بدین وسیله در صف ظالمین قرار گیرم.

قسم به آنکه دانه را شکافت و بنده را آفرید، از پیامبرصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: به خدا قسم! اینان در آینده به خاطر پذیرش دین، بر سر شما خواهند کوبید! چنان که در روزهای نخست برای پذیرش اسلام با آنها به مقابله پرداختید».(۱۲۴)

ایرانیان را در زمان معصومین علیهم السلام با عناوین فرس، اعاجم، موالی، بنو الحمراء، قوم سلمان و چند عنوان دیگر می شناختند. در روایات، گاه از ایرانیان با عناوین اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان و دیگر شهرهای مشهور ایران در آن دوره یاد می کردند.

در روایات، از مردمی با عنوان «اهل

مشرق» سخن گفته شده است که بنابر نظر بسیاری، منظور از آنها مردم ایران هستند.

نکته دیگر این است که اشعث بن قیس و عدّه ای که از گروه خوارج و دشمن علی علیه السلام بودند، همیشه از حضور ایرانیان در کنار علی علیه السلام ناراحت بودند و پیوسته تلاش می کردند تا حضرت علی علیه السلام آنان را رها سازد.

۲ – زمینه سازان حکومت مهدی علیه السلام ایرانیان بر اساس وظیفه دینی خود، تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان اسلام در دو جبهه به جنگ خواهند پرداخت. این نبرد از قم شروع می شود و با قیام مردم خراسان با پرچم های سیاه و درگیری خونین آنان با سفیانی پایان می یابد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «سیأتی زمان تکون قم وأهلها حجّه علی الخلائق وذلک فی زمان غیبه قائمنا إلی ظهوره(۱۲۵)؛ زمانی فرا می رسد که قم و ساکنان آن حجّت های تمام آفریده ها می شوند و همانا این کار در زمان غیبت است و تا ظهور قائم ما ادامه خواهد داشت.

بنابر این روایت، این نهضت علمی و جهاد بزرگ فرهنگی، پیش از غیبت است و تا ظهور قائم ما ادامه خواهد داشت. صدای اسلام ناب که زمینه ساز دولت کریمه مهدی علیه السلام است، از قم به گوش جهانیان خواهد رسید، آن گونه که همه ساکنان کره زمین با اسلام آشنا خواهند شد.

در بسیاری از روایات آمده است که اهل مشرق (اهل خراسان)، «اصحاب الرایات السود» زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام هستند.

ابن طاووس رحمه الله در ملاحم نوشته است: «لشکر سفیانی به بلاد مشرق رفته و پس از جنگی سخت، عدّه ای با پرچم های سیاهی که با خود دارند، برای یاری حضرت مهدی علیه السلام از خراسان حرکت کرده و در پی

حضرت خواهند بود تا با او بیعت کنند».(۱۲۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «یخرج ناس من المشرق، فیوطون للمهدی سلطانه(۱۲۷)؛ گروهی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می کنند.

در روایات دیگری آمده است: «صاحبان پرچم های سیاه که از خراسان حرکت می کنند، کمترین خوف و وحشتی از کسی یا چیزی ندارند و به راه خود ادامه می دهند تا پرچم های خود را در ایلیا(۱۲۸) برفرازند».(۱۲۹)

در برخی روایات، به جای ایلیا، نام بیت المقدس ذکر شده است، روشن است که برافراشته شدن پرچم های مردم خراسان در بیت المقدس بدون غلبه بر یهودیان غاصب به هیچ وجه امکان پذیر نخواهد بود.

۳ - سپاهیان پا در رکاب در روایات آمده است: «بیشترین یاران مهدی آل محمّدعلیهم السلام را ایرانیان تشکیل می دهند. بسیاری از یاران حضرت مهدی علیه السلام از اهالی مرو رود، مرو، طوس، مغان، جابروان، قومس، اصطخر، فاریاب، طالقان، سجستان، نیشابور، طبرستان، قم، گرگان، اهواز، سیراف، ری و کرمان هستند».(۱۳۰)

امیر مؤمنان علیه السلام درباره طالقان فرمود: «خوشا به حال طالقان! زیرا برای خداوند - عزّوجلّ - در آنجا گنج هایی ذخیره شده است که هرگز از جنس طلا و نقره نمی باشند. در آنجا مردانی هستند که خدا را به حق شناختند، و اینان یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند».(۱۳۱)

همچنین در روایات، درباره مردم طالقان آمده است: «این گنج ها دلاور مردانی هستند اهل جنگ و جهاد که شهادت در راه خدا را دوست می دارند و پیوسته ادّعا می کنند که خدا شهادت را روزی آنان قرار دهد، شعار خود را «یا لثارات الحسین» می دانند، خداوند به وسیله آنها امام حق را پیروز می گرداند».(۱۳۲)

و از امام صادق علیه السلام سؤال شد: منظور

از آیه «بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شدیدٍ»-اسراء۵- چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: «هم واللَّه أهل قم، هم واللَّه أهل قم. هم واللَّه أهل قم».(۱۳۳)

۴ - آموزگاران قرآن در دولت کریمه اصبغ بن نباته گوید: حضرت علی علیه السلام فرمود: «گویا چادرهای عجم را می بینم که در مسجد کوفه برپا شده و در ایام حکومت امام مهدی علیه السلام قرآن را همان گونه که نازل شده است، به مردم یاد می دهند».(۱۳۴)

آیا افتخاری بالاتر از این هست که ایرانیان در دولت کریمه مهدی علیه السلام جزو معلّمان قرآن به حساب آیند؟!

بخش ششم: ویژگی های حضر...مهدی علیه السلام

بخش ششم: ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

چهره مقدّس و ملکوتی امام مهدی علیه السلام آن قدر روشن و تابناک است که هیچ نیازی به تعریف و توصیف ما ندارد. او روشن تر از آفتاب و درخشنده تر از ماه در آسمان تاریک است.

در این شخصیت عظیم، ویژگی هایی است که به عللی، در سایر امامان معصوم نمی باشد. این بخش درباره بیان این ویژگی ها است:

پرسش ۲۳

چرا هنگام شنیدن نام قائم آل محمد - عجّل اللَّه فرجه الشریف - از جا برمی خیزیم؟

پاسخ

این سیره پسندیده شیعیان جهان که همچنان ادامه دارد، بدون شک از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است.

میرزا حسین نوری رحمه الله در این باره می نویسد: «بعضی از دانشمندان نقل کرده اند که این مطلب را از عالم متبحّر، سید عبد اللَّه سبط محدّث جزائری؛ سؤال کردند، آن مرحوم در بعضی از تصانیف خود، جواب داد: در خبری از امام صادق علیه السلام نقل شده که روزی در مجلس آن حضرت علیه السلام نام مبارک قائم آل محمدعلیهم السلام برده شد و امام علیه السلام به جهت تعظیم و احترام، از جای برخاست».(۱۳۵)

و نیز در روایت آمده است: «روزی شاعر معروف اهل بیت، دعبل خزاعی خدمت امام رضاعلیه السلام رسیده و اشعارش را قرائت کرد. وقتی به ابیاتی که درباره امام زمان علیه السلام(۱۳۶) سروده بود رسید، امام رضاعلیه السلام دست خود را بر سر گذارد و به احترام از جای برخاست(۱۳۷) و سپس فرمود: ای خزاعی! بدان که روح القدس این دو بیت را بر زبانت جاری

ساخته است».

در روایتی دیگر آمـده است: «آن حضـرت به دعبـل فرمود: خداونـد دیـدن او را به تو روزی کنـد و با او محشور گردانـد. آن حضرت صد دینار به او عطا کرد».(۱۳۸)

میرزای

نوری رحمه الله اضافه می کند: «روایت شده که وقتی نام حضرت حجّه بن الحسن علیه السلام در مجلس امام رضاعلیه السلام برده شد، آن حضرت از جای برخاست و دو دست مبارکش را روی سرش گذاشت و فرمود: «اللّهمّ عجّل فرجه و سهّل مخرجه».(۱۳۹)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام، از جای خود برمی خیزیم؟ فرمود: «چون غیبت حضرت مهدی علیه السلام طولانی است، از شدّت محبّتی که به دوستان خود دارد، هر زمان که شخصی آن را یاد کند، نگاهی به او می نماید و سزاوار است که یاد کننده به جهت احترام و تعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش اورا به نظر مهر و عطوفت نگاه می کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای متعال تعجیل فرج او را بخواهد».(۱۴۰)

برخی از بزرگان در خصوص این موضوع کتاب هایی نوشته اند و این کار را یک امر مستحب مؤکد دانسته اند، از جمله آیت اللّٰه طبسی که رساله «السیف المشتهر فی استحباب القیام عند سماع القائم المنتظر» نوشته اند.

پرسش ۲۴

آیا بردن نام امام زمان علیه السلام حرام است؟

پاسخ

علّامه مجلسی رحمه الله سیزده روایت را از نُه امام معصوم علیهم السلام ذکر کرده است که در آنها معصومین فرموده اند: «نام امام زمان علیه السلام برده نشود».

امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ عمر بن خطاب که پرسیده بود: نام امام زمان علیه السلام چیست؟ فرمود: «نام او را نمی توانم ببرم، چون پیامبرصلی الله علیه وآله از من پیمان گرفته، و این نام در نزد رسول خداصلی الله علیه وآله به ودیعت گذاشته شده است».(۱۴۱)

امام باقرعلیه السلام به ابوخالد کابلی فرمود: «از من سؤالی کردی که تاکنون اگر به کسی گفته

بودم، به تو نیز پاسخ می دادم».(۱۴۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما جایز نیست که نامش را ببرید».(۱۴۳)

امام کاظم علیه السلام فرمود: «جایز نیست نامش را ببرید، تا خداوند اورا ظاهر گرداند».(۱۴۴)

امام زمان علیه السلام نیز فرمود: «از رحمت خدا دور باد، کسی که نام مرا در اجتماع مردم ببرد!».(۱۴۵)

با در نظر گرفتن روایات یاد شده، باید دید نظر اهل بیت و هدف آنها درباره نبردن نام امام زمان علیه السلام چیست. آیا سخنان امامان معصوم علیهم السلام اختصاص به زمان خاص و شرایط خاصی دارد؟

بزرگان همانند شیخ صدوق رحمه الله(۱۴۶) و علّامه مجلسی قدس سره به استناد همین روایات، از بردن نام صریح امام زمان علیه السلام نهی کرده اند.

علّامه مجلسی قدس سره در شرح روایت امام کاظم علیه السلام فرموده است: «این تحدید (تا خداوند او را ظاهر گرداند) به روشنی دلالت می کند که هرگز این نهی مربوط به دوران غیبت صغری نمی شود که برخی به آن استناد جسته اند».(۱۴۷)

در برخی از روایات که به روایات ائمّه اثنی عشر علیهم السلام معروف هستند، به ویژه روایتی که جابر بن عبد اللَّه انصاری از فاطمه زهراعلیها السلام نقل می کند (معروف به حدیث لوح)(۱۴۸) نام های دوازده امام برده شده است، که از جمله آنها نام صریح امام زمان علیه السلام است.

همچنین رسول خداصلی الله علیه وآله پس از بردن نام های یازده امام، به سلمان فارسی می فرماید: «ثمّ ابنه محمد بن الحسن المهدی القائم بشمر اللَّه».(۱۴۹)

و نیز امام حسن عسکری علیه السلام به نام صریح فرزند خود اشاره می کند.(۱۵۰)

شاید منع امامان معصوم علیهم السلام از بردن نام امام زمان علیه السلام مربوط به دوران خاصی بود که معصومین علیهم السلام می خواستند با خودداری از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام، پیروان خود را از

گزند حوادث محفوظ نگه دارند. شاهدش همان نامه ای است که در دوران غیبت صغری، از امام زمان علیه السلام صادر شده و در آن آمـده است: «از رحمت خدا دور باد کسـی که نام مرا در میان مردم ببرد».(۱۵۱) که ممکن است مراد از کلمه «ناس» اشاره به دشمنان اهل بیت علیهم السلام باشد.

اگر این نامه در غیبت کبری صادر شـده بود -ماننـد نامه های امام زمان علیه السـلام به شـیخ مفیـدرحمه الله - بدون شک می گرفتیم اتّفاق نظر بر این است که نام صـریح حضـرت مهدی علیه السـلام برده نشود، امّا این نامه در دوران غیبت صغری صادر شده است.

اگر از همه این احتمالاـت بگـذریم، آنچه که مـا را بر آن می دارد تا به هر علّت و جهت شـده، از ذکر نام صـریح امام مهـدی علیه السـلام خـودداری کنیم، این است که تعـدادی از این روایـات مربوط به پیش از ولاـدت امـام مهـدی علیه السـلام است و برخی دیگر مربوط به پس از ولادت و برخی دیگر مربوط به دوران غیبت صـغری است و در تمام آنها نهی شـده است که نام صریح امام زمان علیه السلام برده شود، که نشان دهنده این است که این ممنوعیت مربوط به دوران غیبت صغری نیست.

شاید هدف و مقصود امامان علیهم السـلام این بوده که نام این خلیفه و این ذخیره الهی باید با رعایت ادب برده شود و سـزاوار است که از القاب امام مهـدی علیه السـلام مانند حجّت، قائم، بقیّه اللّه و... اسـتفاده شود، همان گونه که خودشان چنین یاد می کردنـد، چنـانکه در حـدیثی، امـام حسن عسـکری علیه السـلام به ابوهـاشم چنین فرمود: «چه خواهیـد کرد در روزهـایی که نه شخص او را می بینید و نه

جایز است نامش را ببرید».

ابوهاشم گوید: عرض کردم: پس چگونه نام او را یاد کنیم؟ حضرت فرمود: «بگویید: الحجّه من آل محمدعلیهم السلام». (۱۵۲)

پرسش ۲۵

چرا به امام زمان علیه السلام منتقم گفته می شود؟

پاسخ

هر یک از معصومین علیهم السلام به یک لقب مشهور شده اند، مثلاً حضرت علی علیه السلام به امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام به سیّد الشهداء مشهور گشته اند. تمام این لقب ها ریشه در روایات دارد.

امامان معصوم علیهم السلام در برخی روایات و دعاها، لقب «منتقم» را به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده اند. بلکه این لقب را خداوند به امام عصر - ارواحنا له الفداء - داده است. در روایات از امام زمان علیه السلام به عنوان انتقام گیرنده از دشمنان خدا و دشمنان پیامبر و امامان علیهم السلام، به ویژه منتقم خون امام حسین علیه السلام نام برده شده است.

از جمله احادیثی که نام معصومین علیهم السلام را برمی شمرد، حدیث معراج است. در این حدیث آمده: «وقتی حضرت محمّدصلی الله علیه وآله به دعوت پروردگار به دیدار ملك و ملکوت و عالم اعلی رفت، ندا رسید: سر خود را بالا بگیر و نگاه کن. آن حضرت سرش را بلند کرد، نگاهش به نورهای خیره کننده و مقدسی افتاد و به خداوند عرضه داشت: بار الها! این نورهای مقدّس چه کسانی هستند؟ ندا رسید: اینها امامان می باشند و اینکه - در بین آنها قرار گرفته و - ایستاده است، همانا قائم - عجّل اللّه فرجه الشریف - است؛ آنکه حلال مرا حلال و حرامم را حرام می کند، و به وسیله او از دشمنانم انتقام می گیرم».(۱۵۳)

عایشه گوید: روزی رسول خداصلی الله علیه وآله در دیدار با فرشته وحی، دستور داد هیچ کس نزد

او نرود. در این هنگـام امـام حسـین علیه السـلام نزد رسول خداصـلی الله علیه وآله رفت. جبرئیـل پرسـید: این کودک کیست؟ پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: فرزندم، او را گرفت و بر زانوی خود نشانید. جبرئیل گفت: او کشته خواهد شد.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: چه کسی او را می کشد؟ جبرئیل گفت: امّت تو وی را خواهند کشت.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: او را می کشند؟ جبرئیل گفت: آری.

رسول خداصـلی الله علیه وآله گریست. جبرئیل گفت: ای رسول خدا گریه مکن! خداوند به وسـیله قائم شما اهل بیت، از آنها انتقام خواهد گرفت.

پیامبر فرمود: حبیب من، جبرئیل! قائم ما اهل بیت کیست؟ گفت: او نهمین فرد از نسل حسین علیه السلام است.(۱۵۴)

امام باقرعلیه السـلام در تفسـیر آیه «ومن قتل مظلوماً فقـد جعلنا لولیه سـلطاناً فلا یسـرف فی القتل انه کان منصوراً»(۱۵۵)؛ و آن کس که مظلوم کشـته شـده، برای ولیّ اش سـلطه (و حقّ قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسـراف نکنـد، چون او مورد حمایت است. فرمود: «مقصود، حسـین بن علی علیهما السلام است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و حضرت قائم علیه السلام از ماست و هرگاه قیام کند، انتقام خون حسین علیه السلام را می گیرد».

پس آن قدر از آنها را می کشد که برخی می گویند: «در کشـتن و انتقام گرفتن از قاتلان اسـراف کرده است»،(۱۵۶) اما قرآن می فرماید: «هرگز در کشتن و انتقام گرفتن اسراف نمی کند».

امام صادق علیه السـلام نیز در تفسـیر آن فرمود: «این آیه درباره امام حسـین علیه السلام نازل شده است. پس اگر ولیّ او (امام زمان علیه السلام) تمام اهل زمین را بکشد، هرگز مسرف نخواهد بود».(۱۵۷)

پرسش ۲۶

امام زمان علیه السلام از چه کسانی انتقام می گیرد؟

پاسخ

از

روایات گذشته، چنین روشن شد که امام عصر – ارواحنا فداه – از دشمنان خدا و پیامبر و امامان، به ویژه از دشمنان حسین بن علی علیهما السلام انتقام می گیرد.

اما چگونه این انتقام قابل تصور است، در حالی که قاتلان جدّش بیش از هزاران سال از مرگشان گذشته است؟

این انتقام به دو صورت ممکن است انجام گیرد:

۱. حضرت مهدی علیه السلام قاتلان امام حسین علیه السلام را زنده می کند و از آنها انتقام می گیرد.

۲. حضرت مهدی علیه السلام از نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام انتقام می گیرد، هرچند ده ها واسطه بی آنان و اجدادشان که قاتلان امام حسین علیه السلام هستند، باشد. این انتقام به این دلیل است که آنان نیز جنایت های اجداد خود را تأیید می کنند، به همین جهت، آنان نیز مشمول انتقام حضرت حجّت علیه السلام قرار خواهند گرفت، اگرچه هزاران سال از ماجرای کربلا گذشته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! مهدی علیه السلام نوادگان قاتلان حسین علیه السلام را به سبب کارهای گذشته پدرانشان مؤاخذه می کند و از آنان انتقام می گیرد».(۱۵۸)

هروی از امام رضاعلیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! درباره این سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «اگر قائم علیه السلام خروج کند، نوادگان قاتلان حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام را به سبب اعمال پدرانشان، به قتل می رساند» چه می گویی؟ امام رضاعلیه السلام فرمود: «همین است».

هروی گفت: پس فرمایش خداوند که می فرماید: «وَلا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری (۱۵۹)»؛ هیچ گناه کاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد. چه می شود؟ آن حضرت فرمود: «راست گفت خداوند در تمام گفته هایش! بدان، نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام به اعمال پدرانشان راضی بوده و بدین کار افتخار می کنند، و هرکس از چیزی راضی

باشد، مثل آن است که خودش آن عمل را انجام داده است. اگر مردی در مشرق کشته شود و در مغرب زمین کسی پیدا شود که به کشته شدن او راضی باشد، آن شخص در نزد خداوند شریک قاتل است. پس اینکه می بینی حضرت قائم علیه السلام انها را می کشد، بدین سبب است که آنان به کارهای پدرانشان راضی می باشند».(۱۶۰)

پرسش ۲۷

چرا به امام زمان علیه السلام، قائم آل محمدعلیهم السلام گفته می شود؟

پاسخ

یونس بن عبد الرحمن از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا تو همان قائم به حق هستی؟ آن حضرت علیه السلام فرمود: «آری، من قائم به حق هستم، اما آن قائم به حقی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و آن را پر از عدل و داد می کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است، او پنجمین فرزند از اولاد من است که غیبتش طولانی خواهد شد».(۱۶۱)

عبد العظیم حسنی به امام جوادعلیه السلام گفت: من امیدوارم که تو همان قائم از اهل بیت باشی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. آن حضرت در پاسخ او فرمود: «ای ابوالقاسم! هر یک از ما قائم به امر خدا و هدایت کننده به سوی دین می باشد، اما آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از اهل کفر پاک می گرداند، همان است که ولادتش بر مردم مخفی شده است و از نظرها غایب خواهد شد».(۱۶۲)

با عنایت به اینکه تمام معصومین علیهم السلام دارای این صفت هستند، اما این لقب مخصوص امام زمان علیه السلام است و تقریباً در تمام احادیثی که نام ایشان را

می برند، این لقب درباره وجود مقدّس امام زمان علیه السلام به کار رفته است. در شرح این لقب سخنانی گفته شده است که به جهت اختصار، به چند سخن بسنده می کنیم:

۱ - قیام و حمایت از دین امام حسین علیه السلام فرمود: «مرد عربی پس از مسلمان شدن، از پیامبرصلی الله علیه وآله پرسید: آیا پس از تو پیامبر هست؟ حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: نه، من خاتم پیامبران هستم، اما بدان که پس از من امامانی از نسل من خواهند بود که قائم به قسط می باشند و تعدادشان همان تعداد نقبای بنی اسرائیل می باشد. اولین نفر آنها علی بن ابی طالب است که امام و خلیفه پس از من و نُه نفر از صلب این است - و در همان حال دست به سینه ام گذارد - و قائم، نُهمین فرد از آنهاست که در آخر الزمان، برای دین قیام می کند، همان گونه که من در نخستین روز برای دین چنین کردم...».(۱۶۳)

۲ - قیام به وسیله شمشیر

علقمه بن محمّد حضرمی می گوید: از امام صادق علیه السلام خواستم نام امامان را به من بگوید. آن حضرت علیه السلام فرمود: از گذشتگان، علی بن ابی طالب، امام حسن، امام حسین، علی بن الحسین، محمّد بن علی، سپس خودم.

عرض کردم: یابن رسول اللَّه! پس از تو کیست؟ فرمود: من به فرزندم، موسی وصیت کردم که او پس از من است.

عرض کردم: و پس از موسی چه کسی خواهد بود؟

فرمود: فرزند او علی است که رضا لقب گرفته است و پس از او فرزندنش محمّد و پس از محمّد، فرزندش علی و پس از علی، فرزندش حسن و فرزند حسن، مهدی - صلوات اللَّه

علیهم اجمعین - .

سپس افزود: پدرم از پدرش، از جدّ خود، از علی علیه السلام، از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده است که: «قائم ما هرگاه خروج کند، سیصد و سیزده نفر به عدد رزمندگان جنگ بدر، گرد او جمع می شوند».

پس زمانی که ظهور او فرا می رسد، شمشیری در غلاف بوده و در مقابلش قرار دارد، فریاد بر می آورد: «قم یا ولیّ اللّه فاقتل أعداء اللّه(۱۶۴)؛ برخیز، ای ولی خدا و دشمنان خدا را به قتل برسان!».

۳ - قیام پس از مردن نام او

صقر بن ابی دلف می گوید: از ابوجعفر، امام جوادعلیه السلام شنیدم که فرمود: «امام پس از من، فرزندم علی است، امر او امر من، گفتار او گفتار من و طاعت او طاعت من است. امام پس از او، فرزندش حسن است، امر او امر پدرش، گفتار او گفتار پدرش و طاعت او، طاعت پدرش می باشد».

سپس سکوت کرد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چه کسی پس از حسن، امام خواهد بود؟ امام جوادعلیه السلام به شدت گریست، سپس فرمود: «پس از حسن، فرزند او قائم به حق، امام منتظر است».

عرض کردم: یابن رسول اللّه! چرا به وی قائم گفته می شود؟ فرمود: «چون قیام می کند، پس از آنکه نام وی مرده باشد و بیشترین معتقدان به امامتش مرتد شده باشند».(۱۶۵)

ابوحمزه ثمالی می گوید: به ابوجعفر محمّد بن علی، باقرعلیه السلام گفتم: ای فرزند رسول خدا! مگر همه شما قائم به حق نیستید؟ فرمود: چرا.

گفتم: پس چرا حضرت مهدی علیه السلام قائم نامیده شده است؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «هنگامی که جدّم حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان در درگاه خداوند به گریه و ضجّه

و ناله افتادند و گفتند: خدایا! تو درباره کسی که برگزیده و فرزند برگزیده ات را به قتل رسانده است، سکوت می کنی؟ ندا رسید: ای فرشتگانم! آرام باشید! قسم به عزّت و جلالم! از آنها انتقام خواهم گرفت؛ اگرچه مدّتی از این جرم و جنایت گذشته باشد. سپس حجاب ها را نسبت به فرزندان امام حسین علیه السلام از برابرشان کنار زد که فرشتگان با دیدن امامان از نسل امام حسین علیه السلام بسیار شاد و خرسند گشتند و در میان آنها یک نفر ایستاده و در حال نماز بود. ندا رسید: من به وسیله این قائم از آنها انتقام می گیرم».(۱۶۶)

در روایات دیگر به تعبیرات دیگری برخورد می کنیم که تقریباً شبیه به یکدیگر می باشند، مثل: قائم بأمر اللّه،(۱۶۷) قائم به قسط،(۱۶۸) قائم به حق.(۱۶۹)

پرسش ۲۸

چه نشانه هایی از پیامبران در امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟

پاسخ

در بسیاری از روایات، از نشانه های پیامبران در امام مهدی علیه السلام سخن گفته شده است. قائم آل محمّدعلیهم السلام وارث پیامبر و علی است و علی علیه السلام وارث هزار سنت از سنت های پیامبران گذشته می باشد.(۱۷۰)

نشانه هایی ه از تمام پیامبران در امام مهدی علیه السلام وجود دارد، عبارتند از:

۱ - عمر طولانی آدم و نوح علیهما السلام آدم علیه السلام ۱۰۰۰ سال(۱۷۱) و نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال عمر کردند.(۱۷۲)

۲ - پنهان ماندن تولّد ابراهیم و موسی علیهما السلام ولادت حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیهما السلام تا مدّت ها یک راز بود. مادر حضرت ابراهیم علیه السلام از ترس نمرود، فرزند خود را در غار گذاشت. مادر حضرت موسی علیه السلام نیز از ترس فرعون، فرزند خود را به نیل سپرد. نشانه ای که قائم آل محمّدعلیهم السلام از این دو پیامبر اولو العزم دارد،

این است که وی هنگامی به دنیا آمد که خلفای بنی عباس به دنبال کشتن او بودند.

امـام حسن عسـکری علیه السـلام از ترس بـاخبر شـدن مـأموران حکومت، بارداری همسـر خویش را حتّی از نزدیکان خاصّ و بسـتگان بسیار نزدیک خود پنهان داشت. تنها حکیمه، که دختر امام جواد و عمّه امام عسکری علیه السلام بود، آن هم در شب ولادت حجّه بن الحسن - ارواحنا فداه - از این راز آگاه شد.

حکیمه می گوید: ابومحمّد در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق کسی را نزد من فرستاد و فرمود: عمه جان! امشب افطارت را در خانه ما صـرف کن؛ زیرا خدای - عزّوجلّ - تو را به تولّد ولیّ و حجّت خود بر آفریدگانش و جانشین پس از من، مسرور و شادمان خواهد ساخت.

حکیمه گوید: از این سخنان بسیار خوشحال شدم، لباسم را پوشیدم و همان لحظه از خانه بیرون رفتم، تا به ابومحمّد رسیدم. او در حیـاط نشسـته بود و کنیزانش اطراف وی را گرفته بودنـد. عرض کردم: فـدایت شوم! فرزنـدت از کـدام یـک از آنهاست؟ فرمود: از سوسن است. نگاهی به آنها انداختم و آثار بارداری را تنها در سوسن دیدم.(۱۷۳)

۳ - ناشـناس بودن حضـرت یوسف علیه السلام حضرت یوسف علیه السلام بنابر علّت ها و مصلحت هایی، مدّتی غایب شد آن حضـرت را برادرانش در کـودکی به چـاه انداختنـد. وی پس از نجـات یـافتن از چـاه، همچنـان از نظرهـا غـایب بـود و به طور ناشـناس در بین مردم زنـدگی می کرد. مردم او را می دیدنـد، امـا وی را نمی شـناختند.(۱۷۴) امام مهدی علیه السـلام نیز این گونه است و مردم او را می بینند، اما او را نمی شناسند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نشانه ای از یوسف

در او، این است که خداوند بین او و سایر مردم حجاب قرار داده. مردم او را می بینند، ولی او را نمی شناسند».(۱۷۵)

۴ – آزمایش سخت حضرت ایوب علیه السلام حضرت ایوب علیه السلام مورد آزمایش بسیار سخت قرار گرفت و در پایان با سربلندی از این آزمایش بیرون آمد و رحمت گسترده خداوند او را فرا گرفت و گرفتاری هایش رفع شد. امام زمان علیه السلام نیز پس از آزمایش بزرگ الهی، سرانجام گشایش برای او حاصل می شود و ظهور می کند.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «نشانه ای که از ایوب علیه السلام در او هست، فرج پس از گرفتاری و آزمایش است». (۱۷۶)

۵ – جوانی حضرت یونس بن متی علیه السلام یونس بن متی علیه السلام پس از سال ها دوری و غیبت از قوم خود، بار دیگر به میان آنها بازگشت. مردم فکر می کردند یونس علیه السلام پیر شده است، اما دیدند که او هنوز جوان است.(۱۷۷)

امام زمان علیه السلام پس از یک غیبت طولانی که روشن نیست چه قدر طول بکشد، در سیمای جوانی چهل ساله ظهور خواهد کرد. امام باقرعلیه السلام به محمّد بن مسلم فرمود: «آن شباهتی که از یونس بن متی علیه السلام در او هست، این است که پس از بازگشت از غیبت، به سیمای جوان خواهد بود».(۱۷۸)

امام رضاعلیه السلام نیز فرمود: «از نشانه های امام دوازدهم این است که آن بزرگوار از نظر سن پیر است، اما سیمایی جوان دارد که هر بیننده ای گمان می برد آن حضرت چهل ساله است و یا کم تر از چهل سال دارد».(۱۷۹)

۶ – نشانه ای از حضرت عیسی علیه السلام گروهی درباره حضرت عیسی علیه السلام گفتند که او هرگز متولّد نشده و گروهی دیگر گفتند که وی

مرده است.(۱۸۰) درباره امام عصر – ارواحنا له الفداء – نیز چنین سخن هایی گفته شده است.

۷ – نشانه ای از محمد مصطفی صلی الله علیه وآله در روایات، درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است «یهتدی بهداه ویسیر بسیرته(۱۸۱)؛ امام مهدی علیه السلام به روش پیامبرصلی الله علیه وآله مردم را هدایت کرده و به سیره آن حضرت صلی الله علیه وآله عمل می کند».

امام صادق علیه السلام فرمود: «امام مهدی علیه السلام راه و روش رسول خداصلی الله علیه وآله را در پیش می گیرد».

همچنین روایت شده است: «نشانه ای که امام مهدی علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله دارد، این است که با شمشیر قیام می کند».(۱۸۲)

امام باقرعلیه السلام نیز فرمود: «آن نشانه ای که از محمّدصلی الله علیه وآله دارد، این است که سیره و روش آن حضرت را در پیش می گیرد و آثارش را تبیین می کند. سپس شمشیر بر شانه خود می گذارد و در هشت ماه، دشمنان خدا را به قتل می رساند».(۱۸۳)

چرا حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند؟

از بین پاسخ هایی که به این پرسش داده شده است، به دو پاسخ از آنها بسنده می کنیم:

۱. احتمال دارد وقوع جنگ های هسته ای پیش از ظهور، باعث از بین رفتن تمدّن بشر شود. از این رو، سلاحی غیر از شمشیر در عصر ظهور وجود نخواهد داشت.

۲. احتمال دارد شمشیر رمز قدرت باشد و حضرت مهدی علیه السلام با سلاح روز با دشمنان بجنگد.

پرسش ۲۹

آیا میراث پیامبران نزد امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟

پاسخ

حکومت حضرت مهدی علیه السلام تجلّی قدرت لا یتناهی خداوند است. اراده و خواست خداست که به این بنده صالحش چنان قدرتی دهد تا یادآور خاطره تمام پیامبران باشد. اینک به معرّفی میراث پیامبران

که نزد امام مهدی علیه السلام وجود دارد، می پردازیم:

۱ - عمامه و پیراهن رسول خداصلی الله علیه وآله حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، عمامه سفید جدّش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را بر سر می نهد(۱۸۴) و پیراهن خون آلود او را - در جنگ احد - می پوشد.

امام صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود: «آیا نمی خواهی پیراهن قائم آل محمّدعلیهم السلام را که در روز ظهور به تن می کند، به تو نشان دهم؟»

عرض کردم: آری. آن حضرت صندوقی را خواست که برای او آوردند و پیراهنی از آن بیرون آورد و در مقابل یعقوب باز کرد.

یعقوب می گوید: ناگاه چشمم به آستین چپ پیراهن افتاد که آغشته به خون بود. آن حضرت فرمود: «این پیراهن رسول خداصلی الله علیه وآله است. روزی که دندان های پیشین آن حضرت را شکستند، این پیراهن را پوشیده بود. قائم علیه السلام با همین پیراهن قیام می کند».

یعقوب می گوید: خون ها را بوسیدم و به چشم کشیدم. آن گاه امام پیراهن را پیچید و در جای خود قرار داد.(۱۸۵)

۲ - زره و شمشیر ذوالفقار پیامبرصلی الله علیه وآله امام صادق علیه السلام داشتن سلاح های رسول خداصلی الله علیه وآله را از نشانه های امامت می داند. حارثه بن المغیره نصری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام به چه چیز شناخته می شود؟ آن حضرت فرمود: «به سکینه و وقار».

عرض کردم: و دیگر به چه چیز؟ آن حضرت فرمود: «او را بوسیله شناختن حلال و حرام و نیاز مردم به او و بی نیازی او از مردم و سلاح پیامبرصلی الله علیه وآله نزد او می شناسی».(۱۸۶)

۳ - پرچم رسول خداصلی الله علیه وآله پرچم پرافتخار پیامبرصلی الله علیه وآله که جبرئیل در روز بدر برای

آن حضرت آورد و با به اهتزاز درآمدنش مسلمانان پیروز شدند، همراه مهدی خواهد بود.

حضرت علی علیه السلام نیز این پرچم را در بصره به اهتزاز درآورد وچشم فتنه را کور کرد. مؤمنان اصرار ورزیدند تا حضرت علی علیه السلام آن پرچم را در صفّین به اهتزاز درآورد، ولی آن حضرت نپذیرفت و فرمود: «این پرچمی است که بعد از من، کسی جز حضرت قائم علیه السلام آن را به اهتزاز در نمی آورد».(۱۸۷)

حضرت زین العابدین، امام سجادعلیه السلام به ابوخالد کابلی فرمود: «گویا می بینم صاحب شما بر بلندی نجف در پشت کوفه قرار گرفته است، در حالی که پرچم رسول خداصلی الله علیه وآله را برافراشته است و آن را به سوی هیچ گروهی نمی برد مگر آنکه خداوند نابودشان می سازد».(۱۸۸)

۴ - عصای حضرت موسی علیه السلام امام باقرعلیه السلام فرمود: «عصای موسی علیه السلام پیش از آنکه در دست حضرت موسی علیه السلام باشد، عصای حضرت آدم علیه السلام بود. سپس به حضرت شعیب علیه السلام و بعد به حضرت موسی علیه السلام رسید و اکنون این عصا نزد ماست. رنگ این عصا همچنان سبز است و همان شکل اول خود باقی است. اگر از آن بپرسی، پاسخ می دهد: این عصا برای قائم ما - عجّل اللّه فرجه الشریف - ذخیره گردیده است. او با عصا همان کاری می کند که حضرت موسی علیه السلام انجام داد».(۱۸۹)

۵ - سنگ حضرت موسی علیه السلام سنگی که حضرت موسی علیه السلام بر آن زد و چشمه های آب از آن روان شد، نزد امام مهدی علیه السلام است. وقتی آن حضرت علیه السلام به سوی کوفه حرکت می کند، یکی از یاورانش فریاد می زند: هیچ کس آب و غذا برندارد. آن گاه سنگ حضرت موسی علیه السلام را

بر شتر می نهند و همراه خود می برند. در هیچ منزلی فرود نمی آیند مگر آنکه چشمه ای از آن سنگ روان می شود و گرسنگان بی نیاز و تشنگان سیراب می شوند.(۱۹۰)

۶ – تابوت سکینه این همان صندوقی است که خداوند برای مادر موسی علیه السلام فرستاد تا نوزادش را در آن قرار دهد و در دریا رها کند. حضرت موسی علیه السلام در پایان عمر، لوح ها و زره و همه آثار نبوّتش را در آن قرار داد.(۱۹۱)

به گفته برخی محقّقان، تمثال های پیامبران خدا در این تابوت جای داشت. بنی اسرائیل این تابوت را در جنگ ها با خود حمل می کرد و در پرتو آن، پیروزی به دست می آورد.(۱۹۲)

قائم آل محمّدعلیهم السلام هنگام ظهور و رفتن به سوی بیت المقدس، آن تابوت را همراه خاتم سلیمان علیه السلام و لوح های موسی علیه السلام بیرون می آورد.(۱۹۳)

۷ – مجموعه ای دیگر از آثار پیامبران امام صادق علیه السلام فرمود: «لوح ها و عصای موسی وخاتم سلیمان علیهما السلام نزد من است، ظرفی که حضرت موسی علیه السلام در آن برای خدا قربانی می کرد، تابوتی که فرشتگان آن را حمل کردند و آوردند، و نیز نامی که پیامبر برای حفظ مسلمانان از تیرهای مشرکان آن را در میان صف های لشکر قرار می داد، پیش من است».(۱۹۴)

۸ – کتاب های آسمانی تمام کتاب های آسمانی توسّط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به اهل بیت علیهم السلام انتقال یافت. اکنون همه آنها در اختیار آخرین ذخیره الهی است. روزی که حضرت بقیّه اللَّه – عجّل اللَّه فرجه الشریف – به فرمان پروردگار از پس پرده غیبت بیرون آید، تمام آنها را با خود می آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند هیچ چیز به پیامبران نداد مگر اینکه آن را به محمّدصلی

الله علیه وآله نیز عطا کرد. آن صحفی که قرآن درباره اش فرمود: صحف ابراهیم و موسی ، نزد ماست».(۱۹۵)

۹ - قرآنی که حضرت علی علیه السلام آن را گرد آورد

روزی که رسول خداصلی الله علیه وآله دار فانی را وداع گفت، حضرت علی علیه السلام به سفارش وی در خانه نشست تا قرآن را گرد آورد. او پس از پایان کار، قرآن را به مسجد برد و به ابوبکر عرضه کرد. عمر گفت: ای علی! این قرآن را به جای خود برگردان، ما نیازی به آن نداریم. حضرت علی علیه السلام آن را گرفت و به خانه برگشت. هنگامی که عمر به خلافت رسید. روزی به علی علیه السلام گفت: اگر بخواهی می توانی قرآنی که نزد ابوبکر آوردی، اکنون بیاوری تا گرد آن جمع شویم. حضرت فرمود: «هیهات! راهی برای رسیدن به آن نیست. من در زمان ابوبکر چنان کردم تا بر شما اتمام حجّت کرده باشم و در روز قیامت نگویید: ما از این غافل بودیم، یا برای ما نیاوردی. اکنون این قرآن نزد من است و جز پاکان و جانشینان من کسی به آن دست نمی زند».

عمر گفت: آیا زمانی برای اظهار این قرآن وجود دارد؟

حضرت فرمود: «آری! هنگامی که قائم از فرزندانم ظهور کند».(۱۹۶)

همچنین تمام کتاب ها و نوشته های معصومین علیهم السلام به نام های صحیفه جامعه(۱۹۷) که املای رسول خدا و خطّ علی - علیهما السلام - بود، کتاب علی،(۱۹۸) مصحف فاطمه،(۱۹۹) جفر ابیض،(۲۰۰) جفر احمر(۲۰۱) و صحیفه هایی که نام تمام پیامبران، پادشاهان و پیروان اهل بیت علیهم السلام بر آن نوشته است، نزد امام عصر قرار دارد.

شایان ذکر است که قرآن کنونی، همان قرآنی است که علی علیه السلام آن را

به دستور پیامبر صلی الله علیه وآله جمع کرد و می خواست آن را عرضه کند که با مخالفت شدید عمر بن الخطاب رو به رو گردید.

بخش هفتم: دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

بر اساس آیات قرآن و روایات، دولت کریمه امام مهدی علیه السلام از ویژگی هایی برخوردار است که تاکنون هیچ دولتی، حق یا باطل، بر آن دست نیافته است. خداوند تمام آن زیبایی ها را برای حکومت آخرین ذخیره اش که در آخر الزمان استقرار خواهد یافت، قرار داده است.

این بخش، به بیان تحوّلات عظیم آن روز، از جمله زنده شدن برخی مردگان و آمدن عیسی و سایر پیامبران علیهم السلام می پردازد.

پرسش ۳۰

آیا حکومت امام زمان علیه السلام، جهانی است؟

پاسخ

۱ - قرآن درباره جهانی شدن دین اسلام می گوید: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلّهُ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ»(۲۰۲)؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آنها را بر همه آیین ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

با توجّه به اینکه هنوز دین اسلام، دین تمام مردم جهان نشده است و وعده خداوند تخلف ناپذیر است، باید روزی برسد که این دین بر تمام جهان سایه افکند و این وعده ممکن نیست مگر با آمدن مهدی موعودعلیه السلام که با تشکیل حکومت جهانی، دین اسلام را طبق وعده الهی، در جهان پیاده می کند.

۲ - در قرآن آمده است: «لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۲۰۳)؛ در زبور، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

چون این وعده تاکنون تحقّق نیافته است، بنابر روایات این وراثت به دست توانای امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت. (۲۰۴)

۳ - امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمواتِ طَوْعاً وَکُرْهاً»؛ و تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی

اجبار، در برابر – فرمان – او تسلیم اند، فرمود: «إذا قام القآئم لا یبقی أرض إلّا نودی فیها شهاده أن لا إله إلّا اللّه»(۲۰۵)؛ هنگام قیام قائم آل محمّدعلیهم السلام جایی روی زمین نمی ماند، مگر آنکه در آن شهادت به وحدانیت خدا داده خواهد شد.

۴ – بنابر روایات بسیاری از پیامبر و ائمه معصومین – علیهم السلام – ، حضرت مهدی علیه السلام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود. این روایات در تمام کتاب های سنّی و شیعه آمده است.

۵ – امام باقرعلیه السلام فرمود: «یفتح اللّه له شرق الأرض وغربها»(۲۰۶)؛ خداوند برای او شرق و غرب زمین را فتح خواهد کرد.

۶ – افزون بر آنچه گذشت، برخی دیگر از روایات از حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر حجاز، ایران، عراق، شام، روم، قسطنطنیه، ارمینیه، چین و بسیاری از کشورها خبر داده است.

پرسش ۳۱

امام زمان علیه السلام در چه روزی ظهور می کند؟

پاسخ

معروف است که امام زمان علیه السلام در روز جمعه ظهور می کند، ولی بر اساس روایاتی که از امام باقر و امام صادق – علیهما السلام – نقل گردیده است، آن حضرت در روز شنبه قیام می کند.

در کتاب خصال آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «یخرج قآئمنا أهل البیت یوم الجمعه»(۲۰۷)؛ قائم ما اهل بیت در روز جمعه قیام می کند.

در کمال الدین آمده است: امام باقرعلیه السلام فرمود: «یخرج القآئم یوم السبت یوم عاشوراء الیوم الذی قتل فیه الحسین علیه السلام»(۲۰۸)؛ حضرت قائم علیه السلام روز شنبه، روزی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، قیام می کند.

شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: امام باقرعلیه السلام فرمود: «کأنّی بالقآئم یوم عاشوراء

یوم السبت قآئماً بین الرکن والمقام بین یدیه جبرئیل وینادی البیعه للّه، فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً»(۲۰۹)؛ گویا قائم علیه السلام را می بینم که در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده است، در حالی که جبرئیل در مقابلش قرار گرفته، ندا می کند: البیعه للّه. که با قیام خود، زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

برخی از بزرگان گفته اند: بر اساس روایات، امام مهدی علیه السلام در روز شنبه قیام می کند. این روایات را شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین، شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه و شیخ مفیدرحمه الله در کتاب ارشاد(۲۱۰) نقل کرده است. در این روایات، همچنین تصریح شده است که امام زمان علیه السلام در روز شنبه قیام می کند.

شاید در جمع بین این دو روایت، بتوان گفت: آن حضرت در روز جمعه ظهور می کند و در روز شنبه قیام می نماید، یعنی روز ظهور با روز قیام تفاوت دارد. اگر ملاک را روز عاشورا قرار دهیم، نه روز شنبه؛ باید دید امام حسین علیه السلام در چه روزی به شهادت رسید و براساس آن روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام را مشخص کرد. به نظر می رسد که روز قیام، همان روز شنبه است؛ زیرا چه آنان که روز شنبه را مطرح کرده اند و چه آنان که روز عاشورا را گفته اند، روز خروج امام زمان علیه السلام را روز شنبه می دانند.

پرسش ۳۲

امام عصرعلیه السلام چند سال حکومت می کند؟

پاسخ

مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام معلوم نیست؛ زیرا روایاتی که در این باره وجود دارد، با هم اختلاف دارد. مدّت هایی که در روایات، برای حکومت مشخص شده، عبارت

است از: چهل روز(۲۱۱)؛ هفت سال(۲۱۲)؛ هفت یا هشت یا نُه سال(۲۱۳)؛ نُه سال(۲۱۴)؛ ده سال(۲۱۵)؛ نوزده سال(۲۱۶)؛ بیست سال(۲۱۷)؛ سیصد و نُه سال(۲۱۸).

گروهی از دانشمندان بر این باورند که این احادیث باید توجیه گردند و الّا با تعارضی که بین احادیث وجود دارد، همه اعتبار خود را از دست خواهند داد، و فقط روایت هفت سال که در اخبار و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده، قابل قبول است.

امام باقرعلیه السلام درباره دوران حکومت مهدی علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «فلک در گردش خود، چنان کُند شود که هر سال به ده سال به طول انجامد».

ابوبصیر پرسید: آیا ممکن است سال ها این اندازه طول بکشد؟ حضرت فرمود: «خداوند امر می کند که افلاک حرکت خویش را کاهش دهند».

ابوبصیر پرسید: می گویند اگر نظام افلاک تغییر کند، به هم می ریزد.

آن حضرت فرمود: «این گفته زنادقه است، مسلمانان چنین سخنی را می گویند. خداوند برای پیامبرش شقّ القمر نمود و آفتاب را برای یوشع بن نون برگرداند و خبر داده است که روز قیامت برابر است با هزار سال».(۲۱۹)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «یملك القآئم سبع سنین، تکون سبعین سنه من سنیکم هذه»(۲۲۰)؛ حضرت قائم علیه السلام هفت سال حکومت می کند که برابر است با هفتاد سال از سال های شما.

شیخ مفیدرحمه الله در ارشاد می گوید: «روایت شده که مدت حکومت حضرت قائم علیه السلام نوزده سال است، اما سال هایی که روزها و ماه هایش طولانی است، و این امری است غیبی و دانستنش بر ما پوشیده است و این چنین برای ما روایت شده است. پس ما به یک طرف جزم و قطع نمی کنیم، گر چه روایت هفت سال اظهر است».(۲۲۱)

پرسش ۳۳

محلّ سکونت امام

مهدی علیه السلام کجاست؟

پاسخ

۱ – دوران پیش از غیبت بـدون شک، امام عصر – ارواحنا له الفداء – در شـهر سامرّا به دنیا آمد. آن حضـرت تا روز شـهادت امام حسن عسـکری علیه السـلام در منزل پـدرش در شـهر سامرّا بود. حکیمه، عمّه امام حسن عسـکری علیه السـلام چندین بار حضـرت مهدی علیه السـلام را پیش از شـهادت امام عسکری علیه السلام، در خانه پدرش دیده بود و امام عسکری علیه السلام در یکی از ملاقات های احمد بن اسحاق با ایشان که در منزل آن حضرت بود، فرزند خود را به او نشان داد.(۲۲۲)

یعقوب بن منقوش از امام عسـکری علیه السـلام پرسیده بود: مولای من! بعد از شما، چه کسی به امامت می رسد؟ آن حضرت فرمود: «پرده را کنار بزن. او نیز پرده را کنار زد و کودکی از پس پرده بیرون آمد و بر زانوی پدر نشست».

امـام عسـکری علیه السـلام در حال احتضار به پیشـکار خود به نام عقیـد فرمود: «وارد اتاق شو، کودکی را در حال سـجده می بینی، او را نزد من بیاور».(۲۲۳)

۲ – دوران غیبـت صـغری در دوران غیبت صـغری که حـدود ۷۴ سال طول کشـید، محلّ سـکونت حضـرت مهدی علیه السلام مشـخّص نبود. به نظر می رسد آن حضرت در عراق سکونت داشت؛ زیرا چهار نایب خاص آن حضرت که با او رابطه مستقیم داشـتند، در عراق، بـه ویژه در شـهر بغـداد می زیسـتند. و از اینکه نـامه هـای مردم را می گرفتنـد وبه حضـرت می رساندنـد و جوابش را دریافت می کردنـد. می توان حدس زد که حضـرت محل سـکونت خود را جایی قرار داده بود که امکان دسترسـی نایبان و تماس با حضرتش آسان باشد؛ بدین جهت، جز این چهار نفر، کسی از محل

سکونت آن حضرت اطلاعی نداشت.

امـام صـادق علیه السـلام می فرمایـد: «برای قائم علیه السـلام دو غیبت است، یکی از آن دو کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست کسی جای او را نمی داند، مگر شیعیان خاص او».(۲۲۴)

به نظر می رسد: منظور از شیعیان خاص، نوّاب اربعه باشند.

۳ – دوران غیبت کبری امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «ونعم المنزل طیبه».(۲۲۵)

علّامه مجلسـی رحمه الله فرمود: «همین جمله دلالت می کند که آن حضـرت بیشتر در مدینه و اطراف آن می باشد».(۲۲۶) امام باقرعلیه السلام به کوه طوی اشاره فرمود.(۲۲۷) با این وجود، هیچ کس محل سکونت او را نمی داند.(۲۲۸)

امـام صادق علیه السـلام فرمود: «کسـی بر محل سـکونت امام زمان آگاهی نمی یابـد، نه فرزنـدان او و نه شـخص دیگری، جز خدمتکار حضرت مهدی علیه السلام».(۲۲۹)

امام عصر – ارواحنا له الفداء – به ابراهیم بن مهزیار فرمود: «پدرم از من پیمان گرفته که در سرزمین پهناور و دور دست مسکن گزینم تـا از نیرنگ های گمراهان و متمرّدان امّت تازه به دوران رسـیده و گمراه، نهان و مصون باشم. این پیمان مرا بر فراز تل های بلند و ریگزارها و سرزمین های مورد اطمینان افکنده است».(۲۳۰)

علّـامه مجلسـی رحمه الله از علی بن فاضـل، داسـتان ورودش به جزیره خضـراء را نقل کرده است. گرچه علی بن فاضل در این جزیره موفّق به دیدار امام زمان علیه السـلام نشده است. اما وی از ملاقات هایی که با برخی داشـته، چنین اسـتنباط کرده اسـت که این جزیره محلّ سکونت آن حضرت می باشد.

برخی با اسـتناد به این ماجرا می خواهند بگویند: محل سـکونت امام زمان علیه السـلام در همین جزیره است. برخی دیگر پا را فراتر نهاده، با منطبق نمودن اوصاف جزیره خضراء – که اطراف آن را آب های

سفیـدی گرفته است - بر مثلث برمودا عقیـده دارنـد که مثلث برمودا محل سـکونت امام زمان علیه السـلام است و می گوینـد: کسی نمی تواند به آن محل برسد، زیرا هر چه قدرت های بزرگ تلاش کرده اند به آن برسند، بی نتیجه بوده است.(۲۳۱)

این نظریه صحیح نیست، زیرا، اوّلاً: کسی از محل زندگی امام عصر - ارواحنا له الفداء - اطلاع دقیقی ندارد.

ثانیاً: اصل ماجرای علی بن فاضل به دلیل تناقضاتی که در آن مشاهـده می شود، مورد خدشه است و از اصل درستی برخوردار نمی باشد، تا چه رسد به انطباق برمودا بر آن جزیره مورد ادّعا.(۲۳۲)

با اسـتناد برخی روایات، امام عصـر - ارواحنا فداه - در همه جا حضور پیدا می کند و یوسف وار، به طور ناشناس در بین مردم رفت و آمد می کند و بر فرش مردم قدم می گذارد، در حالی که مردم او را نمی شناسـند.(۲۳۳) بنابراین، آن حضرت در همه جا حضور پیدا می کند، اما ما او را نمی شناسیم.

یکی از مکان هایی که بنابر روایت امام صادق علیه السـلام، حضرت مهدی علیه السلام در آنجا حضور پیدا می کند، صحرای عرفات است. امام زمان علیه السلام همه ساله در ایام حج، در عرفات حضور پیدا می کند.

امام صادق علیه السـلام فرمود: «زمانی فرا رسـد که مردم امام خود را نبیننـد، امام آنها، ایّام حج آنها را می بیند، ولی آنها او را نمی توانند ببینند».(۲۳۴)

بسـیاری از علما در کربلا، نجف، کوفه، مـدینه، مکّه، مسـجد الحرام و شـهرهایی که دارای مکان های مقـدّس است، امام علیه السلام را زیارت کرده اند.

۴ - دوران ظهور

در دوران ظهور، امام عصرعلیه السلام در مسجد سهله که ده ها هزار پیامبر در آن نماز گزارده اند، اقامت دارد.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «ای ابامحمّد! گویا آمدن حضرت

قائم - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - به مسجد سهله را می بینم که همراه زن و فرزندان خود، در آنجا اقامت می کنند».

ابوبصیر می گوید: عرض کردم: آیا مسجد سهله منزل او خواهد بود؟ حضرت فرمود: «آری این (مسجد) منزل ادریس علیه السلام است و خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آنکه در آنجا نماز خوانده است. هر کس در این مسجد بیتوته کند، مانند آن است که در چادر و خیمه پیامبرصلی الله علیه وآله اقامت کرده است».(۲۳۵)

پرسش ۳۴

چه تحولاتی در زمان امام عصرعلیه السلام رخ می دهد؟

پاسخ

در روایات بسیاری، معصومین علیهم السلام از تحولات عظیم در زمان امام عصر - ارواحنا له الفداء - خبر داده اند، از جمله اینکه امام مهدی علیه السلام دو کار اساسی انجام می دهد که طلیعه تمام برنامه هایش می باشد:

۱. دولت های باطل را سرنگون می سازد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام القآئم، ذهبت دوله الباطل».(۲۳۶)

۲. جهان را پر از عدل و داد می سازد. در دولت مهدی موعود - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - دیگر به کسی ظلم نمی شود؛ بشر استثمار نمی گردد؛ سطح فکر بشر به عالی ترین درجه می رسد؛ بیماری، بیکاری، پریشانی و سرگردانی در دولت آن حضرت از بین می رود و تمامی منابع و گنج ها مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرد؛ انسان ها در سراسر گیتی از نعمت رفاه، آسایش، امنیت، عدالت، صلح و صفا برخوردار خواهند شد. و اینها در سایه اجرای درست و کامل تعالیم حیات بخش اسلام و احکام جاوید و خرد پسند قرآن حاصل می گردد. آزادی، آسایش، لذّت، اتّحاد، اتفاق، برادری و برابری که از آغاز خلقت، همه انسان ها در جستجوی آن هستند، در حکومت واحد جهانی آخرین برگزیده خدا پدید می آید(۲۳۷).

حضرت مهدی علیه

السلام اسلام ناب محمّدی را در جامعه پیاده می کند، اینک به بخشی از فعالیت های آن حضرت در دوران حکومتش می پردازیم:

۱. دزدان و غارتگران اموال کعبه را دستگیر و دست بنی شیبه را بدین جهت قطع خواهد کرد.

۲. دشمنان امیر مؤمنان علیه السلام، اگر اسلام ناب محمّدی را نپذیرند، توسط آن حضرت کشته می شوند.

۳. از دشمنان انتقام می گیرد.

۴. به تمام قوانین و رسم های جاهلیت پایان می دهد.

۵. صلیب را خرد می کند.

۶. رفاه، امنیت، عدل و مساوات را به بالاترین حدّ خود می رساند.

۷. سالی دو بار اموالی را بین مردم تقسیم می کند و ماهی دو مرتبه حقوق می دهد.

۸. ظلم و جور را از بین می برد.

۹. امنیت کامل را برقرار می سازد.

۱۰. به طور مساوی اموال را بین مردم تقسیم می کند.(۲۳۸)

۱۱. دست خود را بر سر مردم می کشد و عقل های آنان را کامل می گرداند.

۱۲. دانش های مخفی را بر بشر ظاهر می گرداند.

۱۳. آموزش های قرآنی و علوم وابسته به آن را در همه جا فراگیر می سازد.

۱۴. تمام گنج های زمین را بیرون می آورد و به بهره برداری می رساند.

۱۵. مسجدی در نجف می سازد که هزار در دارد.

۱۶. بزرگراه ها را توسعه می دهد.

۱۷. نهر آبی از کنار قبر ابی عبد اللّه الحسین علیه السلام به نجف می برد.

۱۸. دستور می دهد آنان که طواف مستحبی دارند حجر الأسود و مطاف را به افرادی که طواف واجب دارند، بسپرند، تا مزاحمتی برای انجام اعمالشان نباشد.

امام عصر تحوّلی عظیم و شگرف در جهان به وجود می آورد. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «هنگامی که قائم ما علیه السلام ظهور می کند، مردم را به امر جدیدی دعوت می کند، همان گونه که رسول خداصلی الله علیه وآله چنین کرد».(۲۳۹)

پرسش ۳۵

رجعت چیست و ادلّه

آن کدام است؟

پاسخ

در بسیاری از روایات، ائمه معصومین علیهم السلام از زنده شدن گروهی از مردگان هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته اند. برخی از مردگان به اذن خداوند زنده می شوند و مدّتی جهت بهره جستن از حکومت امام عصرعلیه السلام در سایه حکومت آن حضرت زندگی خواهند کرد.

آیا زنده شدن مردگان ممکن است؟ آیا تاکنون مرده ای زنده شده است؟ علّت زنده شدن آنها چیست؟

زنده شدن مردگان نه تنها عقلاً محال نیست، بلکه واقع شده است و قرآن نیز در چند آیه، به این موارد اشاره فرموده است، ازجمله می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ وَقالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ»(۲۴۰)؛ آیا نگاه نمی کنید به سرنوشت کسانی که از شهرهایشان خارج گردیدند، در حالی که هزاران نفر بودند، پس خداوند به آنان گفت: بمیرید، سپس همه را زنده گردانید.

«أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ وَهِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها قالَ أَنّی یُحْیِی هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِأَهَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قالَ کَمْ لَبِثْتَ قالَ لَبِثْتُ یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قالَ بَلْ لَبِثْتَ مِأَهَ عامٍ فَانْظُرْ إِلی طَعامِکَ وَشَرابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلی حِمارِکَ وَلِنَجْعَلَکَ آیَهً لِلنّاسِ وَانْظُرْ إِلَی العِظامِ کَیْفَ نُنْشِزُها ثُمَّ نَکسُوها لَحماً، فَلَمّا تَبَیَّنَ لَهُ قالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ»(۲۴۱)؛ یا همانند کسی که از کنار یک آبادی - ویران شده - عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن به روی سقف ها فرو ریخته بود (و اجساد و استخوان های اهل آن، در هر سو پراکنده بود. او با خود) گفت: چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ (در این هنگام) خدا او را یک صد

سال میراند، سپس زنده کرد و به او فرمود: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز. فرمود: نه، بلکه یک صد سال درنگ کردی. نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال ها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که چنین موادّ فاسد شدنی را در طول این مدّت حفظ کرده، بر همه چیز قادر است) ولی به مرکب خود نگاه کن (چگونه از هم متلاشی شده، این زنده شدن تو پس از مرگ هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون به استخوان های مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می دهیم و گوشت بر آن می پوشانیم! هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: می دانم خدا بر هر کاری تواناست.

«وَإِذْ قالَ إِبْراهِيمُ أَرِنِى كَيْفَ تُحْيِى الْمَوْتى قالَ أَ وَلَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلى وَلكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِى قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْياًواعلم اِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»(۲۴۲)؛ و (به خاطر بیاور) هنگامی که ابراهیم علیه السلام گفت: خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟! گفت: چرا، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد. فرمود: در این صورت چهار نوع مرغ از مرغان انتخاب کن و آنها را (پس از ذبح کردن) قطعه قطعه کن، سپس بر هر کوهی قسمتی از آن قرار بده، بعد آنها را فراخوان، به سرعت به سوی تو می آیند و بدان که خداوند غالب و حکیم است.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان،

در تفسیر آیه «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآياتِنا فَهُمْ يُوزَعُونَ»(۲۴۳) می فرماید: «بنابر روایات فراوان از ائمّه علیهم السلام، خداوند هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از شیعیان و پیروان را که از دنیا رفته اند، زنده می گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت بشتابند و در دولتش اظهار شادمانی و سرور و خوشحالی بنمایند».

همچنین خداوند عدّه ای از دشمنان خود را زنده می گرداند، تا به وسیله حضرت مهدی علیه السلام از آنها انتقام گرفته شود... و هیچ عاقلی شک ندارد که این کار مقدور خداوند متعال و غیر محال است و خداوند شبیه همین را در امّت های گذشته انجام داده و قرآن در موارد متعددی در این باره سخن گفته است.(۲۴۴)

مرحوم صدوق در کتاب اعتقادات، درباره اعتقاد به رجعت می فرماید: «اعتقاد ما درباره رجعت این است که حق است».(۲۴۵)

مرحوم سید مرتضی، ضمن نقل اجماع امامیه بر زنده شدن و رجعت عدّه ای از مؤمنان هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام می نویسد: «آنچه را که شیعه امامیه معتقدند، هیچ عاقلی شبهه نمی کند که این کار مقدور خداوند متعال است و جزو محالات شمرده نمی شود».(۲۴۶)

شیخ مفیدرحمه الله می فرماید: «خداوند هنگام ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام، گروهی از مردگان را به صورت های قبلی خودشان زنده می کند و بر می گرداند. پس به یک دسته عزّت می بخشد و دسته دیگر را ذلیل و خوار می گرداند... تمام امامیه بر همین نظر هستند، مگر عدّه بسیار کمی که روایات را تأویل می کنند».(۲۴۷)

و از زمان شیخ صدوق رحمه الله تاکنون، بزرگان شیعه بخش عظیمی از کتاب ها و نوشته های خود را به رجعت اختصاص داده اند، که علّامه آغا بزرگ طهرانی در کتاب خود(۲۴۸) بخشی

از آنها را نام برده است.

از جمله بزرگانی که سالیان درازی وقت خود را صرف دفاع از این عقیده کرده است، مرحوم آیت اللّه حاج شیخ محمّد رضا طبسی (پدر نگارنده) است که حاصل تلاش های وی کتابی در دو جلد به نام «الشیعه والرجعه» می باشد.

پرسش ۳۶

چه کسانی هنگام ظهور حضرت زنده می شوند؟

پاسخ

کسانی که برای بهره جستن از حکومت امام زمان علیه السلام و کمک به آن حضرت زنده می شوند، دو دسته هستند:

۱. دسته اول کسانی هستند که نامشان در روایات آمده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «از پشت شهر کوفه(۲۴۹)، همراه قائم علیه السلام، بیست و هفت مرد خارج می شوند. پانزده نفر از آنان جزء یاران حضرت موسی علیه السلام هستند. هفت نفر از آنان جزء اصحاب کهف هستند. یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر نیز جزء آنان هستند. پس اینان در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران وفرمانروایان حکومتش خواهند بود».(۲۵۰)

امام صادق علیه السلام به مفضّل بن عمر فرمود: «ای مفضّل! تو همراه چهل و چهار نفر زنده می شوی و همراه حضرت قائم علیه السلام خواهی بود و تو در طرف راست حضرت قائم علیه السلام خواهی بود و امر و نهی می کنی».(۲۵۱)

همچنین درباره داود رقّی فرمود: «هرکس دوست دارد که به مردی از اصحاب حضرت قائم علیه السلام بنگرد، به این مرد نگاه کند».(۲۵۲)

نیز درباره یاران امام حسین علیه السلام فرمود: «امام حسین علیه السلام همراه یاران خود - که در کربلا شهید شدند - خواهد آمد».(۲۵۳)

طبری در دلائل الإمامه نام عدّه ای از زنان را آورده است که برای یاری رساندن به امام زمان علیه السلام زنده می شوند. مفضّل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «سیزده زن همراه

قائم آل محمّدعلیهم السلام خواهند آمد».

عرض کردم: برای چه کاری؟ فرمود: «به مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت، همان گونه که همراه رسول خداصلی الله علیه وآله بودند».

عرض کردم: آنها را برایم نام ببرید. حضرت فرمود: «قنواه دختر رشید هجری، امّ ایمن، حبّابه والبیه، سمیّه مادر عمار یاسر، زبیده، امّ خالد احمسیه، امّ سعید حنفیه، صیانه ماشطه و امّ خالد جهنیه».(۲۵۴)

۲. دسته دوم کسانی هستند که نامشان در روایات نیامده، اما اوصافشان ذکر شده است. این افراد عبارتند از:

۱ - کسانی که چهل صبح دعای عهد را بخوانند

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان از یاوران قائم ماعلیه السلام باشند و اگر چنین کسی پیش از ظهور بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد، تا در خدمت آن حضرت باشد».(۲۵۵)

۲ - کسانی که هر شب جمعه، سوره اسراء را بخوانند

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس هر شب جمعه سوره اسراء را بخواند، نخواهد مرد تا حضرت قائم علیه السلام را درک کند و جزو یارانش قرار بگیرد».(۲۵۶)

۳ - هر کس شبیه سلمان فارسی رحمه الله باشد

در گفتگویی که پیامبرصلی الله علیه وآله با سلمان فارسی رحمه الله داشت، آن حضرت پس از برشمردن نام امامان معصوم علیهم السلام به سلمان فرمود: «یا سلمان! إنّک مدرکه ومن کان مثلك ومن تولّاه هذه المعرفه؛ ای سلمان! تو او را درک خواهی کرد و همچنین هرکس همانند تو باشد و هرکس چنین ولایت و معرفتی نسبت به او داشته باشد.(۲۵۷)

۴ - شهیدان چهارمین گروهی که در ایّام ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده می شوند وبه دنیا باز می گردند، شهیدان هستند، آنان که پیکرشان در راه اسلام و قرآن، آماج تیرهای دشمن قرار گرفت و با

بـدنی غرقه به خون به دیدار معبود خود شـتافتند. آنان نیز برمی گردند تا پس از درک محضـر امام زمان علیه السـلام به مرگ طبیعی از دنیا بروند.

امام باقرعلیه السـلام در گفتگویی که با زراره داشت، ضـمن اینکه بین مرگ طبیعی و کشته شدن در راه خدا فرق گذاشت، به وی فرمود: «لیس من قتل بالسـیف کمن مات علی فراشه، إنّ من قتل لا بدّ أن یرجع إلی الدنیا یذوق الموت(۲۵۸)؛ چنین نیست هرکس کشـته می شود، با آن که در رختخواب مرده باشد، یکسان باشد. همانا هرکس در دنیا کشـته شود، ناچار باید برگردد تا مرگ را بچشد».

۵ - مؤمنان پیامبرصلی الله علیه وآله به سلمان رحمه الله فرمود: «سلمان! هرکس همانند تو باشد و یا اهل ولایت و معرفت باشد، او نیز بر می گردد. شکی نیست که سلمان مصداق بارز مؤمن است».

همچنین پیامبرصـلی الله علیه وآله به سـلمان فرمود: «وکلّ من محض الإیمان محضاً(۲۵۹)؛ و هرکس ایمان محض داشـته باشد، او نیز باز خواهد گشت».

پرسش ۳۷

آیا پیامبران در حکومت مهدی علیه السلام نقشی دارند؟

پاسخ

یکی از وعده های بزرگ خداوند به پیامبران این بود که آنها را یاری خواهد داد، اما بسیاری از آنان شکست خوردند و کشته شدند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَالَّذِینَ آمَنُوا فِی الحَیاهِ الدُّنْیا وَیَوْمَ یَقُومُ الأَشْهادُ(۲۶۰)؛ ما به یقین، پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم».

امـام صادق علیه السـلام در تفسـیر آیه فرمود: «به خـدا قسم! مصـداق این آیه در رجعت خواهـد بود. آیا نمی دانی بسـیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند؟! همچنین امامان

معصوم علیهم السلام کشته شدند و یاری نشدند. این در رجعت به تحقق خواهد رسید».(۲۶۱)

آن حضرت علیه السلام در روایت دیگری فرمود: «همراه امام حسین علیه السلام هفتاد پیامبر خواهند آمد، همان گونه که همراه حضرت موسی علیه السلام آمده بودند».(۲۶۲)

از روایت امام باقرعلیه السلام که در تفسیر همین آیه از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است، معلوم می شود که تمام پیامبران به امر پروردگار زنده خواهند شد و همه رجعت خواهند کرد وبه کمک امیرمؤمنان علی علیه السلام می آیند و در رکاب او شمشیر خواهند زد.(۲۶۳)

ممکن است این هفتاد پیامبر فقط همراه امام حسین علیه السلام رجعت می کنند و بقیه به تنهایی با همراه برخی دیگر باز می گردند.

ظاهراً پیامبران کم کم رجعت می کنند، مثلاًـ گروهی با امام زمان علیه السلام، گروهی دیگر با امام حسین علیه السلام و همچنین گروه دیگری با امام علی علیه السلام رجعت می کنند. در روایات، از چند پیامبر نام برده شده است که رجعت خواهند کرد، آنان عبارتند از:

۱ - عیسی بن مریم علیهما السلام بسیاری از روایات شیعه و سنی تصریح کرده اند که حضرت عیسی علیه السلام رجعت خواهد کرد. حضرت عیسی علیه السلام پس از آنکه به آسمان عروج کرد، در همان جا به سر برد، و تا ظهور امام زمان علیه السلام در آنجاست. وی همراه هشتصد مرد و چهارصد زن به زمین خواهد آمد.(۲۶۴)

حضرت عیسی علیه السلام یکی از بزرگ ترین یاران امام مهدی علیه السلام است که از طرف خداوند به عنوان وزیر دست راست حضرت مهدی علیه السلام رجعت خواهد کرد.(۲۶۵) از مهم ترین کارهای حضرت عیسی علیه السلام در دولت حضرت مهدی علیه السلام این است که با دانه ای که در دست دارد، صلیب را خرد می کند، دجّال را به هلاکت

می رساند و اموال حضرت قائم علیه السلام را می گیرد و بین مردم تقسیم می کند.(۲۶۶)

۲ – الیاس پیامبرعلیه السلام دومین پیامبری که همراه مهدی آل محمّدعلیهم السلام خواهد بود، حضرت الیاس علیه السلام است که گفته می شود وی جدّ حضرت نوح است. برخی گفته اند: والیسع را جانشین خود در بنی اسرائیل کرده است و خدا او را به آسمان بالا برده است. همه ساله در روز عرفه، او و خضرعلیهما السلام در صحرای عرفات حضور پیدا می کنند و در کنار یکدیگر می باشند.(۲۶۷)

از گفتگوی امام صادق علیه السلام با الیاس علیه السلام در کنار کعبه، معلوم می شود که وی از جمله پیامبرانی است که همراه مهدی علیه السلام خواهد بود، چون او در ضمن گفتگو شمشیر خود را به امام نشان داد، سپس نقاب از چهره کنار زد و اظهار داشت: من الیاس علیه السلام هستم.(۲۶۸)

۳ – دانیال علیه السلام ۴ – یونس علیه السلام امام حسین علیه السلام پیش از شهادت خود، در مورد رجعت امیر مؤمنان و برخی پیامبران در زمان حکومت مهدی علیه السلام، به یاران خود چنین فرمود: «... دانیال و یونس علیهما السلام به سوی امیر مؤمنان علی علیه السلام می روند و اظهار می دارند: خدا و پیامبرش راست می گفتند، سپس آن دو را همراه هفتاد مرد (به سوی بصره) روانه می کند تا جنگجویان – و شورشیان علیه دولت حضرت مهدی علیه السلام را سرکوب نمایند. آنها نیز در پی فرمان – شورشیان را به قتل می رسانند».(۲۶۹)

پرسش ۳۸

آیا امام مهدی علیه السلام احکام جدیدی می آورد؟

پاسخ

در برخی از روایات آمده است که امام زمان علیه السلام هنگام ظهور، امر جدیدی خواهد آورد، همان گونه که پیامبرصلی الله علیه وآله در آغاز اسلام، امر جدید آورد.(۲۷۰)

مراد از امر جدید احکامی

نیست که خارج از دستورهای قرآن و اسلام باشد؛ چون احکام اسلام از زمان پیامبرصلی الله علیه وآله بوده است، گرچه برخی از آنها بنا به علّت و مصلحت هایی، هنوز گفته نشده یا به مرحله اجرا گذارده نشده است. شاید مراد از امر جدید طرح های جدیدی در ارائه احکام الهی باشد که ممکن است برای مردم تازگی داشته باشد؛ زیرا در روایت آمده است: «إنّ الإسلام بدأ غریباً وسیعود غریباً». فاصله گرفتن مردم از اسلام و قرآن آن دو را به غربت می کشاند. بنابراین، مردم در زمان ظهور آن حضرت با قرآن و اسلام کاملًا بیگانه خواهند بود و با آمدن حجّت خدا، فکر می کنند آن حضرت احکام جدیدی را آورده است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «وهداهم إلی أمر قد دثر»؛ آنها را به چیزی که پنهان شده بود، هدایت خواهد کرد. (۲۷۱)

پرسش ۳۹

محل حکومت امام زمان علیه السلام کدام شهر است؟

پاسخ

از اینکه امام مهدی علیه السلام در مسجد سهله سکونت می کند واین مسجد در کنار شهر کوفه است، معلوم می شود که مرکز حکومت امام زمان شهر کوفه می باشد. افزون بر این، از ظواهر احادیث بر می آید که تمام برنامه های امام مهدی علیه السلام در شهر کوفه به اجرا گذارده می شود.

امام عصر - ارواحنا له الفداء - اگرچه در مکه ظهور می کند، اما در مکه نمی ماند، بلکه همراه نیروها به طرف شهر کوفه حرکت خواهد کرد. بدین سبب است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس خانه ای در کوفه دارد، آن را از دست ندهد».(۲۷۲)

امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود: «به اندازه موضع یک قدم در کوفه برایم بهتر است که در مدینه خانه ای داشته باشم».(۲۷۳)

حضرت مهدی علیه

السلام در کنار مسجد کوفه مسجدی می سازد که هزار در دارد.(۲۷۴) امام زمان علیه السلام نیروهای خود را از کوفه به سراسر جهان می فرستد.(۲۷۵)

پرسش ۴۰

سرنوشت اقلّیت های دینی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

پاسخ

یکی از وعده های الهی که در حکومت قائم آل محمّدعلیهم السلام تحقق پیدا می کند، این است که بساط شرک و کفر برچیده خواهد شد، بلکه طبق فرموده قرآن کریم «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»(۲۷۶) ندای توحید سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و به فرموده امام باقرعلیه السلام: «جز دین محمّدصلی الله علیه وآله دینی باقی نمی ماند».(۲۷۷)

در اینجا روایات بر دو دسته هستند: دسته اول بر آنند که حضرت با آنها مصالحه می کند، اما در عین حال کاملاً محدود خواهند شد.

ابوبصیر گوید: به امام صادق عرض کردم: صاحب الأمر علیه السلام با اهل ذمّه چه خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با آنان مصالحه می کند و آنها با کمال ذلّت جزیه می پردازند».(۲۷۸)

و از دسته دوم چنین به دست می آید که پس از اتمام حجّت بر آنها و نپذیرفتن حق از سوی آنان، نابود خواهند شد؛ چرا که با فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و حضور وی در نماز جماعت امام مهدی علیه السلام و تبلیغ او از اسلام و شکستن صلیب توسّط وی، دیگر جای هیچ عذر و بهانه ای برای پیروان مسیح علیه السلام - که در آن زمان پیروان زیادی خواهند داشت - باقی نخواهد بود. با این بیان فقط خداپرستان روی زمین باقی خواهند ماند.

بخش هشتم: یاران حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت و حضور

مقدمه

در بسیاری از روایات سخن از یاران امام مهدی علیه السلام به میان آمده است. لابد می پرسید: اینان چه کسانی هستند؟ چند نفرند؟ دارای چه ملّیتی هستند؟ از چه طایفه ای می باشند؟ در کدام یک از شهرها زندگی می کنند؟ اکنون چه می کنند؟ و در حکومت امام مهدی علیه

السلام چه خواهند کرد؟

پاسخ این پرسش ها را در این بخش خواهید یافت.

پرسش ۴۱

حضرت خضرعلیه السلام کیست و در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام چه نقشی دارد؟

پاسخ

حضرت خضرعلیه السلام چند هزار سال عمر کرده است. آن حضرت در سفر دریایی، همراه حضرت موسی علیه السلام بود. او از بهترین یاران ذوالقرنین بود. خداوند به او عمر طولانی داد تا برهانی قوی بر طولانی بودن عمر امام زمان علیه السلام باشد و او را زنده نگه داشت تا مونس تنهایی امام زمان علیه السلام در زمان غیبت باشد.

در روایات، ویژگی های حضرت خضرعلیه السلام بیان شده است، که برخی از آنها را ذکر می کنیم:

۱. وی از جمله کسانی است که به چشمه آب حیات دست پیدا کرد و مقداری از آن را نوشید.(۲۷۹)

۲. خضرعلیه السلام اکنون زنده است و تا نفخ صور زنده خواهد بود. امام رضاعلیه السلام فرمود: «حضرت خضرعلیه السلام از آب حیات نوشید. پس او زنده است تا نفخ صور دمیده شود».(۲۸۰)

۳. خداوند قدرت نیرومندی به خضر عطا کرد. طریحی می نویسد: «خداوند به حضرت خضرعلیه السلام قدرت بسیار بالایی عطا کرد(۲۸۱) او فرمانده پیش قراولان لشکر ذوالقرنین بود».(۲۸۲)

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «خضرعلیه السلام بر هیچ تخته خشکیده ای نمی نشست مگر آنکه سرسبز می گشت و به همین جهت، خضر نامیده شد».(۲۸۳)

۵. قرآن کریم هرچند آشکارا نام او را نبرده است، اما از او به عنوان عالم یاد کرده است. در سوره کهف در جریان ملاقات حضرت موسی علیه السلام با حضرت خضرعلیه السلام چنین آمده است: «فَوَجَدا عَبْداً مِنْ عِبادِنا آتَيْناهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنا وَعَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً»(۲۸۴)؛ (در آنجا) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت عظیمی از سوی

خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.

۶. هرجا نامش برده شود، فوراً حاضر می گردد. امام رضاعلیه السلام می فرماید: «هرجا از او یاد شود، همان جا حاضر می شود. پس هر یک از شما به یاد او افتاد، بر او سلام کند».(۲۸۵)

۷. همه ساله در مراسم حج حضور دارد. امام رضاعلیه السلام می فرماید: «وإنّه لیحضر الموسم کلّ سنه فیقضی جمیع المناسک ویقف بعرفه فیؤمن علی دعاء المؤمنین(۲۸۶) حضرت خضرعلیه السلام همه ساله در مراسم حج حضور می یابد و تمام مناسک حج را نیز انجام می دهد و در عرفات، در کنار سایر حجاج خانه خدا می ایستد و به دعای مؤمنان آمین می گوید».

حضرت خضرعلیه السلام در ایّام حضور معصومین، نقش بسیار مهمی را ایفا می کرد، گرچه بیشتر کارها و برنامه هایش را کسی جز معصومین نمی داند. او در زمان غیبت حضرت بقیه اللّه الأعظم - ارواحنا له الفداء -، کارهای زیادی را انجام می دهد که از آن بی اطّلاع هستیم.

امام رضاعلیه السلام درباره او فرمود: «حضرت خضرعلیه السلام آن سلامی که به سایر معصومان داشته، بدون تردید همان را نسبت به امام زمان علیه السلام هر روز ادامه می دهد».(۲۸۷)

همچنین آن کارهایی که سایر معصومین علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام به حضرت خضرعلیه السلام واگذار کرده بودند، یقیناً در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به او واگذار خواهد شد؛ از قبیل رسیدن به فریاد درماندگان در بیابان ها و کمک به گمشدگان. از همه مهم تر آن است که خداوند به وسیله حضرت خضرعلیه السلام، امام زمان علیه السلام را در ایام غیبت از تنهایی بیرون می آورد.

امام رضاعلیه السلام می فرماید: «وسیؤنس اللّه به وحشه قآئمنا ویصل به وحدته(۲۸۸)؛

و در آینـده خداونـد به وسـیله او، وحشت قائم ما – علیه السـلام – را در ایام غیبتش به انس مبـدّل خواهد کرد و یار و یاور آن حضرت علیه السلام در تنهایی خواهد بود».

خداوند عمر طولانی به حضـرت خضرعلیه السلام عنایت فرمود تا بهترین دلیل بر طولانی بودن عمر حضرت مهدی علیه السلام باشد و بدین وسیله بهانه را از دست دشمنان بگیرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «عبد صالح، یعنی خضرعلیه السـلام، همانـا خداونـد هرگز عمر او را طولانـی ننمود، تـا اینکه نبوتی برایش مقـدّر کرده باشـد، و نه به جهت کتابی که بر او نـازل شود، و نه به جهت شـریعتی که با آن شـریعت پیامبر را نسـخ کرده باشـد، و نه برای امامتی که بنـدگان را به پیروی از او ملزم کند، و نه برای اطاعتی که خداوند برای او فرض کرده باشد، بلکه چون خداوند می دانست که تقدیری در عمر حضـرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشـریف – در ایام غیبت خواهد داشت و بسـیاری از مردم این امر را انکار خواهند کرد، خواست تا عمر حضـرت قائم علیه السـلام را به در ازای عمر عبـد صالح حضـرت خضـرعلیه السـلام طولانی نماید، بدین جهت او را زنده نگه داشت، تا دلیلی برای استدلال طول عمر حضرت قائم علیه السلام و ابطال حجّت منکران باشد».(۲۸۹)

پرسش ۴۲

آیا تعداد یاران امام زمان علیه السلام مشخص است؟

پاسخ یاران امام عصر – ارواحنا له الفداء – به چند گروه تقسیم می شوند:

۱. یارانی که حضرت مهدی علیه السلام نهضت خود را با آنان آغاز می کند.

۲. یارانی که به برکت مقدم بقیه اللّه – ارواحنا فداه – از قبرها برمی خیزند.

۳.

یارانی که همراه حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آیند.

گروه اول ۳۱۳ نفر هستند. در روایات، محل سکونت این گروه و تعداد افرادی که از هر منطقه به یاری امام زمان علیه السلام می آیند، مشخص شده است. امام صادق علیه السلام به تقاضای ابوبصیر، محل سکونت یاران امام مهدی علیه السلام و تعداد آنها از هر منطقه را بدین شرح بیان فرمود:

۱. اسوان: ۱ نفر

۲. اصحاب کهف: ۷ نفر

۳. اصطخر: ۲ نفر

۴. اهواز: ۲ نفر

۵. باغه: ۱ نفر

۶. بافاد: ۱ نفر

۷. بدا: ۱ نفر

۸. بدو: ۱ نفر

۹. برید: ۲ نفر

۱۰. بصره: ۳ نفر

۱۱. بلبیس: ۱ نفر

۱۲. بیرم: ۱ نفر

۱۳. بیروت: ۹ نفر

۱۴. جابروان: ۳ نفر

۱۵. جبل غرر: ۸ نفر

۱۶. جرجان: ۱۲ نفر

۱۷. جوقان: ۱ نفر

۱۸. حار: ۱ نفر

۱۹. حران: ۱ نفر

۲۰. حلب: ۳ نفر

۲۱. حلوان: ۲ نفر

۲۲. حیوان: ۱ نفر

۲۳. خلاط: ۱ نفر

۲۴. خیبر: ۱ نفر

۲۵. دبیله: ۱ نفر

۲۶. دمیاط: ۱ نفر

۲۷. دیلم: ۴ نفر

۲۸. رافقه: ۲ نفر

۲۹. رقه: ۳ نفر

۳۰. ری: ۷ نفر

۳۱. ری: ۱ نفر

۳۲. سجستان: ۳ نفر

۳۳. سلیمه: ۵نفر

۳۴. سمند: ۴ نفر

۳۵. سنجار: ۴ نفر

۳۶. سیمسیاط: ۱ نفر

۳۷. سیراف (شیراز): ۱ نفر

۳۸. صامغان: ۲ نفر

۳۹. صنعاء: ۲ نفر

۴۰. صیدائیل: ۱ نفر

۴۱. طازبند شرقی: ۱ نفر

۴۲. طالقان: ۲۴ نفر

۴۳. طالقان: ۱ نفر

۴۴. طبرستان: ۹ نفر

۴۵. طبریه: ۱ نفر

۴۶. طرابلس: ۲ نفر

۴۷. طوس: ۵ نفر

۴۸. طهر: ۱نفر

۴۹. عبثه: ۱ نفر

۵۰. عکبرا: ۱ نفر

۵۱. فرغانه: ۱ نفر

۵۲. فسطاط: ۴ نفر

۵۳. قابس: ۱ نفر

۵۴. قارب: ۱ نفر

۵۵. قرمس: ۲ نفر

۵۶. قریات: ۲ نفر

۵۷. قزوین: ۲ نفر

۵۸. قلزم: ۲ نفر

۵۹. قم: ۱۸ نفر

۶۰. قیروان: ۲ نفر

۶۱. کوثا: ۱ نفر

۶۲. کور کرمان: ۳ نفر

۶۳. کوفه: ۱۴ نفر

۶۴. مداین: ۸ نفر

۶۵. مدینه:

۲ نفر

۶۶. مرو رود: ۲ نفر

۶۷. مرو: ۱۲ نفر

۶۸. مولیان: ۲ نفر

۶۹. نسوی: ۱ نفر

۷۰. نصیبین ۱ نفر

۷۱. نیشابور: ۱۸ نفر

۷۲. وادی القری: ۱ نفر

۷۳. وشیج: ۴ نفر

۷۴. هرات: ۱۲ نفر

۷۵. همدان: ۴ نفر

۷۶. پناهندگان به روم: ۱۱ نفر

۷۷. مفقود در سلاهط: ۱ نفر

۷۸. المتخلی بصیقلیه: ۱ نفر

۷۹. فراری از قبیله خود: ۱ نفر

۸۰. فراریان به سروانیه: ۲ نفر

۸۱. گردشگر به دنبال حق از یخشب: ۱ نفر

۸۲. مسافران عانه به انطاکیه: ۲ تاجر و ۱ غلام ۸۳. المحتجّ بکتاب اللّه علی الناصب از سرخس: ۱ نفر

۸۴. وارد شوندگان سراندیب: ۲ نفر

(دلائل الامامه، ص ۳۰۷).

۱. در برخی روایات، نام این شهرها نیز آمده است: «صاغان، قرغانه، شام، ترمذ، موعود، ترقعه، دمشق، فلسطین، بعلبک، نوغان، حائر، نور، قالیقا، بروجرد، رها، مراغه،فالس، قبه، تربده، خبوان، طهی، ارم و سردانه».(۲۹۰)

۲. در برخی از احادیث به نام یاران امام مهدی علیه السلام نیز اشاره شده.(۲۹۱)

۳. تعداد یاران آن حضرت در برخی روایات، با تعدادی که ذکر شد، تفاوت دارد. مثلاً در روایت دیگر آمده است که از ری یک نفر به کمک امام زمان علیه السلام می آید، و در روایت دیگر این تعداد ۷ نفر ذکر شده است.(۲۹۲)

۴. در برخی روایات، نام برخی از شهرها تکرار شده است، مانند طالقان و شهر ری.(۲۹۳)

۵. در برخی روایات، به نام های متشابه برخی شهرها پرداخته است که ممکن است یک شهر باشند، مانند قرغانه و فرغانه(۲۹۴) صامغان(۲۹۵) و صاغان(۲۹۶).

۶. در برخی روایات، تعداد افراد ذکر شده، کمتر از ۳۱۳ نفر است.

۷. شهرهایی که ذکر شده اند، محل سکونت یاران مهدی علیه السلام در زمان ظهور آن حضرت می باشد. بنابراین ممکن است آنان اهل شهرهای یاد شده

نباشند و فقط در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ساکن آن شهر باشند.

۸. امـام صـادق علیه السـلام به ابوبصـیر فرمود: «همه یاران حضـرت مهـدی علیه السـلام جزء نجبا، قضات، فقهای دین و حکام هستند».

۹. نام بسیاری از شهرهای ایران در بین نام ها وجود دارد که در حدود سی شهر می باشد.

۱۰. با مقایسه بین شـهرهای یاد شـده و تعـداد افرادی که از آن مناطق به یاری امام زمان علیه السـلام می آینـد، معلوم می شود بیشترین یاران آن حضرت علیه السلام را ایرانیان تشکیل می دهند.

آیا یاران امام زمان علیه السلام فقط ۳۱۳ نفرند؟

یاران آن حضـرت بیشتر از ۳۱۳ نفرند. در سـخنان معصومین علیهم السـلام تعداد یاران آن حضـرت پنج هزار، ده هزار، دوازده هزار و پـانزده هزار نفر نیز آمـده است.(۲۹۷) علاوه بر آنها هشـتصد مرد و چهارصد زن همراه حضـرت عیسـی علیه السـلام از آسـمان می آیند.(۲۹۸) و پیوسـتن هفتـاد هزار صـدیق که زنـده می شونـد و در کوفه به امـام عصـر - ارواحنـا له الفـداء - می پیوندند، بهترین دلیل بر آن است که یاران حضرت مهدی علیه السلام بیش از ۳۱۳ نفر هستند.

در توجیه این عدد که در اخبار آمده، دو احتمال داده شده است:

۱. علّامه مجلسـی رحمه الله می گوید: «یاران حضـرت مهدی علیه السلام به هنگام ظهور سیصد و سیزده نفرند. بنابراین منافاتی ندارد که افراد دیگری بعد از ظهور آن حضرت به وی بپیوندند».(۲۹۹)

۲. ممکن است این عدّه جزو فرماندهان ارشد سپاه و کارگزاران عالی رتبه حکومت حضرت مهدی علیه السلام باشند.

امـام صـادق علیـه السـلام به مفضّـل بن عمر رحمه الله فرمـود: «گویـا می بینم قـائم را بر منـبر کـوفه و سـیصد و سـیزده نفر یـار همراهش بر گردش حلقه زده اند، همان هایی که صاحبان پرچم ها می باشند، آنان که حاکمان

خدا در روی کره زمین بر بندگانش خواهند بود.(۳۰۰)

پرسش ۴۳

نقش علما در حکومت امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ جهت روشن شدن این پرسش، نخست باید نقش علما را در دوران حضور امامان معصوم - علیهم السلام - بررسی کرد، آن گاه به غیبت و سپس دوران حضور و ظهور امام زمان علیه السلام بپردازیم.

در دوران ۲۶۰ ساله حضور معصومین علیهم السلام، علما پس از امامان علیهم السلام، بزرگ ترین و عظیم ترین نقش را در عالم اسلام ایفا کرده اند. آنان پاسدار ارزش های دینی بودند. فقیهان در سراسر کشورهای اسلامی، به نمایندگی از معصومین علیهم السلام، احکام الهی را به مردم می رساندند. در حقیقت، آنان نقش رابط بین معصومین علیهم السلام و مردم را ایفا کرده اند.

از سوی دیگر، امامان معصوم علیهم السلام به پاس تلاش فقیهان، پیوسته آنها را تأیید و حمایت می کردند و مردم را به سوی آنها ارجاع می دادند. در دوران غیبت صغری نیز بزرگانی همچون عثمان بن سعید و دیگر نمایندگان حضرت مهدی علیه السلام و فقیهانی مانند شیخ صدوق و شیخ کلینی، نقش عظیمی در گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام داشته اند.

علما در دوران غیبت کبری، به مرزبانی مرزهای عقیدتی پرداختند و زمینه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام را فراهم نمودند. یاران حضرت علیه السلام را علما، فقها و قضات تشکیل می دهند. آنان به نمایندگی از حضرت در سراسر جهان پخش می شوند و برنامه های حکومت امام زمان علیه السلام را در جامعه پیاده می کنند.

بنابراین، علما بیشترین سهم را در تشکیل حکومت امام مهدی علیه السلام بر عهده دارند، البته برخی از علمای غیر متعهد و منحرف و دنیادوست پیدا خواهند شد که با حضرت مهدی علیه السلام اعلام جنگ خواهند نمود. آنان از گروه بتریه هستند(۳۰۱) و تعدادشان شانزده

هزار نفر می باشد. آنان در پشت شهر کوفه به جنگ با آن حضرت می پردازند، آن حضرت سه روز به آنها مهلت می دهد تا از مواضع خود دست بردارند و سپس همه آنها را به قتل خواهد رساند.(۳۰۲)

پرسش ۴۴

ابدال کیانند؟

پاسخ از جمله پرسش هایی که در ذهن بسیاری از مردم آمده، این است که ابدال چه کسانی هستند، چند نفرند، ویژگی های آنان کدام است و در کجا زندگی می کنند؟

پاسخ می دهیم: در روایات و احادیث شیعه و سنی، فراوان سخنی از ابدال به میان آمده است و پرسش گران نیز همین سؤال ها را از معصومان داشته اند و ما نیز جهت روشن شدن این امر آن گفتگوها را خدمت خوانندگان تقدیم می داریم:

۱ - منظور از ابدال چیست؟

علّامه طریحی می نویسد: «الأبدال قوم من الصالحین لا تخلو الدنیا منهم، إذا مات واحداً بدل اللّه مکانه آخر(۳۰۳)؛ ابدال گروهی از مردم صالح و نیکوکاری اند که هرگز زمین از وجودشان خالی نمی شود، هر یک از آنها اجلش فرا رسد و بمیرد، خداوند شخص دیگری را جایش قرار می دهد».

همچنین آورده است: «هریک از آنان بمیرد، یک نفر از دیگر مردمان به جای او قرار می دهد».(۳۰۴)

خالد بن هیثم فارسی گوید: به امام رضاعلیه السلام عرض کردم: مردم گمان دارند که در روی زمین گروهی به نام ابدال وجود دارند، اینان کیانند؟ حضرت در پاسخ فرمود: «راست گفتند. منظور از ابدال همان اوصیا و جانشینان هستند که خداوند پس از مرگ و رحلت هر پیامبری آنها را بدل و جانشین او قرار می دهد، تا اینکه به حضرت محمّدصلی الله علیه وآله آنها را خاتمه داد».(۳۰۵)

و از این گفتگو روشن می شود که ابدال جانشینان انبیای الهی هستند، همچنان که

از دیگر روایات نیز به دست می آید که منظور از ابدال، امامان معصوم علیهم السلام هستند و نیز احتمال دارد که یاران خاصّ امامان علیهم السلام باشند.(۳۰۶)

مرحوم محدّث قمی، ضمن بیان اینکه مراد از ابدال، امامان معصوم علیهم السلام و یا طبق فرموده امام رضاعلیه السلام اوصیای الهی هستند، ابراز تردید کرده از اینکه شامل امامان معصوم علیهم السلام باشد، چرا که در دعای روایت شده از امّ داوود از امام صادق علیه السلام که در نیمه رجب وارد شده دلالت دارد که ابدال غیر از امامان هستند، اگرچه صراحتی در این خصوص ندارد و ممکن است حمل بر تأکید باشد(۳۰۷) و دعای مورد نظر این است که حضرت می فرماید: «اللّهمّ صلّ علی الأبدال والأوتاد والسیاح والعباد والمخلصین والزهاد وأهل الجدّ والاجتهاد واخصص محمّداً وأهل بیته بأفضل صلواتک وأجزل کراماتک...».(۳۰۸)

و آنچه که نظریه مرحوم محدث قمی را تایید می کند، آنکه در برخی روایات، عدّه ای از زنان را جزو ابدال شمرده اند(۳۰۹) و یا اینکه گفته شده: هر کس چند ویژگی در او باشد، جزو ابدال شمرده خواهد شد(۳۱۰) و یا در پاسخ اینکه ابدال از کجا به این مرتبه رسیده اند؟ گفته شده: به وسیله جود و سخا و نصیحت و خیرخواهی مسلمانان.(۳۱۱) که همه اینها دلالت بر این دارد که ابدال غیر معصومان علیهم السلام می باشند.

و ممکن است در حال حاضر بر خادمان و گروه سی نفری از همراهان حضرت مهدی علیه السلام منطبق شود. چنانچه علّامه مجلسی رحمه الله از امام باقرعلیه السلام نقل می کند که فرمود: «لا بدّ لصاحب هذا الأمر من عزله ولا بدّ فی عزلته من قوّه وما بثلاثین من وحشته(۳۱۲)؛ صاحب الزمان علیه السلام را به ناچار غیبتی است

و در آن غیبت، قدرت و قوّت برای او لازم است که در آن زمان به وسیله سی نفر از همراهانش از وحشت و تنهایی بیرون می آید، که با تعداد ابدال کاملاً سازگار است».

۲ - ابدال چند نفر هستند؟

باید گفت: در بین روایات اختلاف است و تعداد آنها بین سی تا هشتاد نفر بیان شده است، که ذیلًا آورده می شود:

الف) سی نفر: احمد بن حنبل در مسند از عباده بن صامت از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «الأبدال فی هذه الأمّه ثلاثون مثل ابراهیم خلیل الرحمن، کلّما مات رجل أبدل اللَّه تبارک وتعالی مکانه رجلًا(۳۱۳)؛ابدال در این امّت سی نفرند، مانند ابراهیم خلیل. و هر یک از اینان که از دنیا برود، خداوند دیگری را جایگزین می کند».

ب) چهل نفر: طبرانی در المعجم الکبیر از ابن مسعود از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: «لا یزال أربعون رجلاً من أمّتی قلوبهم علی قلب ابراهیم یدفع اللَّه بهم عن أهل الأرض یقال لهم الأبدال...(۳۱۴)؛ پیوسته چهل نفر هستند که قلبشان همانند قلب ابراهیم است که خداوند به وسیله آنها بلاها را از اهل زمین دور می گرداند که به آنان ابدال گفته می شود».

ج) هفتاد نفر: فخر الدین طریحی آورده است: «الأبدال قوم یقیم اللَّه بهم الأرض وهم سبعون...(۳۱۵)؛ ابدال گروهی هستند که خداوند به وسیله آنان زمین را برپا می دارد که تعدادشان هفتاد نفر است».

د) شصت نفر: مرحوم محدث قمی در سفینه البحار از ثعلبی از مردی از اهل عسقلان در دیداری که با الیاس داشته از او می پرسد که ابدال چند نفر هستند؟ حضرت در پاسخ می فرماید: شصت نفر.(۳۱۶)

ه) هشتاد نفر:

و در فردوس الأخبار مرسلًا از انس بن مالک نقل کرده: «الأبدال أربعون رجلًا وأربعون امرأه، کلّما مات رجل منهم، أبدل اللّه مکانه رجلًا، وکلّما ماتت امرأه أبدل اللّه مکانها امرأه(۳۱۷)؛ ابدال چهل نفر مرد و چهل نفر زن هستند و هرگاه یکی از مردان بمیرد، خداوند مرد دیگری به جای او قرار می دهد و هرگاه یکی از آن زنان بمیرد، زن دیگری را به جای او قرار می دهد».

۳ - ابدال دارای چه ویژگی هایی هستند؟

در کتابهای شیعه و سنی به روایاتی چند اشاره شده که پیامبرصلی الله علیه وآله چند ویژگی از ویژگی های ابدال را بیان فرموده است.

الف) قلب های ابدال همانند قلب ابراهیم علیه السلام است. عباده بن صامت از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «الأبدال ثلاثون رجلًا قلوبهم علی قلب ابراهیم علیه السلام».(۳۱۸) شاید مراد پیامبرصلی الله علیه وآله از این تشبیه این است که این چند نفر از نظر شدّت و صلابت و ایستادگی و مقاومت در برابر باطل همانند ابراهیم علیه السلام می باشند که وی در برابر باطل آن گونه ایستاد و از خود سرسختی نشان داد.

ب) سپر بلای انسانها. همچنین ابن مسعود از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده است که فرمود: «یدفع اللّه بهم عن أهل الأرض.(۳۱۹)؛ خداوند به وسیله آنها، بلاها را از مردم زمین دور می گرداند».

ج) دارای سه ویژگی دیگر.

و از دیگر ویژگی هایی که برای ابدال نقل شده است، این است که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «الرضا بالقضاء والصبر عن محارم اللّه والغضب فی ذات اللّه(۳۲۰)؛ راضی بودن به حکم و قضای الهی، صبر پیشه کردن بر محارم خدا - خودداری کردن از آلوده شدن به حرام -

، خشمگین شدن برای خدا».

د) داشتن مواسات و احسان و عفو. از دیگر مشخّصه های ابدال است که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «یعفون عمّن ظلمهم ویحسنون إلی من أساء إلیهم ویتواسون فیما آتاهم اللَّه عزّوجلّ(۳۲۱)؛ گذشت و عفو از کسانی که به آنان ظلم کنند، نیکی و احسان به آنان که در حقّشان بدی کنند، ایثار و مواسات در آنچه که خدای به آنان داده است».

و) جود و سخاء و خیرخواهی. ابن مسعود از پیامبرصلی الله علیه وآله چنین روایت کرده: «لا یزال أربعون رجلاً من أمّتی، قلوبهم علی قلب اِبراهیم یدفع اللَّه بهم عن أهل الأرض یقال لهم الأبدال، قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: إنّهم لم یدرکوها بصلوه ولا بصوم ولا صدقه. قالوا: یا رسول اللَّه! فیم أدرکوها؟ قال: بالسخاء والنصیحه للمسلمین(۳۲۲)؛ پیوسته چهل نفر از امّت من هستند که قلب هایشان همانند قلب حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد، خداوند به وسیله آنها - بلاها را - از اهل زمین دور می گرداند که به آنان ابدال گفته می شود. سپس رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: بدانید که اینان هرگز این مقام را از خواندن نماز و روزه و صدقه بدست نیاورده اند. عرض کردند: ای رسول خدا! پس به چه چیز به این مقام رسیدند؟ فرمود: به وسیله جود و بخشش و خیرخواهی مسلمانان».

۴ - ابدال در کجا زندگی می کنند؟

ابدال نه از طایفه و ملّیت خاصّی هستند و نه از شهر و وطن بخصوصی. بلکه ممکن است یک یا چند نفر از یک شهر و یا کشور بخصوصی باشند و نیز ممکن است هر یک از یک منطقه و شهر و دیار باشند، به ویژه اگر ابدال

را بر یاران امام زمان علیه السلام منطبق کنیم که بی شک در شهرهای مختلف زندگی می کنند.

مگر بر نقل فخر الدین طریحی در مجمع البحرین که چهل نفر از ابدال را از اهل شام می داند و بقیه آنها را از دیگر شهرها می دانـد، آورده است: «الأبدال قوم یقیم اللّٰه بهم الأرض وهم سـبعون؛ أربعون بالشام وثلاثون بغیرها(۳۲۳)؛ ابدال قومی هستند که خداوند به برکت آنها زمین را برپا می دارد و عددشان هفتاد نفر است، چهل نفر در شام و سی نفر در بقیه شهرها هستند».

۵ – آیا می توان جزء ابدال بود؟

پاسـخ می دهیم: با عنایت به اینکه ابـدال در همه دوران ها و مکان ها وجود دارند، بدون هیچ شک و شـبهه ای می توان یکی از آنهـا بود. همان گونه که پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله خود، مردم را به این نکته توجه داد که هرگز اینان به وسـیله نماز و روزه و زکات به این مقام نرسـیده اند، بلکه به وسـیله جود و سـخا و خیرخواهی مسـلمانان بوده است. همچنین در پاسخ برخی که عرض کردنـد: یـا رسول اللّٰه! مـا را بر اعمـال و کردار اینان راهنمایی کن. فرمود: «گـذشت کردن از کسانی که در حقشان ظلم کرده اند و نیز احسان در برابر بدی و مواسات در آنچه که خداوند به آنها داده است».

و دیگر صـفاتی که اگر در کسی یافت شود، جزء ابدال خواهد بود، چنان که روایات آن از نظرتان گذشت که همه آنها دلیل بر این است که هر کس با داشـتن چنین اوصافی می توانـد جزء ابدال باشد، امّا این بدان معنا نیست که هرکس چنین چیزی را مدعی شد، فوراً از او بپذیریم.

بخش نهم: دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

تمام پیامبران الهی و اوصیای آنها،

در راستای دعوت به خداپرستی با دشمنان فراوانی رو به رو بوده اند که قرآن کریم به بسیاری از آنها اشاره کرده است. اوج این دشمنی ها نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بود، چنانکه خود آن حضرت فرمود: «هیچ پیامبری همانند من آزار و اذیت ندید».

امام زمان علیه السلام نیز دشمنان بسیاری داشته و خواهد داشت، چون به جنگ تمام قدرت های غاصب و ستمگر خواهد رفت، از این رو بسیاری از قدرت ها، طوایف، قبایل، ملّیت ها، گروه ها و مکاتب انحرافی با آن حضرت اعلام جنگ می کنند، امّا وی پس از اتمام حجّت بر آنها، زمین را از لوث وجودشان پاک می گرداند. آخرین بخش این کتاب را به پاسخ برخی از این پرسش ها در مورد دشمنان امام زمان علیه السلام اختصاص داده ایم.

پرسش ۴۵

دشمنان امام زمان علیه السلام چه کسانی هستند؟

پاسخ

۱ - منحرفان فکری یکی از گروه هایی که با امام زمان علیه السلام جنگ می کند، گروهی است که قرآن را با اندیشه باطل خود تفسیر می کنند. در روایات آمده است: «آزاری که آنان هنگام ظهور به امام زمان علیه السلام می رسانند، بیش از آزاری است که پیامبرصلی الله علیه وآله از مردم نادان زمان خود دید، چون افرادی پیامبرصلی الله علیه وآله را آزار دادند که سنگ و چوب را می پرستیدند، اما کسانی که با قائم آل محمّدعلیهم السلام جنگ می کنند، کسانی هستند که کتاب خدا را در برابر آن حضرت تفسیر می کنند».(۳۲۴)

۲ - بتریه بتریه شاخه ای از زیدیه و منسوب به مغیره بن سعد هستند.

برخی گفته اند: بتریه یاران کثیر النوا، حسن بن ابی صالح، سالم بن ابی حفصه، حکم بن عیینه، سلمه بن کهیل و ابوالمقدام ثابت بن حدّاد هستند که مردم

را به محبّت و ولایت علی علیه السلام دعوت کردند، اما محبت او را با محبت ابوبکر و عمر مخلوط کردند. آنان محبّت ابوبکر و عمر را قبول دارنـد، ولی نسبت به عثمان، طلحه، زبیر وعایشه بغض ورزیدنـد ونظرشان بر این بود که بایـد در کنار فرزنـدان علی علیه السلام علیه دشمنان قیام کرد.(۳۲۵)

حسن بن سلیمان نقـل کرده که امـام صادق علیه السـلام فرمود: آنان چهار هزار نفر هسـتند.(۳۲۶) شـیخ مفیدرحمه الله درباره تعداد آنان نوشته است: «بضعه عشر آلاف أنفس»(۳۲۷)، مراد ایشان از این عبارت، چند ده هزار نفر می باشد. ابن رستم طبری تعداد آنها را شانزده هزار نفر می داند.(۳۲۸)

امام باقرعلیه السلام فرمود: «هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند و به سوی کوفه می رود، عدّه ای که به آنها بتریه گفته می شود، در حالی که اسلحه بر دوش دارنـد، در مقابل امام قرار می گیرنـد و می گویند: برگرد به همان جایی که آمده ای! ما نیازی به بنی فاطمه نداریم».(۳۲۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار هزار از حاملان قرآن و پشمینه پوشان معروف به زیدیه، از بیعت با آن حضرت خودداری می کنند و می گویند: آمدن امام حسـین علیه السـلام در این زمان، سحری عظیم است. پس هر دو سپاه در مقابل یکدیگر قرار می گیرنـد، امـام زمـان علیه السـلام آنها را موعظه می کنـد و سه روز به آنان مهلت می دهـد. پس از پایان گرفتن مهلت، امام زمان علیه السلام دستور جنگ با آنان را صادر می کند».(۳۳۰)

امام باقرعلیه السـلام نیز فرمود: «وقتی حضـرت مهـدی علیه السـلام به کوفه می رود، شانزده هزار نفر از بتریه که خود را قاریان قرآن و فقهای دین می دانند، ولی نفاق و دورویی سر تا پای آنها را فرا گرفته است، در

حالی که اسلحه بر دوششان است، نزد آن حضرت می آیند و می گویند: ای فرزند فاطمه برگرد که هیچ نیازی به تو نداریم. اینجاست که حضرت مهدی علیه السلام شمشیر خواهد کشید و در روز دوشنبه از بعد از ظهر تا شب، همه آنها را در پشت شهر نجف به قتل می رساند».(۳۳۱)

۳ - مرجئه سومین گروه از دشمنان امام زمان علیه السلام که حضرت هنگام ظهور با آنان جنگ می کند و همه آنها را به قتل می رساند، کج اندیشان مرجئه هستند که بر اثر عقاید انحرافی خود، فرسنگ ها از اسلام فاصله می گیرند و عظیم ترین گناهان را بی پروا انجام می دهند.

علّامه طریحی درباره این گروه می نویسد: «مرجئه گروهی از مسلمانان هستند و عقیده دارند هرگز گناه ضرری به ایمان نمی زند».

همچنین ابن قتیبه می گوید: «مرجئه کسانی هستند که قائل به ایمان قولی و زبانی بدون عمل می باشند».

برخی نیز گفته اند: «مرجئه همان جبریه هستند که گویند: هیچ گاه بنده از خود اختیاری ندارد».(۳۳۲)

بشیر می گوید: «در سفری که به مدینه داشتم، همین که به در خانه امام باقرعلیه السلام رسیدم، قاطر زین شده ای بر در خانه آن حضرت یافتم، بدین جهت برای ملاقات با آن حضرت، پشت در خانه نشسته، منتظر بیرون آمدن وی شدم. همین که امام علیه السلام بیرون آمد، سلام کردم.

آن حضرت از قاطر پیاده شد، به سوی من آمد و فرمود: اهل کجا هستی؟ عرض کردم: اهل عراق. فرمود: کدام شهر؟ عرض کردم: کوفه. فرمود: چه کسی در این سفر تو را همراهی می کرد؟ گفتم: گروهی از محدّثه. فرمود: محدّثه کیانند؟ عرض کردم: مرجئه. فرمود: وای بر آنها! اگر فردا قائم ما قیام کند، به چه کسی پناه خواهند برد؟

عرض کردم:

آنان گویند: در آن روز همه مشـمول عدل او قرار می گیریم و با شما برابر هستیم. فرمود: «هرکس توبه کند، خداوند توبه اش را می پذیرد و هرکس نفاقی در درون داشـته باشد، او را از رحمت خود دور خواهد کرد و هرکس ایده باطلش را در آن روز اظهار کند، خداوند خونش را خواهد ریخت».

سپس فرمود: «قسم به آنکه جانم در قبضه اوست، امام زمان علیه السـلام آنها را خواهد کشت، همان گونه که قصّاب گوسفند خود را می کشد».

عرض کردم: آنان گوینـد: هنگامی که امور بر حضـرت مهـدی علیه السـلام سامان گرفت، وی قطره خونی را نخواهـد ریخت. حضرت علیه السلام فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست! چنین چیزی نخواهد بود، تا ما و شما خون و عرق را از پیشانی مان پاک گردانیم و سپس به پیشانی خود اشاره نمود».(۳۳۳)

امـام زمـان علیه السـلام بـا اهالی بنوکلاب،(۳۳۴) ارمینیه،(۳۳۵) کوفه،(۳۳۶) عرب،(۳۳۷) مکه، مـدینه، بصـره دمیسـان، کرد، اعراب، شام، بنی امیه، بنوضبه، غنی، باهله، ازد و ری جنگ خواهد کرد.(۳۳۸)

پرسش ۴۶

آیا امام زمان علیه السلام کشته می شود؟

پاسخ

بنـابر برخی روایـات، امام عصـر – عجّل اللّه فرجه الشـریف – فوت می کنـد. بنابر برخی روایات دیگر، آن حضـرت شـهید می شود.

از امـام صادق علیه السـلام سؤال شـد: آیا رجعت حق است؟ حضـرت فرمود: آری. سؤال شـد: اوّلین کسـی که رجعت خواهد کرد، کیست؟ فرمـود: «امـام حسـین علیه السـلام پس از حضـرت قـائم علیه السـلام، همراه یـاران خود و هفتـاد پیـامبر برخواهد گشت. آن گاه حضـرت قائم علیه السـلام انگشتر خود را به امام حسـین علیه السلام می دهد و از دنیا می رود. امام حسین علیه السلام او را غسل می دهد و کفن ودفن می کند».(۳۳۹)

علّامه مجلسی رحمه الله می گوید: اگر کسی سؤال کند: امام حسین علیه السلام

را چه کسی غسل خواهد داد؟ در جواب می گوییم: «چون امام حسین علیه السلام در این دنیا شهید شده است، احتیاج به غسل ندارد، یا امامان علیهم السلام بعد از آن حضرت که به دنیا باز می گردند، ایشان را غسل می دهند و بر او نماز می گذارند». (۳۴۰)

و از امام حسن، امام صادق و امام رضا علیهم السلام نقل شده که فرموده اند: «ما منّا إلّا مسموم أو مقتول؛ ما کشته یا مسموم از دنیا خواهیم رفت».

بنابراین امام عصر – ارواحنا له الفداء – نیز به شهادت خواهد رسید.

در کتاب های معتبر، بحثی از چگونگی شهادت حضرت مهدی علیه السلام به میان نیامده است، اما شیخ احمد احسایی در ذیل حدیث «مؤمن بإیابکم مصدّق برجعتکم» نوشته است: «در روایت منتخب البصائر، درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: پس او کشته می شود و زنی از طایفه تمیم به نام سعیده که محاسنی همانند مردان دارد، وقتی آن حضرت از کوچه ای عبور می کند، آن زن از روی بام خانه خود، سنگی بر سر آن حضرت می زند».(۳۴۱)

فهرست منابع

۱. الإرشاد محمد بن محمد بن النعمان ۲. إثبات الوصیّه علی بن الحسین مسعودی ۳. إثبات الهداه محمد بن الحسن حرّ عاملی ۴. إسعاف الراغبین ابن الصبّان ۵. إعلام الوری فضل بن الحسن طبرسی ۶. إلزام الناصب شیخ علی یزدی ۷. أوائل المقالات محمد بن محمد بن النعمان ۸. با خورشید سامرّا محمد جواد طبسی ۹. بحار الأنوار علّامه محمد باقر مجلسی ۱۰. بشاره الإسلام سید مصطفی کاظمی ۱۱. بصائر الدرجات محمد بن الحسن صفّار قمی ۱۲. البیان فی أخبار صاحب الزمان محمد بن یوسف گنجی شافعی ۱۳. پاسخ ما کانون اعتقاد دینی مشهد

۱۴. تأویل الآیات شرف الدین

نجفی ۱۵. التاج الجامع للأصول منصور علی ناصف ۱۶. تبصره الولی فیمن رأی القائم المهدی سید هاشم بحرانی ۱۷. التذکره فی أحوال الموتی والآخره محمد بن احمد قرطبی ۱۸. تذکره الخواص سبط ابن الجوزی ۱۹. تفسیر العیّاشی محمد بن مسعود بن عیّاش ۲۰. تفسیر المیزان علّامه سید محمد حسین طباطبایی ۲۱. تفسیر القمی علی بن ابراهیم قمی ۲۲. تقریب المعارف ابوالصلاح حلبی ۲۳. تهذیب الأحکام محمد بن الحسن طوسی ۲۴. الثقات ابن حبّان ۲۵. جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟ ابوالفضل طریقه دار

۲۶. جوانان یاوران مهدی محمد باقر پور امینی ۲۷. حقّ الیقین علّامه محمد باقر مجلسی ۲۸. حلیه الأبرار سید هاشم بحرانی ۲۹. الخرائج والجرائح قطب راوندی ۳۰. خورشید مغرب محمد رضا حکیمی ۳۱. دادگستر جهان ابراهیم امینی ۳۲. دلائل الإمامه محمد بن جریر بن رستم طبری ۳۳. الذریعه آغا بزرگ تهرانی ۳۴. رجال الکشّی ابوعمرو کشّی ۳۵. زنان در حکومت امام زمان محمد جواد طبسی ۳۶. سفینه البحار شیخ عبّاس قمی ۳۷. سنن ابن ماجه ابن ماجه قزوینی ۳۸. سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی ۳۹. سنن ترمذی محمد بن عیسی ترمذی ۴۰. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

۴۱. الشیعه والرجعه محمد رضا طبسی ۴۲. الصواعق المحرّقه احمد بن حجر عسقلانی ۴۳. عصر الظهور علی کورانی ۴۴. عقد الدرر سلمی ۴۵. عقیده أهل السنّه والأثر عبد المحسن عباد

۴۶. علل الشرائع شیخ صدوق ۴۷. عیون أخبار الرضا شیخ صدوق ۴۸. غایه المرام سید هاشم بحرانی ۴۹. الفتوحات المکّیه ابن العربی ۵۰. فرائد السمطین ابراهیم بن محمد حموینی ۵۱. فردوس الأخبار دیلمی ۵۲. الفصول المهمّه ابن الصبّاغ مالکی ۵۳. قصص الأنبیاء ابن کثیر دمشقی ۵۴. الکافی

محمد بن یعقوب کلینی ۵۵. کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه ۵۶. کتاب الخصال شیخ صدوق ۵۷. کتاب الغیبه محمد بن الحسن طوسی ۵۸. کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی ۵۹. کفایه الأثر محمد بن علی الخزاز

۶۰. کمال الدین شیخ صدوق ۶۱. کنز العمّال متّقی هندی ۶۲. المحاسن ابوعبد اللّه برقی ۶۳. مجمع البجرین فخر الدین طریحی ۶۴. مجمع البیان حسین بن علی طبرسی ۶۵. مختصر بصائر الدرجات محمد بن سلیمان حلّی ۶۶. المستدرک علی الصحیحین حاکم ابوعبد اللّه نیشابوری ۶۷. مشارق الأنوار حمزاوی ۶۸. مشکاه الأنوار طبرسی ۶۹. مصباح الزائر ابراهیم بن علی کفعمی ۷۰. معجم أحادیث الإمام المهدی محمد جواد طبسی و جمعی از نویسندگان ۷۱. الملاحم والفتن ابن طاووس حلّی ۷۲. مناقب آل أبی طالب ابن شهرآشوب ۷۳. منتخب الأـثر لطف اللّه صافی ۷۴. منتهی الآمال شیخ عباس قمی ۷۵. منهاج السّنه ابن تیمیه ۷۶. النجم الثاقب میرزا حسین نوری ۷۷. نور مهدی جمعی از نویسندگان ۷۸. ینابیع المودّه محمد بن سلیمان قندوزی

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۳ قرآن کریم / وزیری خط نیریزی / الهی قمشه ای ۴ قرآن کریم / وزیری (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ کلیات مفاتیح الجنان / وزیری خط افشاری / الهی قمشه ای ۷ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۸ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ منتخب مفاتیح الجنان /

جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۱۲ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۳ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۴ آقا شیخ مرتضای زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۵ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۱۶ از زلال ولایت واحد تحقیقات ۱۷ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۱۸ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۱۹ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۰ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۲۱ انتظار و انسان معاصر عزیز اللّٰه حیدری ۲۲ اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۳ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۲۴بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۲۵ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۲۶ پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۲۷ تاریخ پیامبر اسلام صلّی اللّٰه علیه وآله وسلّم / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۲۸ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۲۹ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۳۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی واحد تحقیقات ۳۱ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات ۳۲ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی واحد تحقیقات ۳۳ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات ۳۴ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۳۵ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۳۶ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۳۷ چهل حدیث /امام مهدی در کلام امام علی علیهما السلام سید صادق سیدنژاد

۳۸ حضرت

مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۳۹ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۰ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۴۱ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۲ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۴۳ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۴ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۴۵ داستانهایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۶ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۴۷ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۴۸ درکربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۴۹ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۵۰ رسول ترک محمدحسن سیف اللهی ۵۱ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی ۵۲ زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۵۳ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۵۴ سرود سرخ انار الهه بهشتی ۵۵ سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۵۶ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۷ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۵۸ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی ۵۹ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۰ عطر سیب حامد حجّتی ۶۱ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۶۲ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۶۳ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۶۴ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۶۵ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۶۶ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۶۷ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۶۸ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۶۹ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۷۰ کمال الدین وتمام النعمه

(دو جلـد) شـیخ صدوق رحمه اللّه / منصور پهلوان ۷۱ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشـعار) حسن بیاتانی ۷۲ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۷۳ گفتمـان مهـدویت آیت اللّه صـافی گلپایگانی ۷۴ گنجینه نـور و برکت، ختم صـلوات مرحوم حسـینی اردکـانی ۷۵ مشکاه الانوار علّامه مجلسـی رحمه اللّه ۷۶ مفرد مـذکر غـائب علی مـؤذنی ۷۷ مکیـال المکارم (دو جلـد) موسوی اصـفهانی/ حائری قزوینی ۷۸ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه اللّه ۷۹ منشور نینوا مجید حیدری فر

۸۰ مهدی علیه السـلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّه حیدری ۸۱ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۸۲ مهـدی موعود علیه السـلام، ترجمه جلد ۱۳ بحـار - دو جلـد علّامه مجلسـی رحمه اللّه / ارومیه ای ۸۳ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۸۴ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۸۵ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات ۸۶ ناپیدا ولی با ما / انگلیسـی واحد تحقیقات ۸۷ ناپیـدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش ۸۸ ناپیـدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش ۸۹ نجم الثاقب میرزا حسـین نوری رحمه اللّه ۹۰ نشانه های ظهور او محمد خادمی شـیرازی ۹۱ نشانه های یار و چکامه انتظار مهـدی علیزاده ۹۲ نهـج البلاغه / وزیری سـید رضـی رحمه اللّه / محمد دشتی ۹۳ نهج البلاغه / جیبی سید رضـی رحمه اللّه / محمد دشتی ۹۴ و آن که دیرتر آمـد الهه بهشتی ۹۵ وظایف منتظران واحـد تحقیقات ۹۶ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۹۷ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه

اللَّه ۹۸ هدیه احمدیه / نیم جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه اللَّه ۹۹ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۰۰ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی ۱۰۱ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

پی نوشت ها

۱ تا ۱۳۸

۱) سوره انبیاء آیه ۱۰۵.

۲) تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۷.

۳) همان، ص ۳۲۹.

۴) خورشید مغرب، ص ۶۶.

۵) همان، ص ۶۶ و ۶۷.

۶) جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: همان، ص ۷۱ - ۷۴.

۷) نگارنده تمام این روایات را در «معجم احادیث الامام المهدی»، ج ۵ با همکاری گروهی از نویسندگان گرد آورده است.

۸) سوره قصص، آیه ۵.

۹) دلائل الامامه، ص ۲۳۷.

۱۰) تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۳۲ و معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۶۲.

۱۱) سوره نمل ، آیه ۶۲.

۱۲) تفسیر عیّاشی، ج ۲، ص ۵۶.

۱۳) نور مهدی، ص ۳۷.

۱۴) معجم أحادیث الامام المهدی، ج ۱ - ۵.

۱۵) سنن ترمذی، ج ۲، ص ۵۰۵.

۱۶) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

۱۷) سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۶۷.

۱۸) الصواعق المحرقه، ص ۱۶۳.

۱۹) اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵.

۲۰) کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۲۱) مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۲۲) عقد الدرر، ص ۳۳.

۲۳) اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵.

۲۴) عقیده أهل السنّه والأثر، ص ۱۸.

۲۵) الصواعق المحرقه، ص ۱۶۳.

۲۶) مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۲۷) التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۳.

۲۸) صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰۱.

۲۹) همان، ج ۴ ،ص ۲۲۶۶.

۳۰) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳۱) همان ج ۳ ص ۲۱۱.

۳۲) همان، ج ۴، ص ۵۵۸.

۳۳) همان، ج ۴، ص ۵۵۸.

۳۴) همان، ص ۴۶۳.

۳۵) منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۱۱.

۳۶) تاریخ البخاری، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳۷) همان، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳۸) کفایه الاثر، ص ۱۴۹.

۳۹) کفایه الاثر، ص ۲۲۳.

۴۰) معجم احادیث الإمام المهدی، ج ۴، ص ۱۴۸.

۴۱) مصباح الزّائر، ص ۳۱۲.

۴۲) اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۴۳) مناقب، ال ابی طالب، ج ۱، ص ۳۰۱.

۴۴) محاسن برقی،ص ۱۵۵، الثقات ابن حبان، ج ۷، ص ۴۹.

۴۵) کمال الدین ،ج ۲، ص ۴۱۲.

۴۶) الفصول المهمه، ص ۲۷۴.

۴۷) همان، ص ۲۷۲.

۴۸) البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۲۱.

۴۹) تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

۵۰) الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۲۲.

۵۱) شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۹.

۵۲) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷.

۵۳) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴ و با خورشید سامرا. ص ۲۸۸.

۵۴) با خورشید سامرا، ص ۲۹۰.

۵۵) تبصره الولی فی من رأی القائم المهدی، ص ۹۳.

۵۶) کتاب الغیبه، ص ۲۱۷.

۵۷) همان، ص ۱۳۴ و کفایه الاثر، ص ۲۸۹.

۵۸) کمال الدین ،ج ۱، ص ۴۳.

۵۹) حق الیقین، ص ۳۲۰.

۶۰) حقّ الیقین، ص ۳۲۱؛ با تلخیص و تصرف.

۶۱) کتاب الغیبه، ص ۱۰۶.

۶۲) حق الیقین، ص ۳۲۵ و منتهی الامالی، ج ۲، ص ۵۰۸.

۶۳) منتهی الامالی، ج ۲، ص ۵۰۸.

۶۴) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۴۲.

۶۵) بحار الانوار ج ۵۸ ص ۱۷۶.

۶۶) همان ص ۲۳۴.

۶۷) کمال الدین ،ج ۱، ص ۲۱۰.

۶۸) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۷.

۶۹) پاسخ ما، ص

.۱۷

۷۰) همان،ص ۲۰.

۷۱) سوره ص، آیه ۸۰و ۸۱.

۷۲) سوره عنکبوت آیه ۱۴.

۷۳) سوره صافات آیه ۱۴۴.

۷۴) رجوع شود به: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵ – ۲۸۸.

۷۵) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۹۵ و فردوس الاخبار دیلمی، ج ۳، ص ۸۶.

۷۶) رجوع شود به: الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۲۹۳ – ۳۰۰.

۷۷) رجوع شود به: الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۳۲۹ – ۳۳۹.

۷۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۷۹) سوره اشقاق آیه ۱۹.

۸۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰.

۸۱) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۶۴.

۸۲) کتاب الغیبه ،ص ۲۶.

۸۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰.

۸۴) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۸۵) غیبت نعمانی، ص ۱۷۶.

۸۶) کتاب الغیبه، ص ۲۰۲.

۸۷) کتاب الغیبه، ص ۱۰۶.

۸۸) سوره فتح، آیه ۲۵.

۸۹) علل الشّرایع، ج ۱، ص ۱۴۱.

۹۰) سوره قصص، آیه ۵.

۹۱) سوره انبیا آیه ۱۰۵.

۹۲) سوره نور، آیه ۵۵.

۹۳) تذکره الخواص ص ۲۶۳، عقدالدرر ص ۳۲، منهاج السنه ج ۴ ص ۲۱۱.

۹۴) محاسن برقی ص ۱۵۵، کمال الدین ج ۲، ص ۴۱۲.

۹۵) معجم احادیث الامام المهدی ، ج ۴، ص ۱۴۸.

۹۶) غیبت نعمانی، ص ۸۱.

۹۷) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۴۳۲، ضمناً در کتابهای اهل سنت به انتظار فرج نیز اشاره شده که می توان به المعجم الکبیر طبرانی، ج ۱۰، ص ۱۲۴، مسند شهاب ج ۱، ص ۶۲، تاریخ بغداد ج ۲،

ص ۱۵۴ مراجعه کرد.

۹۸) منتهی الامال ، ج ۲، ص ۴۸۳.

۹۹) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۱۰۰) همان.

۱۰۱) جزوه درس های استاد مکارم شیرازی پیرامون انگیزه پیدایش مذهب، ص ۴۷.

۱۰۲) همان، ص ۴۶.

۱۰۳)

سوره عصر، آیه ۳.

۱۰۴) بشاره الاسلام، ص ۲۸.

۱۰۵) الزام الناصب، ص ۲۸۸.

۱۰۶) بشاره الاسلام، ص ۲۸.

۱۰۷) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳ .

۱۰۸) اعلام الوری، ص ۴۲۴.

۱۰۹) نامش عثمان و فرزند عنبسه است ، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۱۱۰) عقدالدرر، ص ۷۲

۱۱۱) همان، ص ۹۰.

۱۱۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۱۱۳) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۵۳.

۱۱۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۱۱۵) کتاب الغیبه، ص ۲۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۱۱۶) همان، ص ۲۰۶.

۱۱۷) غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

۱۱۸) منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۹۷ با اندکی تصرف و تلخیص.

۱۱۹) غیبهنعمانی، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ و عقد الدرر، ص ۸۷.

۱۲۰) عقدالدرر، ص ۸۶. این شهرها عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن و حلب.

۱۲۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۱۲۲) تفسیر العیّاشی، ج ۲، ص ۵۶ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱ .

۱۲۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۱۲۴) سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳.

۱۲۵) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۱۲۶) الملاحم والفتن، ابن طاووس، ص ۸۴.

۱۲۷) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۴؛ التذکره فی احوال الموتی والآخره، ص ۵۳، فوائد المسمطین، ج ۲، ص ۹۱.

۱۲۸) نام دیگر قدس است (عصر الظهور، ص ۲۲۸.

۱۲۹) سنن ترمذی ج ۴ ص ۵۳۱.

۱۳۰) دلائل الإمامه، ص ۳۱۴.

۱۳۱) ینابیع الموده، ص ۴۴۹.

۱۳۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

۱۳۳) بحار الانوار، ج ۶۰،ص ۲۱۶.

۱۳۴) سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۵.

۱۳۵) النجم الثاقب، ص ۴۴۴.

۱۳۶) دعبل گفت:

خروج امام لا مجاله خارج

بقوم علی اسم اللّه و البرکات یميّز فینا کل حق و باطل

و یجزی علی النعماء و النقمات ۱۳۷) منتخب الاثر، ص ۵۰۵.

۱۳۸) مناقب آل الی طالب، ج ۴، ص ۳۳۹.

۱۳۹ تا ۲۹۱

۱۳۹) منتخب الاثر، ص ۵۰۵.

۱۴۰) منتخب الاثر، ص ۵۰۵.

۱۴۱) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳.

۱۴۲) همان، ص ۳۱.

۱۴۳) همان، ص ۳۱.

۱۴۴) همان.

۱۴۵) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳.

۱۴۶) همان، ص ۳۲.

۱۴۷) همان.

۱۴۸) کمال الدین، ج ۱، ص ۴۲۳.

۱۴۹) دلائل الامامه، ص ۲۳۷.

۱۵۰) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۱۵۱) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲.

۱۵۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

۱۵۳) کفایه الاثر، ص ۱۵۳ ؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۸ و اثبات الهداه، ص ۶۵۱.

۱۵۴) کفایه الاثر، ص ۱۸۷.

۱۵۵) سوره اسراء، آیه ۳۳.

۱۵۶) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۱۵۷) الکافی، ج ۸، ص ۲۵۵ ؛ تاویل الایات، ج ۱، ص ۲۸۰ و کامل الزیارات، ص ۶۳.

۱۵۸) کامل الزیارات، ص ۶۳؛ بحار الانوار، ج ۴۵ ص ۲۹۸.

۱۵۹) سوره انعام، آیه ۱۶۴.

۱۶۰) بحار الانوار، ج ۵۲؛ و عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۴۷.

۱۶۱) کفایه الاثر، ص ۲۶۵.

۱۶۲) همان، ص ۲۷۸.

۱۶۳) کفایه الاثر، ص ۱۷۳، ۳۳۴،۳۳۸.

۱۶۴) کفایه الاثر، ص ۲۶۳.

۱۶۵) همان، ص ۲۷۹.

۱۶۶) علل الشرایع، ص ۱۶۰ و معجم أحادیث الامام المهدی، ص ۳۱۰.

۱۶۷) معجم أحادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۲۲۲.

۱۶۸) کفایهالاثر، ص ۷۶.

۱۶۹) همان، ص ۱۴۵.

۱۷۰) بصائر الدرجات، ص ۱۱۴.

۱۷۱) مستدرک حاکم، ج، ص ۵۸۸.

۱۷۲) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۹۵.

۱۷۳) با خورشید سامرا، ص ۲۸۴، به نقل از غیبه طوسی، ص ۱۴۱.

۱۷۴) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷ و ص ۲۲۴.

۱۷۵) همان ،ص ۲۲۴.

۱۷۶) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۱ و بحار

الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۱۷۷) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۱۷۸) همان.

۱۷۹) منتخب الاثر، ص ۲۲۱.

۱۸۰) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۱۸۱) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۰ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴.

۱۸۲) همان.

۱۸۳) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۱۸۴) عقد الدرر۷ ص ۲۷۷.

۱۸۵) غیبت نعمانی، ص ۲۴۳.

۱۸۶) غیبت نعمانی، ص ۲۴۲.

۱۸۷) معجم أحادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۸۶.

۱۸۸) همان، ص ۲۰۱.

۱۸۹) بصائر الدرجات، ص ۱۸۳.

۱۹۰) همان، ص ۱۸۸.

۱۹۱) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۴.

۱۹۲) الشیعه والرجعه، ص ۱۶۳.

۱۹۳) بصائر الدرجات، ص ۱۷۵.

۱۹۴) همان، ص ۱۳۵.

۱۹۵) همان.

۱۹۶) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۴۱۹.

۱۹۷) بصائر الدرجات، ص ۱۴۲.

۱۹۸) همان، ص ۱۴۷.

۱۹۹) همان، ص ۱۵۱.

۲۰۰) معجم الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۸۸.

۲۰۱) بصائر الدرجات، ص ۱۵۱.

۲۰۲) سوره توبه، آیه ۳۳.

۲۰۳) سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲۰۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

۲۰۵) تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۱۸۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۲۰۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲۰۷) خصال صدوق، ج ۲،ص ۳۹۴؛بحار الانوار،ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۲۰۸) کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳۳۳؛ بحارالأنوار ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲۰۹) کتاب الغیبه، ص ۴۵۳.

۲۱۰) امام صادق علیه السلام فرمود: «و یقوم یوم عاشوراء و هوالیوم الذی قتل فیه الحسین بن علی لکأنی فی یوم السبت، العاشر من المحرم» (ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱.)

۲۱۱) فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۳۱.

۲۱۲) ینابیع الموده، ص ۳۳۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲۱۳) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲۱۴) و ۵ – همان.

(۲۱۵

۲۱۶) غیبت نعمانی، ص ۳۳۱.

۲۱۷) همان، ص ۱۸۱.

۲۱۸) بحار

الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲۱۹) الشیعه والرجمه، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ارشاد مفید، ص ۳۴۵.

۲۲۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶ .

۲۲۱) ارشاد مفید، ص ۳۴۵.

۲۲۲) بشاره الاسلام، ص ۱۶۷.

۲۲۳) کتاب الغیبه، ص ۱۶۵.

۲۲۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵.

۲۲۵) همان، ص ۱۵۳.

۲۲۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

۲۲۷) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶.

۲۲۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۲۲۹) همان.

۲۳۰) با خورشید سامرا، ص ۸۲.

۲۳۱) جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص ۴۷ (به نقل از ناجی نجار).

۲۳۲) جهت کسب اطلاعات بیش تر می توانید به کتاب «جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟»تحقیق و ترجمه ابوالفضل طریقه دار مراجعه نمایید.

۲۳۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۲۳۴) کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، و ص ۳۳۹؛ غیبت نعمانی، ص ۲۰۴.

۲۳۵) بحار الانوار، ج ۵۲،ص ۳۱۷.

۲۳۶) الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۲۳۷) نور مهدی، ص ۷۲.

۲۳۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳ تا ۳۶۰.

۲۳۹) همان، ص ۳۶۶.

۲۴۰) سوره بقره، آیه ۲۴۳.

۲۴۱) همان، آیه ۲۵۹.

۲۴۲) سوره بقره، آیه ۲۶۰.

۲۴۳) سوره نمل، آیه ۸۳.

۲۴۴) مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۷.

۲۴۵) الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲۴۶) همان، ص ۲۵۸.

۲۴۷) أوائل المقالات، ص ۸۹.

۲۴۸) الذریعه الی تصانیف الشیعه ج ۱، ص ۹۰.

۲۴۹) شاید منظور امام، شهر نجف اشرف باشد.

۲۵۰) ارشاد مفید، ص ۳۶۵.

۲۵۱) دلائل الامامه، ص ۲۴۸.

۲۵۲) رجال کشی، ص ۴۰۲.

۲۵۳) مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۸.

۲۵۴) دلائل الامامه ص ۲۶۰.

۲۵۵) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

۲۵۶) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲۵۷) دلائل الامامه، ص ۲۳۷.

۲۵۸) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۹.

۲۵۹) دلائل الامامه، ص ۲۳۷.

۲۶۰) سوره غافر آیه ۵۱.

۲۶۱) معجم الامام المهدی، ج ۵،

ص ۳۸۴.

۲۶۲) همان، ج ۴، ص ۸۹.

۲۶۳) الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۹۲.

۲۶۴) فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۱۵.

۲۶۵) همان، ج ۱، ص ۵۳۰.

۲۶۶) همان، ص ۵۳۱.

۲۶۷) مجمع البحرین، ص ۳۱۶.

۲۶۸) کافی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲۶۹) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۹۴.

۲۷۰) امام باقرعلیه السلام فرمود: «ان قائمنا اذا قام دعا الناس الی امر جدید کما دعا الیه رسول اللّٰه» غیبت نعمانی، ص ۳۲۱.

۲۷۱) اعلام الوری، ص ۴۳۱.

۲۷۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۲۷۳) همان، ص ۳۸۵و

۲۷۴) ارشاد مفید، ص ۳۴۱.

۲۷۵) همان.

۲۷۶) سوره توبه، آیه ۳۳.

۲۷۷) بحار الانوار، ج ۵۰ ص ۳۴۰.

۲۷۸) دادگستر جهان، ص ۳۹۳.

۲۷۹) مجمع البیان، ص ۲۳۶.

۲۸۰) سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۹.

۲۸۱) مجمع البحرین، ص ۲۳۶.

۲۸۲) اثبات الوصیه، ص ۲۹؛ قصص الانبیاء ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲۸۳) تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۲.

۲۸۴) سوره کهف، آیه ۶۵.

۲۸۵) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰.

۲۸۶) همان، ص ۳۹۱.

۲۸۷) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۶۷؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۸۳.

۲۸۸) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۶۷؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۸۳.

۲۸۹) اعلام الوری، ص ۴۰۶.

۲۹۰) دلائل الامامه، ص ۳۰۷.

۲۹۱) بشاره الاسلام، ص ۲۰۹.

۲۹۲ تا ۳۴۱

۲۹۲) دلائل الامامه، ص ۳۰۷.

۲۹۳) همان.

۲۹۴) بشاره الاسلام، ص ۲۰۹.

۲۹۵) دلائل الامامه، ص ۳۰۷.

۲۹۶) بشاره الاسلام، ص ۲۰۹.

۲۹۷) غیبه نعمانی، ص ۳۰۷ ؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳؛ جوانان یاوران مهدی (ع) ص ۱۶.

۲۹۸) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۳۴؛ زنان در حکومت امام زمان (ع) ص ۲۰.

۲۹۹) حق الیقین،ص ۳۵۲.

۳۰۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۳۰۱) شاخه ای از طوایف زیدیه هستند و به

مغیره بن سعد – ابتر لقب گرفته بود –، نسبت داده می شوند. حسن بن سلیمان تعداد این گروه را چهل هزار نفر می داند. رجوع شود به: مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۰.

۳۰۲) دلائل الامامه، ص ۳۴۲.

۳۰۳) مجمع البحرین، ص ۴۲۵، ماده بدل.

۳۰۴) همان.

۳۰۵) سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴.

۳۰۶) همان.

۳۰۷) سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴.

۳۰۸) مفاتیح الجنان، ص ۲۶۴.

۳۰۹) فردوس الاخبار ج ۱، ص ۱۱۹.

۳۱۰) همان، ج ۲، ص ۸۴.

۳۱۱) المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۲۲۴.

۳۱۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۳۱۳) مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۲۲.

۳۱۴) المعجم الکبیر طبرائی، ج ۱۰، ص ۲۲۴.

۳۱۵) مجمع البحرین ، ص ۴۲۵.

۳۱۶) سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۸.

۳۱۷) فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳۱۸) فوائد الاصول، ص ۶۹.

۳۱۹) المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳۲۰) فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۸۴.

۳۲۱) حلیه الاولیاء ج ۱، ص ۸.

۳۲۲) معجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۲۲۴.

۳۲۳) مجمع البحرین، ص ۴۲۵

۳۲۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.

۳۲۵) مجمع البحرین، ص ۲۳۰.

۳۲۶) مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۰.

۳۲۷) ارشاد مفید، ص ۳۴۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۳۲۸) دلائل الامامه، ص ۲۴۲.

۳۲۹) ارشاد مفید، ص ۳۴۲، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۳۳۰) مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۰.

۳۳۱) دلائل الامامه، ص ۲۴۲.

۳۳۲) مجمع البحرین، ص ۳۵.

۳۳۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶؛ کافی، ج ۸، ص ۸۱، غیبه نعمانی، ص ۲۸۳.

۳۳۴) الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳۳۵) همان، ص ۱۶۲.

۳۳۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.

۳۳۷) همان، ص ۳۵۵.

۳۳۸) همان، ص ۳۶۳.

۳۳۹) حق الیقین، ص ۳۵۲ و منتخب بصائر الدرجات، ص ۴۸.

۳۴۰) همان، ص ۳۵۱.

۳۴۱) شرح الزیاره، ج ۳، ص ۵۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹